

روایت نصر

ویژه‌نامه اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری

جنگ ۱۲ روزه فراتر از یک رویارویی نظامی

غروب صفتی؟

השקיעה ציו

عنوان ویژه نامه:

روایت نصر

موضوع:

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه ایران و رژیم
صهیونیستی

تاریخ انتشار:

تیرماه ۱۴۰۴

صاحب امتیاز:

اندیشکده های حکمرانی و قانونگذاری
مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

مدیر مسئول:

حمزه صفربیگی

سر دبیر:

معصومه کارخانه

دبیر تحریریه

محمد رضوانی

نویسندگان:

اعضای اندیشکده های حکمرانی و قانونگذاری
مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

گرافیک و صفحه آرایی

مریم بشیری

فهرست (بر اساس نویسندگان مطالب)

۳۷	رضا رحیم پور
	عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان زنجان
۴۲	علی شکوهی، داود حسنی
	عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان زنجان
۴۶	راضیه اکبری
	مسئول کارگروه زنان و خانواده اندیشکده های حکمرانی و قانونگذاری
۴۸	عباس نورزائی
	عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان سیستان و بلوچستان
۵۰	زهره شاقلانی پور
	عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان قزوین
۵۸	مجید محمدنژاد
	دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان گلستان
۵۹	محمدرضا داداشی
	عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان گلستان
۶۰	افسانه دلشاد
	عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان گلستان
۶۳	مسعود یحیی زاده
	دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان گیلان
۶۴	مرتضی علویان
	دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان مازندران
۶۶	عباس علوی راد
	عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان یزد

۵	حمزه صفریگی
	دبیر اندیشکده های حکمرانی و قانونگذاری مرکز پژوهش های مجلس
۷	جعفر رحمانی کهنمویی
	دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان آذربایجان شرقی
۸	حسام رسولی
	دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان اردبیل
۱۳	اسماعیل عبداللهی
	دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان بوشهر
۱۶	اسماعیل پیرعلی خیر آبادی
	دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان چهارمحال و بختیاری
۱۸	مجید سرونند
	مسئول امور پژوهشی و کارگروه های اندیشکده های حکمرانی و قانونگذاری
۲۰	جواد فرخی استاد
	دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان خراسان جنوبی
۲۳	محمدباقر رستمی
	دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان خراسان شمالی
۲۸	حسین افخمی روحانی
	دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان خراسان رضوی
۳۰	حسین زمانی
	عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان خراسان رضوی
۳۳	ابوالفضل خواجوی راد
	عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان خراسان رضوی
۳۶	داود حسنی
	دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان زنجان

رهبر انقلاب اسلامی:

لازم میدانم به ملت بزرگ ایران تبریک

عرض کنم.



رژیم صهیونی، با آن همه هیاهو و ادعا، در زیر ضربات جمهوری اسلامی تقریباً از پا درآمد و له شد. فکر اینکه چنین ضرباتی از سوی جمهوری اسلامی، ممکن است بر رژیم وارد بشود، در ذهن آنها و مخپله آنها خطور نمی‌کرد و اتفاق افتاد. خدا را سپاس می‌گزاریم که به نیروهای مسلح ما کمک کرد، توانستند از دفاع چندلایه پیشرفته آنها عبور کنند و بسیاری از مناطق شهری و نظامی آنها را زیر فشار موشک‌های خودشان و با تهاجم قوی سلاح پیشرفته خودشان با خاک یکسان کنند. این یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است؛ نشان‌دهنده آن است که رژیم صهیونیستی بداند که تعرض به جمهوری اسلامی ایران برایش هزینه‌زا است، برای او هزینه، ایجاد می‌کند، هزینه سنگین برای او به وجود می‌آورد و بحمدالله این اتفاق افتاد؛ افتخارش، متعلق به نیروهای مسلح و مردم عزیزمان است که این نیروهای مسلح را از درون خود ایجاد کردند، تربیت کردند، پشتیبانی کردند و دست [قوی] آنها را برای انجام چنین کار بزرگی فراهم کردند، قوی کردند.



پیروزی ما این بود که نه تنها دشمن، به اهداف خود نرسید، بلکه توانستیم هدف‌های نظامی به دشمن تحمیل کنیم و پیروز شدیم. زمین و آسمان رژیم صهیونیستی، در دست ما بود؛ ما از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، مراکز تحقیقاتی، نظامی، فرودگاه‌ها، اطلاعات و عملیات، موساد، مراکز مهم اقتصادی و صنایع این رژیم را به‌صورت نقطه‌زنی مورد هدف قرار دادیم. تاب‌آوری اجتماعی رژیم صهیونیستی، زمانی تمام شد که دیدند شلیک‌های ما دقیق است.

دکترین نظامی آنها همواره اعلام می‌کرد، سرزمین‌های اشغالی سرزمین موعود آنها بوده و امن‌ترین نقطه برای زندگی در دنیا است و می‌گفتند گنبد آهنین، اجازه فرود هیچ‌گونه بمب یا موشکی را در این منطقه نمی‌دهد، مگر اینکه قطعاً در مبدأ یعنی محل شلیک و یا در مقصد یعنی؛ در آسمان پیش از رسیدن به رژیم صهیونیستی منهدم می‌شود. با این حال، نه تنها آنها نتوانستند به اهداف خود برسند؛ بلکه آن‌قدر کار ما دقیق بود و موشک‌ها، قدرت ما را بالا برد که تاب‌آوری آنها نیز به پایان رسید. ما تست موشکی در کویر داشتیم. این‌گونه بگویم که گویی یک اتوبان شهید همت از ایران به رژیم صهیونیستی باز کرده بودیم و موشک‌ها به‌صورت مرتب در آن شلیک می‌شدند و آنها توان انهدام آن را نداشتند. آنها می‌گفتند ایران به لحاظ راداری ما را گیج کرده است که این هم، از طراحی‌های ما بود.

پیروزی در میدان، بازسازی در جامعه؛ ضرورت تقویت سرمایه اجتماعی در سایه دستاوردهای نظامی



حمزه صفریگی

دبیر اندیشکده های حکمرانی و
قانونگذاری مرکز پژوهش های
مجلس شورای اسلامی

نادرست و گمانه زنی های اغراق شده درباره شکاف اجتماعی، نارضایتی های مردمی، و انسجام ملی شکل گرفته بود. بی تردید دستگاه محاسباتی رژیم صهیونیستی و آمریکا می دانستند که با بمباران مراکز نظامی و حتی غیرنظامی، امکان تغییر نظام وجود ندارد و متغیری که روی آن حساب کرده بودند؛ همراهی مردم و بروز ناآرامی ها از داخل ایران بود. موضوعی که نتایج او نیز صریحا به آن اشاره کرد. اما حقیقت، چیز دیگری بود. واکنش یکپارچه ملت ایران در برابر این تجاوز، با وجود تمام نارضایتی ها و مشکلات، به وضوح اثبات کرد که در لحظات تعیین کننده، هیچ عاملی نمی تواند اراده مردم را برای دفاع از تمامیت ارضی و نظام سیاسی کشورشان تضعیف کند و بزرگ ترین اشتباه محاسباتی رژیم صهیونیستی و آمریکا امید بستن به مردم ایران برای همراهی با آن ها بود. این پاسخ تاریخی، نه تنها نقشه های نتانیاهو را نقش بر آب کرد، بلکه ثابت نمود که مشروعیت جمهوری اسلامی، برخاسته از ریشه هایی عمیق تر از آن است که با تحلیل های اتاق های فکر وابسته به غرب و صهیونیسم قابل شناسایی و فروپاشی باشد. هسته سخت جمهوری اسلامی امروز نه تنها به لحاظ جغرافیایی، بلکه به لحاظ مردمی نیز گسترش یافته و امروز تمام ایرانیان داخل و خارج از کشور را باید هسته سخت نظام بدانیم. نباید بخاطر برخی خط کشی های جعلی و سوگیری های شخصی، هسته سخت نظام را تحدید و کوچک کرد. این همبستگی و اتحاد ملی عظیم، که در کوران تهدید و تجاوز شکوفا شد، قدرتمندترین پشتوانه و اصلی ترین عامل قدرت ایران در مواجهه با چالش های خارجی است. این نبرد همچنین تسلط ایران بر میدان نبرد، چه در زمین و چه در هوا را به اثبات رساند. توانمندی های نظامی ایران در از کار انداختن

جنگ ۱۲ روزه اخیر، فراتر از یک رویارویی نظامی، آزمون سرنوشت سازی برای جمهوری اسلامی ایران بود که انسجام بی بدیل ملی و اشتباه محاسباتی دشمن را آشکار سازد. بر کسی پوشیده نیست که رژیم صهیونیستی سال ها در سودای ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران و آسیب رساندن به بزرگترین قدرت مقاومت در منطقه بود. اما آنچه در روزهای اخیر رخ داد، فراتر از تهدیدات گذشته اولین تجاوز مستقیم این رژیم به خاک ایران بود. تجاوزی که نه تنها با پاسخ قاطع و تمام عیار نیروهای مسلح کشورمان مواجه شد، بلکه شکست سنگینی را برای هیمنه پوشالی رژیم صهیونیستی به دنبال داشت. این نبرد صرفا یک رویارویی نظامی نبود؛ بلکه به مثابه صحنه ای عمل کرد که در آن توانایی ایران در ایستادگی قاطع در برابر تجاوزات اثبات شد و منجر به بازتعریف و تحکیم عناصر قدرت ملی ایران در منطقه و جهان گشت. واقعیتی که این جنگ آشکار ساخت، پایان دوران یکه تازی رژیم صهیونیستی و حامیانش است. اگر این رژیم توان ادامه جنگ را داشت، لحظه ای درنگ نمی کرد، اما این نبرد به وضوح نشان داد که امروز ملت ها با قدرت و اراده ای راسخ در مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی ایستاده اند در تحلیل چرایی این اقدام بی سابقه از سوی تل آویو، بی تردید یکی از متغیرهای کلیدی، تضعیف نسبی حلقه های جبهه مقاومت از غزه و لبنان تا سوریه و عراق در ماه های اخیر است. اسرائیل، در محاسبات خود چنین برداشت کرد که زمان مناسبی برای ضربه زدن به مرکز ثقل این محور فرا رسیده است. اما آنچه شرایط را برای نتانیاهو مساعدتر نشان داد، نه صرفا معادلات میدانی منطقه ای، بلکه برداشت او از وضعیت داخلی جمهوری اسلامی بود؛ تصور وجود گسلی عمیق میان ملت و حاکمیت، تصویری که بر پایه تحلیل های



اقتشار گوناگون جامعه را در نظر می گیرند، می توانند از بروز دوقطبی های خطرناک جلوگیری کنند توجه به اندیشکده های استانی نیز در این میان اهمیت ویژه ای دارد. بسیاری از شکاف های اجتماعی در کشور، ریشه در بی توجهی به تفاوت های بومی، فرهنگی، و اقتصادی مناطق مختلف دارند. سیاست های از بالا به پایین که بدون شناخت واقعی از مسائل محلی تدوین می شوند، اغلب ناکارآمد و ناعادلانه اند. اندیشکده های استانی می توانند با تکیه بر نخبگان محلی، مسائل هر منطقه را با زبان و فهم بومی شناسایی و منتقل کنند، و با این کار به همبستگی ملی و توزیع عادلانه تر منابع و سیاست ها یاری رسانند اندیشکده ها همچنین می توانند نقشی حیاتی در تدوین راهبردهای کلان و آینده پژوهی کشور ایفا کنند. آن ها با بهره گیری از توانایی تحلیل عمیق، می توانند به تدوین اسناد بنیادین مانند «سند ملی بازدارندگی نرم و ترکیبی» کمک کرده و سناریوهای محتمل پسا جنگ را برای مواجهه هوشمندانه با تهدیدات دشمن ترسیم کنند. این نهادها با شناسایی فرصت ها و تهدیدات پنهان، نقشه ای جامع برای عبور از بحران ها ارائه داده و از افتادن تصمیم سازان به دام واکنش های هیجانی جلوگیری می کنند. اندیشکده ها می توانند نقشی پیشگیرانه در مدیریت بحران بازی کنند و شناختی از درون و نزدیک به مسائل ارائه دهند. آن ها با رصد اجتماعی و تحلیل داده محور، قادرند پیش از فوران بحران، علائم خطر را شناسایی کرده و هشدار دهند. این امر به ویژه در شرایطی که اعتماد عمومی آسیب دیده، مشارکت اجتماعی کاهش یافته و نارضایتی های خاموش در حال انباشت هستند، اهمیت دوچندان می یابد. در چنین فضایی، اندیشکده ها می توانند به صدای مردم در سیاست گذاری تبدیل شوند و پلی میان جامعه و حاکمیت برقرار کنند. علاوه بر این، اندیشکده ها می توانند به توسعه آموزش همگانی در حوزه جنگ ترکیبی و پایداری اجتماعی کمک کرده و از شبکه های مردمی و محله محور برای تقویت انسجام اجتماعی بهره ببرند در نهایت، اندیشکده ها باید نهادهایی تشریفاتی و حاشیه ای، بلکه بخشی جدی از نظام تصمیم سازی کشور باشند. این امر نیازمند آن است که به این نهادها میدان عمل واقعی داده شود، منابع کافی برای فعالیت مستقل در اختیارشان قرار گیرد و توصیه های کارشناسی آن ها از سوی نهادهای رسمی جدی گرفته شود. اگر قرار است آینده کشور، به ویژه در دوران پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، بر محور عقلانیت، مشارکت، و انسجام ملی بازسازی شود، راهی جز تکیه بر ظرفیت های مغفول مانده اندیشکده ها و نخبگان مستقل وجود ندارد در نهایت، این جنگ ۱۲ روزه بار دیگر تأکید کرد که امنیت پایدار و اقتدار ملی، تنها در گرو قدرت سخت نظامی نیست، بلکه ریشه در سرمایه اجتماعی قوی، مشارکت عمیق مردم، و نظام تصمیم سازی هوشمند و منعطف دارد. بازسازی پس از جنگ، فرصتی است برای نگاهی دوباره به ظرفیت های داخلی و حرکت به سوی ایران قوی



مراکز نظامی و پدافندی دشمن، دلیل اصلی ناکامی رژیم صهیونیستی در دستیابی به اهداف خود بود. این جنگ به وضوح نشان داد که در مواجهه با تهدیدات، مردمی یکپارچه و متحد، قوی ترین مولفه اقتدار ملی به شمار می روند با این حال، پیروزی در میدان جنگ با دشمن خارجی نباید ما را از تأمل عمیق تر و عملی تر نسبت به مسائل و مشکلات داخلی غافل کند. حمله دشمن، هرچند دفع شد، اما زنگ خطری بود برای بازاندیشی در باب شکاف هایی که گاه، برخی غفلت ها و بی توجهی ها در درون، به آن ها دامن زده است. نارضایتی بخشی از مردم از وضعیت اقتصادی، اجتماعی، و حتی احساس مشارکت سیاسی، مسئله ای است که نمی توان آن را نادیده گرفت. بلکه برعکس، این نارضایتی ها باید مرکز توجهی جدی قرار گیرند تا همان پیوند عمیقی که دشمن در خیال گسستن آن بود، با درایت، هم اندیشی، گفت و گو و اقدام تقویت شود در چنین شرایطی، نقش نهادهای مشورتی مانند اندیشکده ها برای کاهش شکاف های اجتماعی حیاتی می شود. اندیشکده ها برخلاف سازوکارهای رسمی و بوروکراتیک، ظرفیتی انعطاف پذیر، مسئله محور، و نسبتاً چابک دارند. آن ها با بهره گیری از نخبگان دانشگاهی، صاحب نظران اجتماعی و فعالان مدنی، می توانند دغدغه های واقعی مردم را شناسایی و تحلیل کنند و با ارائه راهکارهایی متکی به واقعیت های عینی، به تصمیم گیری بهتر و منصفانه تر کمک رسانند. اندیشکده ها همچنین از آنجا که خارج از ساختار رسمی و گاه محافظه کار دولت ها قرار دارند، فضای آزادتری برای نقد، نوآوری، و گفتگو در اختیار دارند؛ فضایی که می تواند به اصلاح سازوکارهای سیاست گذاری، و در نتیجه، بازسازی اعتماد عمومی کمک کند در شرایط بحرانی نظیر جنگ اخیر، اندیشکده ها نقشی فراتر از تحلیل گران صرف سیاسی ایفا می کنند. آن ها می توانند به روایت سازی ملی کمک کرده، تصمیم سازان و تصمیم گیران را از افتادن به دام واکنش های هیجانی نجات دهند، و با شناسایی فرصت ها و تهدیدهای پنهان، نقشه ای جامع برای عبور از بحران ارائه دهند. دیگر امروزه روشن است که در جنگ های نوین، قدرت روایت و مدیریت افکار عمومی به اندازه قدرت نظامی اهمیت دارد. اندیشکده ها با تولید محتوای تحلیلی، ایجاد گفتمان های وحدت بخش، و پیشنهاد سیاست هایی که



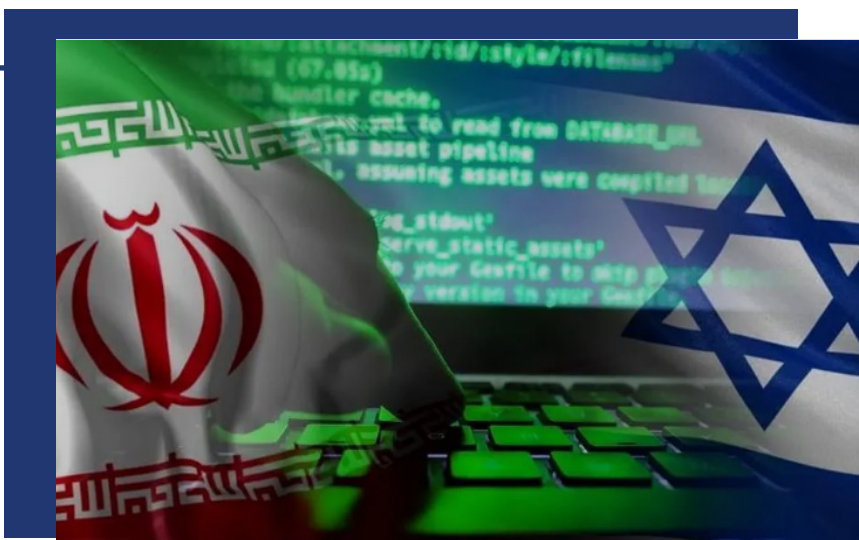
الزامات و اقدامات پسا آتش بس



جعفر رحمانی کهنمویی
دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان
آذربایجان شرقی، هیأت علمی دانشگاه

در پی حمله ناجوانمردانه رژیم غاصب صهیونیستی و آمریکای جنایتکار و دفاع جانانه و پاسخ پشیمان کننده نیروهای مسلح به کشورهای متخاصم و تحمیل آتش بس به رژیم ددمنش اسرائیل، اینک موعد آسیب شناسی جنگ، ترمیم آثار جنگ، تجهیز مجدد و قدرتمند نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. از مؤلفه های قدرت در جنگ انجام گرفته، علاوه بر تدبیر عالی مقام معظم رهبری می توان به انواع موشک های دقیق، نقطه زن، مقاومت و همراهی مثال زدنی مردم شریف ایران اسلامی، اشاره نمود که بایستی ضمن حفظ و حراست از این میراث گرانبها در دوران پسا آتش بس موارد ذیل، نیز مورد توجه جدی قرار بگیرد

۱. درصد کامل تحولات منطقه و جهان با هوشیاری و هوشمندی و تخمین نوع اقدام، سناریوها و تاکتیک های احتمالی بعدی رژیم صهیونیستی.
۲. شناسایی و برخورد قاطع با تمام عوامل مزدور و شبکه خیانتکار داخلی و خارجی.
۳. شناسایی نحوه ارتباط گیری و تعاملات اقتصادی مزدوران با رژیم صهیونیستی و انجام پیشگیری های لازم.
۴. تقویت ارتباط با همسایگان و اخذ تضمین های محکم مبنی بر عدم دخالت و همراهی در هرگونه اقدام بعدی رژیم صهیونیستی.
۵. تخمین خسارات جنگ و پیگیری حقوقی حمله رژیم صهیونیستی و آمریکا در مراجع بین المللی.
۶. پیگیری سریع و مؤثر امور معیشتی و اقتصادی مردم به ویژه اقشار آسیب پذیر.
۷. مراقبت شدید از جنگ رسانه ای دشمن و اطلاع رسانی دقیق و به موقع و مؤثر در دوره پسا آتش بس.
۸. تقویت زیرساخت های نظامی و دفاعی کشور با تکیه بر ظرفیت های داخلی و هم افزایی با سایر کشورها.
۹. پیشبینی ذخایر مواد غذایی و موارد مورد نیاز کشور برای هرگونه پیشامد احتمالی در آینده.
۱۰. اقدامات فرهنگی و اجتماعی برای حفظ و تقویت روحیه همدلی و وطن پرستی.
۱۱. انتقال دانش هسته ای صلح آمیز و ایجاد مراکز هسته ای فراسرزمینی با مشارکت کشورهای دوست
۱۲. بازسازی سریع تأسیسات مراکز هسته ای و جایابی برای توسعه مراکز هسته ای با کمترین آسیب پذیری در حملات احتمالی.
۱۳. تجدید نظر جدی در خصوص نحوه تعامل با آژانس انرژی هسته ای.
۱۴. پیگیری حقوقی عدم همکاری شخص مدیرکل آژانس در خصوص عدم اعلام موضع صریح در محکومیت حمله به مراکز هسته ای.
۱۵. تخمین خسارات جنگ سایبری و پیگیری حقوقی در مراجع بین المللی.
۱۶. تشکیل اتاق جنگ سایبری و تقویت امنیت شبکه سامانه ها و پلتفرم های داخلی.





تحلیلی بر الگوی حکمرانی ادراکی، شناختی ایران اسلامی، با راهبرد جهاد تبیین در

مقابله با جنگ ترکیبی نوین استکبار جهانی و صهیونیسم

حسام رسولی



دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان اردبیل، هیأت علمی دانشگاه

* مقدمه

دفاع مقدس ۱۲ روزه ایران اسلامی، در برابر تجاوز آمریکای مستکبر و رژیم صهیونیستی، تنها یک تقابل نظامی نبود؛ بلکه نمونه تمام عیاری از نبرد ترکیبی با محوریت ادراک و معنا بود. در این نبرد، رسانه ها، روایت ها و ذهن مخاطب ها به اندازه موشک ها و پهپادها، اهمیت داشت. ایران، با بهره گیری از الگوی حکمرانی ادراکی، شناختی، مبتنی بر راهبرد جهاد تبیین، توانست تصویر خود را بازتعریف کرده، انسجام ملی را حفظ و ارتقا دهد و بازدارندگی نرم را به عنوان مکمل بازدارندگی سخت، تقویت نماید. پیروزی معنوی و اخلاقی توأم با پیروزی نظامی در دفاع مقدس ۱۲ روزه در مقابل تمام شیاطین جهان و دشمنان بشریت، موجب شد تا وجدان های بیدار و آزادیخواهان جهان بر مردم ایران، سر تعظیم فرود آورند. جبهه مقاومت، جان تازه ای بگیرد و مسلمانان سرخورده جهان در مقابل صهیونیسم و بی عملی کشورهای اسلامی در نسل کشی غزه، احساس عزت کنند و هر ایرانی باغیرت به ایرانی بودن خود افتخار کند. این پیروزی در عرصه جنگ نوین ترکیبی و در شرایط بسیار سخت و پیچیده، حاصل شده است، نبرد در لبه فناوری های نظامی و در وضعیت تحریم طولانی و شکننده اقتصادی، نبرد اطلاعاتی با شبکه جاسوسی و خرابکاری داخلی، جنگ سایبری، جنگ رسانه ای و دیپلماسی فریب دشمنان و با وجود ترور و به شهادت رسیدن فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته ای و به شهادت رسیدن مردم بی دفاع، اهمیت این پیروزی را بیشتر نمایان می سازد؛ از اینرو، پیروزی در این نبرد ترکیبی سخت و پیچیده، نیازمند تحلیل از ابعاد مختلف است، با توجه به اینکه ما همچنان در معرض این جنگ ترکیبی قرار داریم و اعلام آتش بس از سوی شیاطین، به دلیل شکست همه جانبه در این تجاوز، عقب نشینی تاکتیکی است، بایستی جبهه شناختی ایران اسلامی، ضمن

شکرگزاری به درگاه الهی برای پیروزی در این نبرد تاریخی، با بررسی و شناسایی دقیق نقاط قوت و نقاط قابل بهبود به توانمندسازی مستمر، در الگوی حکمرانی ادراکی، شناختی مبتنی بر راهبرد جهاد تبیین خود همت گمارد.

برهنگان روشن است که جنگ های ترکیبی امروزی، دیگر تنها در عرصه نظامی رخ نمی دهند؛ بلکه در میدان ذهن ها و لایه های پیچیده ای از رسانه، روایت، احساس و ادراک عمومی جریان دارند. کشور ایران، به عنوان یکی از بازیگران هدف در جنگ ترکیبی، با مجموعه ای از تهدیدات همزمان در حوزه های نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، فرهنگی، شناختی و سایبری مواجه است. در این میان، توانمندسازی حکمرانی ادراکی به عنوان الگوی نوین مدیریت قدرت نرم، با راهبرد «جهاد تبیین» می تواند، نقش تعیین کننده ای در بازدارندگی شناختی و حفظ انسجام ملی ایفا کند. این الگوی نوین مدیریت قدرت نرم می تواند در تمام عرصه های دیگر نبرد ترکیبی و پیروزی نظامی و اقتصاد مقاومتی نیز سرنوشت ساز شود.

* تمایز حکمرانی ادراکی با حکومت کردن

حکمرانی ادراکی؛ تمایز اساسی با حکومت کردن دارد. حکمرانی ادراکی، به معنای هدایت امور عمومی بر اساس تحلیل و مدیریت ادراک، احساس و باور مردم و ارزش های نهادینه شدن در متن فرهنگ و تمدن مردم است و تنها اجرای سیاست ها نیست. این مدل، بر حضور مردم در صحنه و مشارکت آنها، مشروعیت، شفافیت و روایت سازی تأکید دارد. در مقابل، حکومت کردن مبتنی بر اعمال قدرت از بالا به پایین، کنترل محور و انحصاری است. حکمرانی ادراکی بر گفت و گو، تعامل و فهم ذهنی جامعه استوار است؛ حکومت کردن بر فرمان و اطاعت. حکمرانی ادراکی؛ یعنی سیاست گذاری بر اساس آنچه مردم احساس می کنند، باور دارند و درک می کنند، نه فقط آنچه



واقعاً وجود دارد. در این مدل، شاخص‌های سنتی (مانند قدرت نظامی، تورم یا رشد اقتصادی) کافی نیست، بلکه باید شاخص‌های ادراکی مانند «اعتماد عمومی»، «احساس امنیت»، «امید اجتماعی» نیز سنجیده شوند. تصمیم‌گیری‌ها باید با تحلیل داده‌های شناختی، احساسی و رفتاری جامعه همراه باشند. در میدان حکمرانی ذهنی و شناختی؛ روایت‌ها، ابزار قدرت‌اند، رسانه‌ها، سکوها حکمرانی‌اند و ادراک عمومی، سرمایه راهبردی است.

* الگوی حکمرانی ادراکی ایران

جبهه شناختی ایران، به عنوان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تقابل با دشمنان، نیازمند بازخوانی از منظر حکمرانی ادراکی است؛ مدلی که با رویکرد جهاد تبیین، تک تک آحاد مردم و همه ارکان جامعه و دولت، با احساس وظیفه دینی و ملی در آن کنشگر هستند و به جای تمرکز صرف بر کنترل، بر هدایت افکار عمومی، مدیریت احساسات جمعی و تنظیم روایت‌های ملی، دینی و انقلابی تأکید دارد. جبهه شناختی ایران، در نبرد نوظهور، نه فقط بارسانه‌های معاند، بلکه با الگوریتم‌هایی می‌جنگد که هر روز تصویر ایران را در ذهن مخاطب تغییر می‌دهند. در حکمرانی ادراکی ایران اسلامی، هدایت ذهن و احساس جامعه تنها بر عهده دولت یا رسانه‌های رسمی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از بازیگران متنوع و مکمل در شکل‌دهی به ادراک عمومی، روایت‌سازی ملی و بازدارندگی شناختی نقش‌آفرینی می‌کنند. این بازیگران، از حلقه‌های میانی گرفته تا اندیشکده‌ها، مراکز دینی، پلتفرم‌های بومی و گروه‌های مردمی، حتی شهروند رسانه‌ای، هر یک بخشی از معماری ذهنی جامعه را می‌سازند. در ادامه به نقش آفرینان مهم حکمرانی ادراکی در جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌شود.

* نقش آفرینان کلیدی شبکه حکمرانی ادراکی در ایران

رهبری فرزانه نظام: رهبر فرزانه و حکیم نظام، ستون اصلی بازدارندگی نرم ایران در برابر جنگ‌های ترکیبی هستند. در الگوی حکمرانی ادراکی شناختی، رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران، نقشی فراتر از هدایت سیاسی ایفا می‌کند؛ ایشان با جایگاه معنوی و الهی، معمار اصلی «جهت‌گیری ذهنی جامعه» در مواجهه با بحران‌ها، جنگ‌های ترکیبی و تحولات تمدنی هستند. این نقش، نه تنها در سطح راهبردی، بلکه در لایه‌های احساسی، روان‌شناختی و ادراکی جامعه نیز جاری است، رهبر انقلاب، با طراحی گفتمان‌هایی مانند؛ «گام دوم انقلاب»، «تمدن نوین اسلامی»، «مقاومت فعال» و «جهاد تبیین» چارچوب‌های ذهنی جامعه را شکل داده‌اند. این روایت‌ها، نه تنها در رسانه‌ها، بلکه در ناخودآگاه جمعی مردم نفوذ کرده‌اند.

ایشان با تأکید بر «جهاد تبیین» و «جنگ روایت‌ها»، راهبرد و مسیر مقابله با عملیات روانی دشمن را از سطح امنیتی به سطح ادراکی ارتقا داده‌اند. در بحران‌های ترکیبی، رهبری با بیانات هدفمند در لحظات حساس، ادراک عمومی را از «بحران» به «فرصت» تغییر می‌دهند. این تغییر ادراک، موجب آرام‌سازی روانی جامعه و تقویت انسجام ملی می‌شود.

رهبری، بارها در راستای راهبری حکمرانی در ژئوپولیتیک سایبری بر ضرورت استقلال رسانه‌ای، تولید روایت بومی و مقابله با سلطه الگوریتم‌های غربی تأکید کرده‌اند. این نگاه، ایران را به سمت حکمرانی سایبری با محوریت ادراک سوق داده است، چنانچه در دیدار با فعالان فضای مجازی، ایشان فرمودند: «فضای مجازی، میدان جنگ است، نه صرفاً ابزار سرگرمی»، این جمله، نقطه عطفی در بازتعریف حکمرانی سایبری ایران، بود.

مردم: در الگوی حکمرانی ادراکی جمهوری اسلامی ایران، مردم، نه تنها مخاطب سیاست‌ها، بلکه بازیگران اصلی شکل‌دهی به ادراک عمومی هستند. در جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، نقش مردم در حکمرانی فراتر از رأی‌دادن یا مشارکت اجرایی است؛ آنان در تولید معنا، روایت، احساس و مشروعیت نقش‌آفرینی می‌کنند. مردم، به عنوان تولیدکنندگان روایت در جنگ شناختی، روایت‌های مردمی، دل‌نوشته‌ها، تصاویر، خاطرات، پویش‌ها، نقش مهمی در شکل‌دهی به ادراک جمعی دارند. مردم، با تولید و بازنشر روایت‌های ملی، دینی و انقلابی، مشارکت در پویش‌های احساسی و تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی، به تقویت انسجام ذهنی جامعه کمک می‌کنند.

مردم، کنشگران کلیدی امنیت شناختی در مواجهه با عملیات روانی دشمن هستند و در عین حال ادراک مردم، شاخص اصلی موفقیت یا شکست سیاست‌ها است. مردم ایران، ۴۵ سال است که محاسبات دشمنان را با پویش‌ها و رفتارهای جمعی، همانند حضور در راهپیمایی‌های روز قدس، مراسم تشییع سردار سلیمانی، حضور در راهپیمایی



و تولید محتوای شناختی و مطالبه‌گری رسانه‌ای در حکمرانی ادراکی نقش تعیین کننده‌ای دارند

دولت: دولت از طریق رسانه‌های رسمی و شبکه‌های ارتباطی خود، به تبیین دستاوردها، پاسخگویی به شبهات و روشننگری در مورد اقدامات دشمن می‌پردازد. افزایش شفافیت در عملکرد دستگاه‌های دولتی و پاسخگویی سریع و مستند به ابهامات و سوالات مردم، یکی از ارکان جهاد تبیین است که بایستی دولت بیش از پیش به آن همت گمارد

قوه قضائیه: برخورد قانونی با افرادی که به انتشار اطلاعات کذب، تشویش اذهان عمومی، توهین به مقدسات و ارزش‌ها از طریق فضای مجازی یا رسانه‌ها اقدام می‌کنند و تثبیت ادراک عدالت و هماهنگی با دولت و مجلس در مدیریت بحران‌های ترکیبی از کارکردهای اصلی قوه قضائیه در این رابطه است. نهادهای فرهنگی و دانشگاهی با تربیت روایت‌پردازان و تحلیل‌گران ادراکی، مساجد و مراکز دینی و هیأت‌های مذهبی، اندیشکده‌ها و مراکز پژوهشی، نهادهای امنیتی و اطلاعاتی با رویکرد نرم رصد عملیات روانی دشمن، طراحی پاسخ‌های شناختی، حمایت از روایت‌های ملی و انقلابی با ابزارهای افکارسنجی، تحلیل شبکه‌های اجتماعی، طراحی سناریوهای مقابله‌ای و هم‌افزایی با رسانه‌های جبهه مقاومت، برای تقویت روایت ضد صهیونیستی از جمله نقش‌آفرینان شبکه حکمرانی ادراکی و شناختی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آیند

* راهبردها در مواجهه با جنگ ترکیبی آمریکا و اسرائیل

ایران از الگوی چندلایه‌ای حکمرانی ادراکی و راهبردهای چندگانه برای مواجهه با جنگ ترکیبی دشمنان در عرصه شناختی بهره می‌برد.

۱. روایت‌سازی هوشمند در دفاع مقدس ۱۲ روزه، با تمرکز بر تجاوزگری مشترک رژیم صهیونیستی و آمریکا، مقاومت و هویت ملی، تصویر ایران از «تهدید» به «قربانی تجاوز» و «دفاع مشروع» تغییر یافت.

۲. مدیریت احساسات عمومی: رسانه‌ها با آرام‌سازی فضای روانی، جلوگیری از هراس‌افکنی دشمنان و تأکید بر ارزش‌های وطن‌دوستی، انسجام ملی را تقویت کردند.

۳. بازدارندگی شناختی: پاسخ‌های دقیق ایران، دشمن را در تصمیم‌گیری دچار تردید کرد؛ این یعنی بازسازی قدرت نرم در سطح ادراکی.

۴. استفاده از نمادهای فرهنگی: نمادهای ملی،

های جمعه‌های خشم و نصر همزمان با حملات ددمنشانه رژیم صهیونیستی، محاسبات دشمنان را به هم می‌زنند و آنها را مأیوس و ناامید می‌سازند و نقش استراتژیک در قدرت بازدارندگی ایفا می‌کنند.

رسانه‌های ملی: صدا و سیما و خبرگزاری‌های رسمی دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی با تولید روایت‌های انقلابی، دینی، ملی، هویتی، تمدنی، احساسی و تحلیلی، نقش مهمی در حکمرانی ادراکی ایفا می‌کنند. علیرغم نقص‌هایی که در این رسانه‌ها وجود دارد، در مقاطع حساس تأثیرگذاری قابل توجهی دارند. حمله تجاوزگرانه رژیم صهیونیستی به شبکه خبر جمهوری اسلامی ایران، حاکی از نقش تأثیرگذار رسانه ملی در الگوی حکمرانی ادراکی و جبهه شناختی ایران است

مجلس شورای اسلامی: در حکمرانی ادراکی ایران، مجلس شورای اسلامی، نه تنها نقش قانون‌گذاری و ناظر دارد، بلکه در شکل‌دهی به روایت‌های ملی، انقلابی و دینی، تقویت مشروعیت نرم و مردمی‌سازی حکمرانی شناختی نیز مؤثرند. قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی با طرح مفهوم حکمرانی نو، تلاش کرده تا حکمرانی ادراکی را از سطح انتزاعی به سطح عملیاتی و مردمی ارتقا دهد. ایشان تأکید دارند که حکمرانی باید بر اساس شفافیت، هوشمندسازی و مردمی‌سازی بازطراحی شود. مجلس با راه‌اندازی اندیشه‌های حکمرانی در استان‌ها، تلاش کرده تا نخبگان محلی را در فرآیند تصمیم‌سازی و روایت‌پردازی مشارکت دهد. تشکیل کمیسیون فرهنگی برای بررسی نحوه مقابله با عملیات روانی دشمن در فضای مجازی و رسانه‌ها، تصویب قوانینی که با دغدغه‌های ذهنی و احساسی جامعه، همخوان باشند از جمله؛ به تعلیق در آوردن عضویت ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تا تضمین حفاظت مراکز و دانشمندان هسته‌ای در این راستا، حائز اهمیت است

حلقه‌های میانی: نخبگان علمی، اجتماعی، تشکلهای دانشجویی، تشکلهای خودجوش مردمی، به عنوان حلقه‌های میانی با تحلیل مسائل، تولید گفتمان و ارائه روایت‌های عقلانی، به هدایت افکار عمومی کمک می‌کنند. آنها با انتقال بازخوردها، نقد سیاست‌ها و پیشنهاد راه‌حل‌ها به هدایت سیاست‌گذاران و دولتمردان می‌پردازند. حضور نخبگان، در رسانه‌ها و فضای عمومی، به افزایش اعتماد و مشروعیت حکمرانی کمک می‌کند. تشکلهای دانشجویی و مردمی نیز با روایت‌پردازی



دینی و انقلابی همچون؛ نهضت عاشورا، قهرمانان ملی، شهدا، پرچم ایران و پوشش‌های مردمی مانند «همه در زیر یک پرچم» به عنوان عناصر هویتی در روایت‌سازی به کار رفتند.

ایران، با بهره‌گیری از رسانه‌های ملی، شبکه‌های اجتماعی، نمادهای فرهنگی و روایت‌های احساسی، توانست؛

۱. ادراک امنیت را تقویت کند: با نمایش اقتدار دفاعی، هشدارهای اخلاقی قبل از حمله و روایت‌های بازدارنده.
۲. ادراک قربانی تجاوز را تثبیت کند: با انتشار تصاویر قربانیان، شهادت دانشمندان و روایت‌های انسانی از تجاوز ددمنشانه.
۳. ادراک مقاومت را نهادینه کند: با استفاده از نمادهایی چون پاسخ پشیمان کننده، شهدا، پرچم ایران، خانواده‌های مقاوم شهدا.
۴. ادراک هویت را بازسازی کند: با نمایش وحدت اقوام، مذاهب و نسل‌ها در قالب پوشش‌هایی مانند «همه در زیر یک پرچم»
۵. ادراک دشمن را افشا کند: با تحلیل عملیات روانی اسرائیل و آمریکا، و نمایش اهداف پشت پرده آن‌ها.
- ۶.

* ارزیابی عملکرد حکمرانی ادراکی ایران

۱. انسجام ملی: در جریان حملات، در حالی که ساکنین سرزمین اشغالی قدس در پناهگاه‌ها هم دچار ترس و وحشت هستند، مردم با پرچم در خیابان‌ها حاضر شدند؛ حتی منتقدان نیز، به حمایت از کشور پرداختند. این امر، نشان‌دهنده موفقیت در ایجاد احساس ملی و دینی و تبدیل بحران به فرصت همبستگی، بود.
۲. تصویر بین‌المللی: ایران توانست با روایت‌های هوشمند، تصویر خود را از «تهدید هسته‌ای» به «قربانی تجاوز» تغییر دهد.
۳. مدیریت بحران روانی: رسانه‌ها با آرام‌سازی فضای روانی، نقش مؤثری ایفا کردند. جامعه دچار هراس عمومی نشد و زندگی عادی ادامه یافت.
۴. بازدارندگی شناختی: پاسخ‌های دقیق ایران، رژیم صهیونیستی و آمریکا را در تصمیم‌گیری دچار تردید و اضطراب کرد.

* نقاط قابل بهبود در حکمرانی ادراکی ایران

۱. لزوم تقویت دیپلماسی رسانه‌ای فرامرزی: ایران، هنوز نتوانسته روایت‌های خود را در رسانه‌های جهانی تثبیت کند؛ تصویر ایران در غرب، همچنان تحت سلطه روایت‌های معاند است.
۲. نبود الگوریتم‌های بومی تحلیل ادراک عمومی: رسانه‌های داخلی، فاقد ابزارهای هوشمند برای سنجش لحظه‌ای احساسات، اعتماد و نگرانی‌های مردم هستند. این ضعف موجب تأخیر در واکنش‌های شناختی می‌شود. رسانه‌های ایرانی در اغلب مواقع، با پاسخگویی فوری به شبهات عمل می‌کنند، نه با تحلیل داده‌های ادراکی کاربران در پلتفرم‌ها. ایجاد پلتفرم‌های رسانه‌ای بومی و الگوریتم‌های ادراکی، کمک می‌کند تا علاوه بر انتشار محتوا، رفتار، احساس و تمرکز مخاطب را تحلیل کرده و محتوای هدفمند، تولید کنند.
۳. آسیب‌پذیری در محافظت از روایت‌های ملی: روایت‌های فرهنگی، دینی و تاریخی ایران در پلتفرم‌های تحت کنترل غربی یا سانسور می‌شوند یا با سیل محتوای سرگرمی به حاشیه می‌روند. اینستاگرام، تلگرام، واتساپ، توییتر و یوتیوب، همگی خارج از کنترل حاکمیتی ایران هستند و الگوریتم‌های آن‌ها در خدمت روایت‌های غربی، عمل می‌کنند.
۴. پراکندگی نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای: عدم هماهنگی میان نهادهای فرهنگی، رسانه‌ای و امنیتی سبب شده روایت‌ها گاه متناقض یا کم‌اثر باشند؛ حکمرانی ادراکی نیازمند ساختار منسجم است.
۵. ضعف در بهره‌گیری از قدرت نرم در آمریکا و اروپا: در حالی که دشمن با لابی‌ها، رسانه‌ها و شبکه‌های نفوذ در غرب فعال است، ایران در این عرصه، فاقد استراتژی هدفمند و چهره‌های مؤثر است.
۶. تمرکز بر اطلاع‌رسانی به جای روایت‌سازی: رسانه‌های ملی بیشتر بر خبر، تمرکز دارند تا بر ایجاد فضای شناختی و احساسی متصل به روایت جمهوری اسلامی ایران.



پلتفرم‌های اجتماعی و رسانه‌ای. سوم- توانایی الگوریتمی در تحلیل و جهت دهی داده‌ها و ادارک‌ها، در این چهارچوب، روایت‌ها و احساسات افراد بخشی از داده‌های قدرت ملی، تلقی می‌شوند و کشورها برای تصاحب ذهن مخاطب، به رقابت سایبری روی می‌آورند. در میدان ژئوپلیتیک سایبری: روایت‌ها همان مرزهای مجازی‌اند، ادراک مخاطب، همان سنگر ذهنی است و الگوریتم‌ها همان ابزار فتح ذهن‌ها است

کشورهایی که درک رسانه‌ای از این فضا داشته باشند، می‌توانند در جنگ شناختی، بازیگر اول باشند، نه قربانی روایت؛ از اینرو ایجاد مرکز ملی ژئوپلیتیک سایبری، به منظور طراحی سیاست‌های شناختی، فناورانه و تربیت متخصصان میان رشته‌ای، می‌تواند بسیار کارساز باشد. جبهه شناختی ایران، اگر از مدل رسانه‌ای ژئوپلیتیک سایبری بهره‌برد، نه فقط از حملات روانی در امان خواهد بود، بلکه خواهد توانست قدرت نرم و تأثیرگذاری خود را در فضای بین‌المللی گسترش دهد

۷. بهره‌گیری از شخصیت‌های ملی برای تثبیت روایت: چهره‌هایی مانند شهدا، قهرمانان ورزشی، هنرمندان و دانشمندان.
۸. طراحی پویش‌های شناختی مبتنی بر داده، نه صرفاً شعار، پویش‌هایی که پشتوانه نمادین قوی از متن تاریخ و تمدن ایران اسلامی داشته باشد.

اینهمه کشیم یک اندر بیج بی عنایت خدا هیچم بیج

اگر ایران، توانسته است هژمونی آمریکا و افسانه شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی را پس از ۶ دهه، باطل سازد، اگر با این همه صف‌آرایی نظامی و دیوارهای آهنین چند لایه و هژمونی و صف‌آرایی رسانه‌ای جهان کفر و الحاد با آخرین فناوری‌ها، می‌بینیم موشک‌های نظامی، گلوله‌های رسانه‌ای و روایت‌های جمهوری اسلامی، به هدف اصابت می‌کنند و اقتدار ایران را به نمایش می‌گذارند، اینها از الطاف خفیه الهی و تحقق نصرت الهی است و ما به گوش جان، این ندای آسمانی را می‌شنویم که «و مارمیت اذ رمیت و لکن الله رما» و به راستی وعده الهی حق است که «ان تنصر الله ينصرکم و یثبت اقدامکم»، جهاد در همه عرصه‌ها و از جمله جهاد تبیین در راه حق، رمز عزت و پیروزی ما در مقابل استکبار جهانی و صهیونیسم جنایتکار است



* پیشنهادهای عملیاتی برای ارتقای حکمرانی ادراکی ایران

۱. تشکیل قرارگاه مرکزی حکمرانی ادراکی، با حضور نمایندگان قوای سه‌گانه، نهادهای فرهنگی، رسانه‌ای، دانشگاهی و امنیتی برای طراحی روایت‌های ملی، دینی، انقلابی و تحلیل ادراک عمومی و هماهنگی در پاسخ‌های شناختی.
۲. توسعه الگوریتم‌های بومی تحلیل احساسات و رفتار شناختی با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز داده، سامانه‌هایی برای رصد لحظه‌ای افکار عمومی در فضای مجازی و رسانه‌ها طراحی شود
۳. ایجاد دیپلماسی رسانه‌ای فرامرزی و همکاری با رسانه‌های هم‌راستا در منطقه و در سطح بین‌المللی برای تولید روایت‌های مشترک و ترجمه‌شده به زبان‌های جهانی و ایجاد اتحاد رسانه‌ای با کشورهایی که سیاست ضد روایت غربی دارند.
۴. تبدیل نهادهای فرهنگی به «شتاب دهنده‌های روایت» و تربیت نسل جدید روایت‌پردازان شناختی در دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی، دوره‌هایی برای آموزش سواد رسانه‌ای، روایت‌سازی، تحلیل ادراکی و عملیات روانی برگزار شود.
۵. بازطراحی ساختار رسانه‌های ملی بر اساس حکمرانی ادراکی رسانه‌ها: باید از اطلاع‌رسانی صرف عبور کرده و به سمت تولید روایت‌های حقیقی، هویتی و بازدارنده حرکت کنند؛ با شاخص‌هایی چون اعتماد، امید، امنیت روانی.
۶. تأسیس مرکز ملی ژئوپلیتیک سایبری: ژئوپلیتیک سایبری به معنای توزیع قدرت، نفوذ و امنیت در فضای مجازی است، جایی که مرزهای فیزیکی کشورها جای خود را به مرزهای داده، الگوریتم و ادراک دیجیتال داده‌اند. طبق نظریه‌های نوین امنیت دیجیتال، قدرت سایبری کشورها در سه سطح، سنجیده می‌شود.
اول- مالکیت زیرساخت‌های فناورانه دوم- کنترل



تجاوز به ایران و اقدام علیه صلح و امنیت بین المللی

با وجود سازمان ملل متحد و شورای امنیت

اسماعیل عبدالمهی

دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان بوشهر، هیأت علمی دانشگاه



اختیارات خود، ماده ۶ و فصول ۵ تا ۸ از مواد ۲۴ تا ۵۴ اقدام نمی کند و صرفاً به برگزاری جلسات نمادین و بعضاً جانبدارانه از متجاوز اکتفا می کند؟ چرا شورای امنیت به عنوان حامی، حافظ و مسئول برقراری صلح و امنیت بین المللی (بند ۱ ماده ۲۴) و رکن اصلی و قدرتمند سازمان ملل از به رسمیت شناختن و اجرای مفاد ماده ۵۱ منشور ملل متحد و حمایت از حق ذاتی دفاع کشور مورد تجاوز، طفره می رود؟

و بسیاری از سؤالات دیگر که در نفس خود «حقیقتی تلخ و پرغصه» را پنهان دارد و در جهان پیشرفته معاصر، برخلاف قرون گذشته هیچ توجیهی بر پنهان ماندن آن وجود ندارد. قدر مسلم، حاکمیت ایران و مردمان متمدن آن، حق دارند که در پی کشف «حقیقت» و افشای چهره خصمانه و دروغین آن کوشش و حرکت جهانی کنند، حتی اگر به قیمت سنگین و غیرقابل جبران تضییع سرمایه ها و منابع انسانی و مادی خود متجر شود مردم مسلمان و متمدن ایران در ۴۰ سال گذشته و در انظار قدرت های جهانی و ملل به اصطلاح «متحد»، بار سنگین دو «تجاوز و توسل به زور» را به طور ناروا متحمل شده اند؛ یکی پس از تغییر حاکمیت و مردمی سازی حکومت در ایران توسط دولت دست نشانده و مزدور بعثی عراق و دیگر در روزهای اخیر و درست در زمانی که کشور و دولتمردان نجیب و هنجارمند، مشغول حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات از طریق گفتگو، مذاکره و توسل به مؤسسات و ترتیبات جهانی (آژانس بین المللی انرژی اتمی IAEA) برسر موضوع هسته ای و

تحت نظارت سازمان ملل متحد بودند به طور قطعی، گذشت زمان و واقعیات امروز، پرده از یک حقیقت رمزآلود و مسأله اساسی و مشترک در تجاوزهای نامشروع فوق کنارمی زند. این حقیقت، چیزی نیست جزء تعقیب و تحقق امیال سلطه طلبانه و استعماری سردمداران و سیاستمداران قانون گریز آمریکای صاحب حق «وتو» در شورای امنیت سازمان ملل متحد، به عنوان اهرم فشار و

در حالی که سازمان ملل متحد، طبق منشور سال ۱۹۴۵ م. برای برقراری و حفظ صلح و امنیت بین المللی در میان کشورها و حاکمیت های مستقل، تأسیس شده است و دغدغه رفع تهدیدها و تجاوزات نامشروع و توسعه روابط دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری را در سردارد، اما این نهاد جهانی، برای مشروعیت بخشیدن به برخی تجاوزات آشکار به حقوق و حاکمیت دولت های مستقل ایجاد شده است و در واقع به عنوان ابزاری در خدمت «توسل به زور و نقض صلح جهانی» عمل می کند

تاریخ و تجربه تلخ و غیرانسانی جنگ های جهانی اول و دوم و هژمونی مؤسیسن و قدرت های ممتاز (از جهت داشتن حق تبعیض آمیز وتو) سازمان ملل متحد، پس از جنگ تا امروز، حاکی از تکرار تجاوز و بی احترامی ممتد و روبه تزايد به حقوق، آزادی ها و امنیت کشورها و ملل متحد است. در واقع، این «زور» است که سایه شوم خود را همچنان بر موجودیت انسان ها و ملت ها افکنده است و به طور آشکار، واقعیت اهریمنی باطل را به رخ می کشد. هرچند در قرن جاری، شاهد شکل گیری جنگ های جهانی نبودیم، لکن همچنان ابزار زور و جنگ، حداقل در اشکال محدود و منطقه ای در میان جوامع و ملل جریان داشته و دارد و هیچ نهاد بین المللی هم، نتوانسته است از دردها و آلام بشری بکاهد؛ بنابراین، سؤالات درست فراوانی همواره اذهان و عقول سالم و دغدغه مند را به خود مشغول داشته که اساساً فلسفه و نقش سازمان های صلح طلب جهانی، همچون؛ سازمان ملل متحد و شورای امنیت در مقابله با تجاوز چیست؟ چرا با وجود این نهادهای مسئول، امید و آرمان صلح محقق نشده و سایه جنگ از سرجهانیان از بین نرفته است؟ چرا موازین حقوق بشری و بشردوستانه بین المللی برپیشگیری از تجاوزها و نقض های فاحش به ارزش ها و آزادی های انسان، استقلال کشورها و حاکمیت ها، صلح و امنیت جهانی ناموفق و ناکام بوده است و صرفاً پس از وقوع تعرضات، منفعلانه شعار آنها داده می شود؟ چرا پس از تجاوز ناحق و نامشروع یک دولت به عضوی از سازمان ملل، شورای امنیت، طبق اصول منشور (فصل اول) و وظایف و



ابزار قدرت‌نمایی در مقابل کشورهای صلح طلب و ناهمسو است. به این ترتیب، رویه تجاوزکارانه کشورهای سلطه گر، همچون آمریکا برخلاف قرون گذشته در قالب‌ها و شکل‌های جدید خودنمایی کرده و با شدت بیشتر دنبال می‌شود. از جمله رویه‌های جدید، طراحی و راهبری پنهان و پشت‌پرده عملیات‌های خصمانه در اتاق‌های فکر و اجرای آن توسط عناصر وابسته و دولت‌های دیگر است. در این روش، دولت آمریکا اهداف و امیال سلطه‌طلبانه خود را با توسل به منابع مالی گسترده، امکانات و فناوری‌های نظامی نوین و تحریم‌ها و حمایت‌های همه جانبه، به ویژه در نهادهای بین‌المللی و در نهایت مداخله نظامی توسط عناصر بین‌المللی خود مانند رژیم بعثی عراق، عناصر معارض داخلی، دولت‌های خودخوانده داعش و هم اکنون رژیم سفاک و هتاک اسرائیل است. بدیهی است، روش‌های جدید به مراتب خطرناک‌تر و نیز غیرقابل کنترل‌تر است. این وضعیت نه تنها بی‌حیثیت‌سازی و هتک حرمت نهادهای جهانی را در پی دارد و اقبال نسبت به آنها کم خواهد شد، بلکه سایه غمبار و پرمحنت جنگ‌های جهانی جدید را بر چهره جهان و ملت‌های مظلوم می‌افکند. حوادث تجاوزگرانه در دهه‌های اخیر، در مناطق جغرافیایی و کشورهای مختلف نشان می‌دهد که چهره آمریکا و هم پیمانان آن در پشت تمام منازعات جهانی قرار دارد و بی‌وقفه، فعال است. رژیم بی‌کفایت و جنایت‌کاری مانند اسرائیل بدون هدایت، حمایت و پشتیبانی مادی، معنوی، حقوقی، سیاسی و نظامی گسترده ناتو و غرب به سرکردگی آمریکا، ناتوان‌تر از آن است که بخواهد و بتواند نیت تعرض به کشور بزرگی چون ایران عزیز را داشته باشد. در این شرایط، دیگر امیدی به دخالت پیشگیرانه نهادهای جهانی، خاصه شورای امنیت وجود ندارد و جهانیان باید در اندیشه طرحی نو و نافذ باشند؛ زیرا امروز، ایران در معرض جنایات وحشیانه و غیرقانونی قرار دارد و طبعاً هیچ کشور و ملتی در آینده از نیت و امیال ظالمانه و تجاوزکارانه زورمداران، مصون نخواهد بود. چه خوب سروده است شاعر جهانی، حافظ و عارف ایران زمین

ساقی به جام عدل بده باده تا گدا

غیرت نیاورد که جهان پربلا کند

* آموزه‌ها و عبرت‌های تجاوز ۱۲ روز اسرائیل

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی (در پرتو ایمان) در صلح و آشتی در آئید و از وسوسه‌ها و روش‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شما است» آیه ۲۰۸

سوره حدید

در دوره کوتاه، اما پر از عبرت تجاوز ۱۲ روزه، مانند همیشه و در طول حیات انقلاب، شاهد نقش بارز مردم و همراهی آنها در مقابله با توطئه‌ها و فتنه‌های دشمنان بودیم. پیش از این حادثه، در کشاکش منازعات سیاسی و قدرت، تا حدود قابل توجهی «بی تفاوتی و غفلت» نسبت به خواسته‌های انباشته مردم در زمینه‌های گوناگون سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و به ویژه جوانان و متغیر مزاحم «اتباع غیرمجاز»، معمول شده بود طبیعی است، دشمن غدار و هوشیار که سالیان سال بر روی این مقوله مهم، برنامه‌ریزی کرده بود، بتواند از فرصت موجود استفاده و موج سواری کند، اما در بزنگاه تاریخی مزبور، عنصر خفته و نهادینه قدرت خدادادی و حماسی مردم خود را نشان داد و همزمان ضعف مدیران غافل و خود بزرگ‌بین، خطر عناصر نفوذی را مرتفع نمود. بدون تردید، در رویکرد و سیره دینی و انقلابی ما، هیچ قدرت، اراده عملیاتی و

میدانی بالاتر و مهم‌تر از «قدرت و اراده مردم مؤمن» (آیه ۲۵ سوره حدید) نیست

نقش انبیا و اوصیای الهی، صرفاً پرورش، رویش و زایش قدرت بندگان، هدایت و حمایت آنها در مسیر حق است

تجربه موفق حکمرانی پیامبر عظیم الشان اسلام، خاصه در سرزمین پر از جهالت و تاریکی، نفاق و خیانت جزیره العرب که مبتنی بر «تعالیم نجات‌بخش الهی، قرآنی و اخلاق متمایز نبی مکرم» محقق شد، حاوی نکات راهبردی و آموزنده‌ای است که باید دقیقاً آن را در اجتماع مسلمانان و امت اسلامی پیاده‌سازی کرد

آن قدر آموزه‌های قرآنی، نبوی و ولایی وجاهت، وزانت و ظرفیت عملیاتی دارد که کشور ما و هر کشور دیگر را از سایر مدل‌های حکمرانی بی‌نیاز می‌کند. رهبری در «بیانیه گام دوم» یادآوری کرده بود که اگر ما در انقلاب و دفاع مقدس، موفق و پیروز شدیم به خاطر «روحیه ایمانی و جهادی مردم» بود و حکمرانان صدر اسلام و انقلاب و معظم له، این را به خوبی درک و اجرایی کرده و تأکید بر اجرای آن داشتند؛ بنابراین، رمز پیروزی، وحدت کلمه «حول محور رهبری و مردم و در میان آحاد مردم بدون توجه به اسم‌ها، ایسم‌ها و رسم‌ها» است.

«حکمران اسلامی» باید خود را صادقانه خادم مردم دانسته و جز نعمت خدمتگزاری و حل مشکلات، برای



خود، مأموریتی قرار ندهد. انبیا و اولیای الهی، بالاخص نهضت و حماسه حسینی، نمونه تمام عیار احساس مسئولیت و خدمت مؤمنانه و جانانه برای هدایت بشریت‌اند و در برابر این خدمت، مزد و اجری جزء تبعیت از فرامین الهی و راه حقیقت مطالبه نکردند. این همان خدمت بی‌منت و مسئولانه است. متأسفانه ماهیت پیام «بیانیه گام دوم» به اندازه کافی درک و عمل نشد. شیطان، به خوبی، بذر «تفاق و بی تفاوتی» ناشی از خودخواهی و دنیاخواهی را به خصوص در میان مدیران و کارگزاران پاشیده و به نتیجه رسانده بود؛ بنابراین؛ توصیه‌ها و الزامات زیر مستلزم امعان نظر است

الف- رویکرد کلان و عمودی

۱. از جهت ایجابی، در استقرار وحدت، عنصر و سرمایه اجتماعی مردم و روابط مؤمنانه، صادقانه و دلسوزانه با آنها و در نهایت جلب رضایت و منافع راستین آنان اهمیت دارد و نیز در استمرار این وضع لامحاله، بایستی بر این مهم تأکید کرد.
۲. از جهت سلبی، باید دشمن را در زوال و تخریش فرایند استقرار و استمرار وحدت با مکانیزم القای «بی تفاوتی و غفلت» جدی گرفت و با توسل و توکل بر خدا و اهل بیت و همت مردم، از کید و ترفند شیاطین، رهایی پیدا کرد.

ب- رویکرد خرد و افقی

۱. ما باید به شاخص‌های حکمرانی مطلوب در جامعه، به خصوص، اجرای قوانین اساسی و عادی بدون تبعیض و در میان مردم، تقید و التزام داشته باشیم. بدون ریل و فرمول «قانون»، نظم و امنیت، شکل نمی‌گیرد و بدون «نظم و امنیت» نیز رابطه‌ها سالم و عادلانه نمی‌شود و بدون «رابطه سالم و عادلانه»، اجتماع، امت و حکومت، قوام و دوام ندارد. آیات و روایات زیادی در تأیید این دیدگاه راهبردی وجود دارد که از حوصله این مقال، خارج است. یک نمونه از وضعیت ناروا در جامعه که سبب نارضایتی مردم شده است، نظام حقوق و پرداخت‌های بسیار متفاوت است؛ به گونه‌ای که شخص، در اداره یا شرکت با صلاحیت علمی پایین یا مشابه، حقوق کلان و نجومی دریافت می‌کند، در حالی که شخص دیگر در اداره یا سایر ادارات، حقوق و مواجب ناچیز و بعضاً فقیرانه‌ای، دریافت می‌کند. در پرداخت مالیات نیز بین مردم، شرکت‌ها و دستگاه‌ها کماکان این تبعیض و تمایزها مشاهده می‌شود. پایه‌های وحدت، بدون توجه به این تناسب‌ها، متزلزل است. اینها نمونه‌های کوچک‌های بزرگ است که نباید از آن غفلت کرد. فرهنگ «همسانی برادر دینی و خلقی» باید در جامعه نهادینه شود.
- در این رابطه، رهبری انقلاب در بخشی از بیانیه گام دوم، به این صورت، مرقوم فرمودند: «در جمهوری اسلامی دل‌های مسئولان به طور دائم، بایستی برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به‌شدت، بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی، کسب ثروت، نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریب‌گران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، به شدت ممنوع است؛ همچنین، غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ رو مورد قبول، نیست.»
۲. در جامعه دینی و قانونی، کارگزاران نباید خود را در جایگاه برتر و بالاتر احساس کنند و بر مردم قدرت‌نمایی و تحکم کنند. متأسفانه به جای برخورداری مردم، کارگزاران برخوردار شده، مصون و مرفه زندگی می‌کنند. کشور و امکانات آن، نباید مختص عده‌ای خاص باشد. رویکرد و روش‌های مدیریتی، متحول شود. فرهنگ «هرکه بامش بیش، برفش بیشتر» در جامعه اسلامی باید از جهت میزان بار مسئولیت و تعهد تفسیر شود و نه از حیث برخورداری و توانمندی بیشتر. مفهوم شرعی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی احادیث نبوی؛ همچون «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» و «سید القوم خادمهم و ساقیهم آخرهم شرابا» همین است و امروز با تجارب گرانسنگی که در زمینه‌های مختلف کسب کرده‌ایم، بیش از پیش به نهادینه‌سازی این رویکرد اصیل در حکمرانی، نیاز داریم.

باز آفرینی فناوری و نوآوری در پسا جنگ تحمیلی

۱۲ روزه الزامی است.

اسماعیل پیر علی خیر آبادی

دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان چهارمحال و بختیاری، هیأت علمی دانشگاه



با توجه به حمله ظالمانه رژیم غاصب صهیونیستی، با هم دستی آمریکا و اتفاقات تلخی که در چند هفته گذشته رخ داد، ضمن تسلیت به بازماندگان شهدا و پاسداشت دفاع همه جانبه و همدلی مردم شریف ایران پس از این تجاوز آشکار، تحلیل ها و آسیب شناسی های متفاوتی در حوزه های سیاسی، اجتماعی، امنیتی و دفاعی توسط صاحبان قلم و اندیشه صورت پذیرفت. انتظار می رود در حوزه نوآوری و فناوری نیز اساتید و صاحب نظران ورود جدی تری به این موضوع داشته باشند؛ چرا که برای جلوگیری از گسست حلقه های پیوند اجتماع و تاب آوری اقتصادی و دفاعی در کنار دیگر ساختارها و نهادها، توجه و باور منطقی به این حوزه یک ضرورت است و بایستی به چند نکته قابل تأمل اشاره کنیم

* نکته اول

همه می دانیم که در دفاع از کشور طی جنگ ۱۲ روزه، بیشتر تجهیزات دفاعی با فناوری های پیشرفته توسط شرکت های نوپا، دانش بنیان و تیم های خلاق با همکاری صنایع نظامی و دفاعی طراحی و ساخته شد و دشمن نیز در این تجاوز از فناوری های پیشرفته از جمله تجهیزات الکترونیک، هوش مصنوعی و حملات سایبری استفاده نمود. با اذعان به این واقعیت و به منظور تقویت و به روز نمودن علوم دفاعی و نظامی توجه بیش از پیش به حوزه نوآوری و فناوری در دانشگاه ها، پارک های علم و فناوری و مراکز رشد، نیاز به بازنگری در سیاست گذاری ها، چشم اندازها و حمایت های همه جانبه در این حوزه دارد

* نکته دوم

تغییر مؤلفه های توسعه، پیشرفت و قدرت در جهان امروزی بر پایه علوم و فنون جدید است. به طوری که سازمان ملل، در گزارش اخیر خود، هشدار داده هوش مصنوعی ۴۰ درصد مشاغل را تا سال ۲۰۳۳م. متحول می کند و ارزش بازار هوش مصنوعی تا سال ۲۰۳۳م. به ۸/۴ تریلیون دلار می رسد؛ لذا با ورود غول های فناوری و سرمایه گذاری کشورهای منطقه و توسعه یافته در این بازار بی انتها، ورود و سرمایه گذاری هدفمند در این صنعت پیشرو، بدون هیچ گونه تعلل ضروری است.

* نکته سوم

متأسفانه هنوز در فرایند تولید محصولات در بازار کشور، رسوخ فناوری و نوآوری در کارخانجات صنعتی و نیمه صنعتی، چندان جایگاهی ندارد و چرخ تولید، همچنان بر مبنای فناوری های منسوخ و فرمولاسیون دهه های گذشته می چرخد. هرچند، با ورود شرکت های دانش بنیان و فناوری و صندوق های حمایتی و خطرپذیر گام های مؤثری، جهت به هم رسانی عرضه و تقاضای فناوری برداشته شده است، اما طرف تقاضا، تمایل چندانی به ورود فناوری های جدید، نشان نمی دهد. به کار گیری و رسوخ فناوری های جدید در چرخه تولید و تولید محصولات «های تک» می بایست در اولویت اول قرار گرفته و از ظرفیت های قانونی و زیر ساختی موجود، برای افزایش بهره وری و توسعه صادرات در برنامه هفتم توسعه، استفاده نمود



* نکته چهارم

توجه به ظرفیت های بزرگ منابع انسانی، اساتید و فارغ التحصیلان دانشگاه ها و خاصا ظرفیت نخبگی کشور با تسلط به آموزش های نرم افزاری وسخت افزاری جهت بکار گیری در طراحی و اجرای پروژه های عظیم صنایع نفت و گاز و پتروشیمی و همزمان مشارکت سرمایه گذاران خارجی در این طرح ها به بمنظور انتقال تجربه و فناوری

* نکته پنجم

تقویت و حمایت های همه جانبه، اعم از معنوی و مادی از استارت آپها و شتاب دهنده های حوزه دیجیتال به عنوان پایه دسترسی به فناوری های جدیدصفر. (TRL) تثبیت و حمایت از ایده هایی که مراحل پژوهشی پایه را در قالب پایان نامه ها یا طرح های تحقیقاتی در دانشگاه ها یا دیگر مؤسسات تحقیقاتی گذرانده اند و نیاز به حمایت جدی دارند ضمن اینکه این استارت آپها از نیروهای انسانی نخبه و آماده به کار با آموزش های هدفمند استفاده می نمایند و مدل کسب و کار آنها اعم از شبکه سازی های کوچک و بزرگ و دستیابی به مارکتینگ های با درآمد بالا و ایجاد کسب و کار دیجیتال، ظرفیت سازی بزرگی را برای مشاغل فریلنسری و مشاغل غیر مستقیم ایجاد می نماید

* نکته ششم

گزارش چند روز گذشته مجمع جهانی اقتصاد، حاکی از آن است که ۲۲ درصد مشاغل امروزی تا سال ۲۰۳۰ م. تحت تأثیر تغییرات ساختاری قرار می گیرد به طوری که ۱۷۰ میلیون شغل جدید ایجاد و ۹۲ میلیون از مشاغل قدیمی از چرخه خدمات و تولید حذف می گردد و روندهای فناوری، تغییرات اقلیمی و جمعیتی نقش عمده ای در این تغییرات دارند؛ لذا پرداختن به حوزه کسب و کارهای بر پایه دیجیتال، امری الزامی است آنچه قابل تأمل است، جوانان دهه ۸۰ کشور، نسل دیجیتالیزه هستند، همچنین اشاره شد که اشتغال در مشاغل جدید از نظر محتوی، مهارت و مارکتینگ متفاوت بوده و در چارچوب و ساختار قوانین امروزی کار، نمی گنجد. رصد مدل بوم کسب و کار در شرکت های استارتاپی حاکی از مشارکت در سود، سهامداری، پروژه های و پاره وقت است ورود به باز نگری و اصلاح قوانین و آیین نامه های جاری و اسناد بالا دستی، جهت ساماندهی کسب و کارهای جدید، به منظور حمایت از شاغلان این حوزه، با نگاه آینده محوری، جهت دسترسی به بازارهای بین المللی، یک ضرورت است

* نکته پایانی

به لحاظ قدمت و با توجه به ظرفیت های قابل توجه مؤسسات تحقیقاتی و فناوری، متخصصان صاحب نام و تجهیزات پیشرفته، همچنین زیر ساخت های مناسب در حوزه بیوتکنولوژی به منظور توسعه فناوری، صادرات، درآمدزایی و رقابت پذیری جهانی، می بایست نسبت به تدوین و اجرای برنامه راهبردی، به منظور رفع موانع تحریم و تسهیل همکاری های بین المللی اقدام و برای ورود به مرزهای دانش پایه ای با تشکیل کنسرسیوم های بین المللی وتفاهم نامه های چند جانبه با کشورهای صاحب علوم و فنون، به صورت هدفمند، اقدام نموده و از مزایای حاصل آن در جهت رفع نیازهای کلیدی کشور، از جمله داروهای هوشمند ضد سرطان، ژن درمانی، سلول درمانی، زیست داروها و... استفاده نمود. ضمنا حوزه های دیگر از جمله نانوتکنولوژی، رباتیک و انرژی های نو از دیگر ظرفیت های بالقوه و بالفعل علمی و تحقیقاتی کشور است که در صورت شبکه سازی بین المللی آنها، می توان به دستاوردهای بزرگ توسعه و پیشرفت نائل آمد.

اهمیت نقش اندیشکده ها در روایتگری جنگ و گذار

به حکمرانی ادراکی و معنامحور

مجید سرونند

مسئول امور پژوهشی و کار گروه های اندیشکده های حکمرانی و قانونگذاری



مقدمه

در هر جنگی، دو جبهه وجود دارد؛ یکی در میدان نبرد با موشک و پهپاد و دیگری در میدان معنا، افکار عمومی و ادراکات راهبردی. جنگ تحمیلی ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی، اگرچه در ظاهر، آوردگاهی فشرده و نظامی بود، اما به وضوح نشان داد که پیروزی نهایی، بیش از هرچیز در گرو قدرت روایت، توان اقناع افکار عمومی و مدیریت ذهنی مخاطبان داخلی و خارجی است. در چنین شرایطی، رسانه ها، نخبگان، اندیشکده ها و حلقه های واسطه روایت ساز، نه بازیگران حاشیه ای، بلکه فرماندهان «جنگ نرم» محسوب می شوند.

* ۷ حوزه راهبردی برای گذار به حکمرانی ادراکی و معنامحور

تجربه این نبرد پرشتاب، یکبار دیگر، لزوم بازتعریف حکمرانی در دوران پساجنگ را آشکار کرد؛ اینکه دیگر نمی توان به مهارت های میدانی و سخت افزاری اکتفا کرد، بلکه باید با رویکردی نو، منسجم و مبتنی بر حکمرانی ادراکی، عرصه های گوناگون ملی را درگیر بازسازی معنا و قدرت کرد. از این منظر، آینده کشور، نیازمند «معماری پساجنگ» در هفت حوزه کلیدی است.

الف) حوزه نظامی و امنیتی؛

امنیت آینده دیگر تنها به معنای توسعه تسلیحات یا بازدارندگی موشکی نیست. جنگ اخیر، نشان داد که «امنیت ادراکی» و «بازدارندگی شناختی» نقش تعیین کننده تری دارند. بنابراین، بایستی هم افزایی میان ارتش، سپاه و اندیشکده های امنیتی برای تحلیل تهدیدات نرم، عملیات روانی دشمن و تقویت پدافند رسانه ای در دستور کار قرار گیرد.

ب) حوزه سیاسی و دیپلماسی؛

در نبردهای ترکیبی، دیپلماسی کلاسیک، پاسخگو نیست. دیپلماسی روایت، قدرت اقناع در صحنه بین الملل و بهره گیری از ابزارهای ژئوپلیتیک سایبری اهمیت مضاعف، یافته است. نقش اندیشکده ها در طراحی روایت های منسجم، تحلیل پذیر و مشروعیت ساز در مجامع بین المللی حیاتی است. باید صدای «دفاع مشروع» ایران را از دل رسانه های مستقل و نخبگان جهانی، به گوش همگان رساند.

ج) حوزه اجتماعی، مدنی، و شهروندی؛

مردم، به ویژه در بزنگاه های بحرانی، تنها مخاطب نیستند؛ بلکه کنشگران روایت ساز هستند. حضور آنان در شبکه های اجتماعی، پوشش های میدانی و مشارکت در تولید معنا، ستون فقرات مقاومت اجتماعی است. سیاست گذاران باید به روایت های خودجوش مردمی توجه کرده و از آنان در قالب حلقه های میانی و نهادهای محلی، در فرآیند سیاست سازی بهره بگیرند.

د) حوزه فرهنگی و رسانه ای؛

جنگ ۱۲ روزه، بار دیگر ثابت کرد که رسانه صرفا ابزار اطلاع رسانی نیست، بلکه سلاح راهبردی است. توسعه حکمرانی رسانه ای، تقویت رسانه های ملی، تربیت روایت پردازان و تأسیس مرکز ژئوپلیتیک سایبری از جمله راهکارهایی است که اندیشکده ها بایستی برای آن مدل سازی کنند.



ه) حوزه زنان و خانواده؛

زن ایرانی در این جنگ، نه صرفاً مادر و همسر رزمنده، که خود مجاهدِ روایتگری و جنگ نرم بود. قدرت نرم جمهوری اسلامی، امروز به کمک هویت زنانه، افزایش یافته است. بازتعریف نقش زنان در عرصه های فناوریانه، فرهنگی، تربیتی، و رسانه ای، از الزامات دوران پساجنگ است.

و) حوزه اقتصادی، فناوریانه، و زیرساختی؛

ادراک جهانی از ایران، با ظرفیت موشکی و پهنای گره خورده است، اما قدرت واقعی در پایداری زیرساخت های فناوریانه، رشد استارت آپ های دفاعی، هوش مصنوعی و نهادهای دانش بنیان نهفته است. پیوند میان دانشگاه ها، شرکت های دانش بنیان، و اندیشکده های فناوریانه، مسیر آینده را هموار می سازد

ز) حوزه راهبردی و آینده پژوهی؛

در نهایت، پایداری ایران در عصر جنگ های ترکیبی، وابسته به قدرت آینده سازی آن است. اندیشکده ها باید از نقش صرفاً تحلیلی فاصله گرفته و به مراکز آینده نگری تبدیل شوند؛ جایی برای پیش بینی سناریوهای محتمل، طراحی الگوهای بازدارندگی ادراکی و توسعه پارادایم های بومی حکمرانی

* نتیجه؛

در چنین وضعیتی، اندیشکده ها به عنوان اتاق فکر و بازوی مشورتی، مسئولیت سنگینی در زمینه روایت سازی ملی، پیوست سازی شناختی و مدیریت افکار عمومی برعهده دارند. آن ها باید در جایگاه حلقه واسط میان دولت، مردم و رسانه، نه تنها واقعیت ها را تحلیل، بلکه معناها را نیز بازتولید کنند. بدون حضور اندیشکده های فعال، آینده جنگ های ترکیبی به میدان بی صدایی تبدیل خواهد شد که در آن دشمن، روایت خود را بدون چالش می سازد. از همین رو، باید از اندیشکده ها حمایت ساختاری، رسانه ای و سیاستی به عمل آید تا «جهاد روایت» به ستون راهبردی حکمرانی ملی تبدیل شود. اندیشکده های حکمرانی و قانون گذاری استانی، با بهره گیری از ظرفیت های نخبگانی و تحلیل های چندلایه، تلاش کرده اند، ابعاد مختلف جنگ ترکیبی اخیر و الزامات دوران پساجنگ را مورد واکاوی قرار دهند، در حقیقت، گام اولیه در جهت تبیین ضرورت های حکمرانی ادراکی، طراحی روایت ملی و بازسازی انسجام شناختی کشور است.

ضرورت سرمایه گذاری علمی در حوزه های دفاعی و امنیتی

(از داده کاوی تا مدل سازی ریاضی برای پیشگیری از غافلگیری راهبردی)

جواد فرخی استاد

دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان خراسان جنوبی، هیأت علمی دانشگاه



مردم با عبور از مرزبندی های سیاسی و بی توجه به تبلیغات دشمن با توجه ویژه به تصمیمات رهبری (حتی نه به عنوان جایگاه مذهبی و در ساحت ولی فقیه، بلکه به عنوان فرمانده کل قوا و قهرمان ملی)، نشان دادند که هویت ملی و تمدنی را مقدم می دانند؛ از اینرو نظام حکمرانی، باید نقش مردم به عنوان مهم ترین عنصر قدرت و حکومتداری را به رسمیت شناخته و از انرژی ملی آزاد شده برای ترمیم شکاف دولت ملت و شکاف های اجتماعی، جلب اعتماد عمومی و استفاده در مسیر توسعه کشور بهره ببرد. از نظر نگارنده، ۵ عامل اصلی اقتدار ملی ما در جنگ ۱۲ روزه عبارتند از:

اولاً: مردم شریف و ملت غیور میهن عزیزمان، با تاب آوری اجتماعی بی نظیر خود، بار دیگر وفاداری راهبردی به آرمان های انقلاب اسلامی را به نمایش گذاشتند. ثانیاً: رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه الله) با درایت فرماندهی و شجاعت تصمیم گیری، محور وحدت ملی در مقابله با تهدیدات نامتقارن شدند. ثالثاً: نیروهای مسلح با قابلیت های واکنش سریع و برتری اطلاعاتی، کارایی عملیاتی خود را در بدترین شرایط تحریمی اثبات نمودند. رابعاً: مسئولین در رده های مختلف نظام، با رویکرد یکپارچه مدیریت بحران، از اختلال در خدمات پایه جلوگیری کردند. خامساً: تجربه ۸ سال دفاع مقدس نیز، زیربنای امنیت پایدار و خوداتکایی دفاعی را فراهم ساخته است

هرچند مبتنی بر مؤلفه های فوق، هیمنه پوشالی دشمنان شکسته شد و به تعبیری یک ملت با تمام ابرقدرت ها جنگید و پیروز شد، لکن باید با بررسی عمیق و موسع از آسیب های قبلی، چالش ها و تهدیدهای راهبردی پیش رو را احصا کرده و قبل از بحرانی شدن آنها نسبت به ارائه راه حل های عملیاتی و کاربردی اقدام نمائیم. ۵

در عصر کنونی که تحولات ژئوپلیتیک شتابان و بازتنظیم معادلات قدرت، پر فروغ تر از پیش بر تارک سپهر سیاسی نظام بین الملل می درخشند، تحلیل پدیده های امنیتی-دفاعی به مثابه ابزاری حیاتی برای تدبیر راهبردی، تحکیم پایه های امنیت ملی و بهبود نحوه حکمرانی شناخته می شود. جنگ ۱۲ روزه اخیر، به عنوان یک جنگ تحمیلی راهبردی در بستر تهاجم ترکیبی دشمنان، نه تنها مؤید صلابت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بود، بلکه دروازه ای از تجربیات ارزشمند را برای تقویت تاب آوری ملی گشود. این واقعه که در شرایط فشار حداکثری و تحریم های ظالمانه رخ نمود، به خوبی اثبات کرد که جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر سرمایه اجتماعی و توان دفاعی بومی قادر است سناریوهای پیچیده تهدید را به فرصت های راهبردی تبدیل کند. در این نوشتار، آموزه های کلیدی این جنگ تحمیلی با رویکردی تحلیلی-راهبردی مورد بررسی قرار می گیرد تا چراغی فراروی تصمیم سازان نظام در مواجهه با چالش های آینده باشد. بی تردید دوره آتش بس فعلی، فرصتی طلایی برای بررسی فرصت ها و تهدیدها، ریشه یابی و عارضه یابی نقاط ضعف به سرعت برطرف کردن آنهاست. اولین و مهم ترین فرصت این جنگ، نقش مردم به عنوان مهم ترین عنصر پشتیبان قدرت نظام حکمرانی و نقش تعیین کننده مردم در پایداری و مقاومت در برابر دشمن خارجی است. در شرایطی که مردم با فشارهای اقتصادی، اجتماعی و حتی نارضایتی های سیاسی روبه رو بودند، با آغاز جنگ و تهدید تمامیت ارضی کشور و علی رغم تبلیغات گسترده، رفتاری هوشمندانه توأم با بلوغ سیاسی نشان دادند و با حفظ انسجام ملی، از ایران دفاع کردند. این رفتار منبسط از درک عمیق تاریخی و هویتی ملت ایران بود



در عصر حاضر، پیروز جنگ‌ها تنها با سلاح و نیروی انسانی مشخص نمی‌شوند، بلکه دانش، فناوری و تحلیل داده نقش تعیین‌کننده‌ای در غلبه بر دشمن دارند. تاریخ نشان داده است که بسیاری از شکست‌های نظامی ریشه در غافلگیری راهبردی و ناتوانی در پیش‌بینی تحرکات دشمن داشته‌اند. امروزه، با پیشرفت علوم داده‌کاوی، مدل‌سازی ریاضی، نظریه گراف، پردازش سیگنال و هوش مصنوعی، می‌توان جنگ را قبل از آغاز پیش‌بینی و از پیامدهای فاجعه‌بار آن جلوگیری کرد. متأسفانه، در بسیاری از موارد، به بهانه محرمانه بودن پروژه‌های دفاعی، فرصت‌های همکاری با دانشگاه‌ها و نخبگان علمی از دست می‌رود. این در حالی است که بسیاری از پیشرفت‌های نظامی جهان (مانند سیستم‌های هوش مصنوعی پنتاگون یا سامانه‌های امنیتی رژیم غاصب صهیونیستی) حاصل مشارکت دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی غیرنظامی است. ضرورت استفاده از ظرفیت دانشگاه‌ها، اعضای هیأت علمی، دانشجویان و نخبگان کشور برای تقویت بنیه دفاعی امری اجتناب‌ناپذیر است.

کشوری که می‌خواهد در جنگ‌های آینده پیروز باشد، باید دانشگاه‌ها را به سنگرهای علمی دفاعی تبدیل کند. محرمانگی نباید بهانه‌ای برای دوری از نخبگان شود، بلکه باید با مدیریت هوشمند، از ظرفیت آن‌ها در مسیر امنیت ملی استفاده کرد. سرمایه‌گذاری روی پروژه‌های دانشگاهی نه تنها غافلگیری راهبردی را کاهش می‌دهد، بلکه سبب خودکفایی فناورانه می‌شود. این مقاله با ترکیب دلایل علمی، ضرورت‌های امنیتی و راهکارهای عملی می‌تواند مسئولان را متقاعد کند که همکاری با دانشگاه‌ها نه تنها خطرناک نیست، بلکه یک ضرورت راهبردی است. بهره‌مندی از زیست بوم علوم و فناوری‌های نو در همه عرصه‌ها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و در صورت عدم توجه، مواجه شدن با شکست قطعی خواهد بود. بعنوان مثال پروژه آسیمو (ASIMO) که مخفف گام پیشرفته در تحرک نوآورانه است و اولین ربات انسان‌نمای موفق دنیا است که در سال ۲۰۰۰ م. توسط شرکت معتبر هوندا رونمایی شد. در سال ۲۰۱۸ متوقف شد! یا شرکت نوکیا که در سال‌های نه

چالش و تهدید راهبردی پیش رو عبارتند از اولاً: کشور ما در عرصه بین‌الملل بایستی، متحدین راهبردی پایدارتری را انتخاب کرده و اسناد جامع بلند مدت (نظیر ۲۵ ساله چین) با کشورهای بیشتری تنظیم نموده تا از این طریق، دیپلماسی دفاعی باید بر منافع ملی متمرکز باشد. ثانیاً: یقیناً نظام سلطه تنها در پی حفظ منافع خود است و همکاری‌های بین‌المللی در شرایط بحران، فاقد اعتبار راهبردی می‌باشد. ثالثاً: پروژه نفوذ، به عنوان یک تهدید خزننده، نیازمند پایش مستمر و سامانه‌های امنیت داخلی است. رابعاً: فقدان نگرش آینده‌پژوهی در برخی ارکان تصمیم‌گیری، آسیب‌پذیری راهبردی را افزایش می‌دهد. خامساً: نبود برنامه جامع حمایتی برای پایداری تولید و اشتغال بویژه در بخش‌های خصوصی که با تعدیل نیرو، تأخیر پرداخت‌ها و... دومینووار به بی‌اعتمادی اجتماعی و دومینو وار به بحران‌های اجتماعی منتج می‌شود.

همچنین ۵ راهکار اساسی تقویت امنیت ملی و تاب‌آوری عبارتند از؛ اولاً: تقویت بازدارندگی دفاعی، ثانیاً: تحول در بکارگیری دانش و آموزش منابع انسانی، ثالثاً: بازنگری در تعهدات بین‌المللی، رابعاً: افزایش سرمایه اجتماعی، خامساً: توسعه علمی با اولویت نیازهای دفاعی

چنانچه نگاهی واقع بینانه به حوادث جنگ ۱۲ روزه داشته باشیم در می‌یابیم که؛

غافلگیری ایران، در مراحل ابتدایی جنگ ابعاد مختلفی دارد، اما آنچه به جامعه علمی برمی‌گردد، بررسی و امکان پیش‌بینی جنگ در مراحل ابتدایی است. این امر می‌تواند با هم‌افزایی بخش‌های دفاعی-امنیتی و سیاسی و با استفاده از علوم ریاضی، مدل‌سازی، نظریه گراف و آمار و احتمال، تصمیم‌گیران را متقاعد کند که یک کشور در مراحل شروع جنگ هست یا خیر. آنچه به پس از شروع جنگ مربوط می‌شود، وابسته به داده‌کاوی، پردازش سیگنال و تصویر، علوم مخابرات و علوم کامپیوتر است. در مراحل عملیاتی کردن علوم، باید به مکانیک، شیمی، فیزیک، ریاضیات و کامپیوتر اتکا نمود. متأسفانه باید به حق اعتراف کنیم که کرسی‌های دانشجویی این علوم، فاقد انباشتی از نخبگان است و اغلب مبتنی بر افراد معدود است که هیچ‌گاه نمی‌توان اجماعی برای این شاکله توضیح داده شده ساخت.



چندان دور بخش اعظمی از بازار موبایل دنیا را در اختیار داشت، به دلیل عدم استفاده از همه ظرفیت‌ها و به کارگیری نظرات علمی مختلف، مجبور به توقف روند صعودی رشد و توسعه شد؛ لذا در زمینه‌های دفاعی-امنیتی و حکمرانی، چنانچه از همه زوایا به بکارگیری علوم و فناوری‌های نو توجه نشود، نباید انتظار پیشرفت با سرعت بالایی داشته باشیم.

۱. اهمیت علوم داده‌کاوی و مدل‌سازی در پیش‌بینی تهدیدات

الف) پیش‌بینی جنگ قبل از وقوع:

- « با استفاده از تحلیل شبکه‌های ارتباطی دشمن (نظریه گراف) و پردازش داده‌های مخابراتی، می‌توان الگوهای تهاجم را شناسایی و در قالب یک سامانه دستیار هوشمند (DSS) سناریوهای مختلف را به تصمیم‌گیران ارشد نظامی پیشنهاد داد.
- « مدل‌سازی ریاضی کمک می‌کند تا سناریوهای مختلف حمله شبیه‌سازی شده و راهکارهای دفاعی بهینه ارائه شود.
- « آمار و احتمال، در ارزیابی ریسک حملات دشمن و اولویت‌بندی تهدیدات کاربرد و تأثیر بسزایی دارد.

ب) تحلیل عملیات پس از شروع جنگ

- « پردازش سیگنال و تصویر در شناسایی هدف‌ها و تقویت سیستم‌های راداری و امنیتی حیاتی است.
- « تهیه سناریوهای برخط در حل مسائل و مدیریت بحران.
- « استفاده از الگوریتم‌های تخصیص بهینه برای منابع.
- « داده‌کاوی ترافیک شبکه‌های دشمن، می‌تواند به کشف برنامه‌های عملیاتی آن‌ها کمک کند.
- « بدون سرمایه‌گذاری روی این علوم، امکان غافلگیری راهبردی افزایش می‌یابد.

۲. چرا باید به دانشگاه‌ها، اعضای هیأت‌های علمی، نخبگان و دانشجویان اعتماد کرد؟

الف) دانشگاه‌ها مرکز تجمع نخبگان هستند.

- « بسیاری از روش‌های پیشرفته (مانند یادگیری ماشین و رمزنگاری) در دانشگاه‌ها توسعه یافته‌اند.
- « محدود کردن پروژه‌ها به مراکز نظامی، سبب کاهش نوآوری و اتکا به تعداد محدودی متخصص می‌شود.

ب) راهکارهای عملی برای حفظ امنیت و محرمانگی

- « تعریف پروژه‌ها به صورت ماژولار (تقسیم کار به بخش‌های کوچک بدون افشای کلیات مأموریت).
- « استفاده از قراردادهای محرمانه برای جامعه وسیع‌تری از مخاطبین با نظارت امنیتی.
- « ایجاد کرسی‌های تحقیقاتی مشترک بین دانشگاه‌ها و نهادهای دفاعی.

۳. پیشنهادها برای جذب نخبگان و توسعه علوم دفاعی

تشکیل کارگروه مشترک بین دانشگاه‌ها و نهادهای دفاعی برای تعریف پروژه‌های کلیدی و تخصیص بودجه پژوهشی با کارکردهای؛ الف) کوتاه‌مدت: مانند اعطای گرنت‌های هدفمند به اساتید و پژوهشگران در حوزه‌های؛ مدل‌سازی ریاضی جنگ- پردازش سیگنال‌های نظامی- امنیت سایبری و رمزنگاری، ب) میان‌مدت همچون بورسیه دانشجویان نخبه در رشته‌های مرتبط با دفاع (با تعهد خدمت در مراکز امنیتی)، برگزاری مسابقات علمی با موضوعات دفاعی برای جذب استعدادها و ج) بلندمدت مانند فرهنگ‌سازی برای گرایش دانشجویان نخبه به علوم دفاعی- ایجاد رشته‌های میان‌رشته‌ای (مانند مهندسی دفاع سایبری)

بررسی برخی مؤلفه های اقتدار جمهوری اسلامی

ایران در جنگ ۱۲ روزه و راهبردهای ارتقای آن

محمدباقر رستمی

دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان خراسان شمالی



* مروری بر جنگ ۱۲ روزه

در ساعات اولیه روز جمعه مورخ ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ ش. در اثنای مذاکرات ایران و آمریکا درباره برنامه هسته ای، رژیم اسرائیل حملات تروریستی و نظامی جنایتکارانه ای را علیه کشورمان را آغاز کرد و با پاسخ قاطع جمهوری اسلامی ایران، مواجه شد. مناطق مسکونی و پایگاه های نظامی هدف قرار گرفتند، فرماندهان نظامی و امنیتی و نیز جمعی از اساتید دانشگاه و دانشمندان، به طرز بی رحمانه ای ترور شدند، مردم عادی از جمله کودکان و زنان، قتل عام شدند، تأسیسات هسته ای صلح آمیز ما که تحت نظارت شدید آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار داشتند، مورد حمله قرار گرفته و زیرساخت های عمومی ما، از جمله چندین مرکز تولید سوخت، منفجر شدند. توان نظامی و قابلیت آفند سایبر-الکترونیک، قدرت موشکی، پهبادی و پدافندی جمهوری اسلامی ایران و توانایی کشورمان در دفاع از خود از مؤلفه های مهم قدرت ایران، بود. هنگامی که ایران موفق شد با اقتدار، تعادل و موازنه را در میدان تغییر دهد، اسرائیل، مستاصل و زمین گیر شد و آمریکا برای کمک به اسرائیل وارد جنگ شد. پاسخ آمریکا با حمله ایران به پایگاه نظامی اش در قطر داده شد. در نهایت، بعد از ۱۲ روز جنگ، دشمن متجاوز، متحمل شکست شد و ملتسمانه و ذلیلانه، بدون رسیدن به اهداف اعلامی و با میانجی گری کشور قطر، درخواست آتش بس کرد و جمهوری اسلامی ایران، قدرتمندانه و عزتمندانه پذیرفت و آتش بس شکل گرفت. در این نوشتار، ضمن تعریف قدرت ملی و مؤلفه های آن و همچنین مرور اهداف و سیاست ها و اقدامات و دستاوردهای جنگی دو طرف، به بررسی برخی مؤلفه های اقتدار جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۱۲ روزه و راهبردهای ارتقای آن پرداخته می شود

* تجاوز اسرائیل به ایران و نقض قوانین بین المللی

تجاوز رژیم اسرائیل به ایران، نقض صریح بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد و اقدامی تجاوزکارانه بود. رژیم صهیونیستی، در ادامه سیاست های



تجاوزکارانه خود، مرتکب جنایات بسیاری شد و این بار مستقیماً مردم تهران و دیگر شهرهای ایران را هدف قرار داد. این اقدام نه صرفاً یک حمله نظامی، بلکه نقض بی سابقه خطوط قرمز امنیت ملی و کرامت ایرانیان بود. طی این حملات غیرقانونی، بیش از ۶۰۰۰ نفر از مردم بی گناه کشته یا مجروح شدند و به زیرساخت ها، مناطق مسکونی و تأسیسات هسته ای ما آسیب های فراوانی وارد شد، اما از همه بدتر، این تجاوز، ضربه مرگباری به دیپلماسی، حاکمیت قانون و رژیم عدم اشاعه (NPT) وارد ساخت. حملات آمریکا و رژیم اسرائیل به تأسیسات هسته ای ما، نقض فاحش معاهده عدم اشاعه (NPT) و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بود که این شورا در سال ۲۰۱۵ م. برنامه هسته ای ایران که کاملاً صلح آمیز و تحت شدیدترین نظارت های آژانس بین المللی انرژی اتمی بود را به اتفاق آرا تأیید کرده است؛ لذا آنچه رژیم اسرائیل و به دنبال آن، آمریکا مرتکب شدند، نقض بی سابقه صلح بین المللی بود. این واقعیت که یک کشور در حال توسعه و غیرهسته ای، هدف حمله دو رژیم مسلح به سلاح های هسته ای قرار گرفته و توسط دست کم دو قدرت هسته ای دیگر که عضو دائم شورای امنیت نیز هستند، حمایت شدند فاجعه بار و عمیقاً نگران کننده است

* سیاست ها و اهداف جنگی دشمن متجاوز

برجسته ترین و پیچیده ترین سیاست جنگی که



المللی به نفع خود است. کشورها، برای حفظ موجودیت و امنیت خود و نیز مقابله با تهدیدات خارجی ناگزیر هستند، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را جهت افزایش توان و قدرت ملی خود به کار گیرند. در مجموع، قدرت یک کشور از ترکیبی از این مؤلفه‌ها و توانایی در استفاده بهینه از آنها به دست می‌آید. برای مثال، یک کشور ممکن است از نظر نظامی، قوی باشد، اما از نظر اقتصادی و فرهنگی ضعیف عمل کند و یا برعکس. حافظ نیا مؤلفه‌های اقتدار و قدرت ملی را به این شرح بیان می‌نماید: «عوامل اقتصادی شامل: زیربنای تولید، ظرفیت و ارزش تولید، سطح تولید، مبادله تولید و ثروت و منابع مالی. عوامل جغرافیایی شامل: موقعیت، وسعت و فضا و بنیادهای زیستی، منابع طبیعی. عوامل سیاسی شامل: ثبات سیاسی، کارایی سازمان دولت، رهبری و مدیریت سیاسی، شکل دولت، امنیت داخلی، سطح بروکراسی، رابطه و سطح همبستگی ملت و حکومت، مشارکت سیاسی مردم. عوامل علمی و تکنولوژیک شامل: زیربنای علمی، سطح تکنولوژی، تولید علمی و صادرات علمی. عوامل اجتماعی شامل: جمعیت، درجه تجانس و وحدت ملی، رفاه اجتماعی. عوامل فرهنگی شامل: سطح فرهنگی و خصوصیت و روحیه ملی، ایدئولوژی و اعتقادات، ایمان و ایشار ملی، میراث فرهنگی و تاریخ و تمدن کشور. عوامل نظامی شامل: کمیت و کیفیت نیروی نظامی، تجهیزات، وسایل و تسلیحات، کیفیت فرماندهی (استراتژیک، تاکتیک، مهارت‌های رزم)، کیفیت سازمان، پشتیبانی و لجستیک، ترکیب نیرو، تسلیحات استراتژیک، نیروی‌های شبه نظامی، سهم بودجه نظامی در تولید ناخالص ملی، نسبت نیروهای نظامی به طول مرزها، نسبت بودجه دفاعی به طول مرزهای کشور. عوامل فرامرزی شامل: رقبا و شرکای متحد بین‌المللی، کفایت دیپلماسی، اتباع کشور در خارج از مرزها، حضور و نقش در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، وضع همسایگان، روابط فرهنگی و نفوذ فرهنگی، امنیت پیرامونی، پایگاه‌های فرامرزی نظامی، نفوذ رسانه‌ای و خبری و در منطقه و جهان، علایق و دل‌بستگی‌های ژئوپلیتیک. عوامل فضایی شامل: پایگاه‌های فضایی، ماهواره‌ها (مخابراتی، تجسسی، نظامی)، سفینه‌های فضایی و فناوری‌های فضایی (حافظ نیا، ۱۳۸۶). در ادامه این نوشتار، به بررسی برخی مؤلفه‌های اقتدار جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۱۲ روزه و

تاکنون مطرح شده و در راهبردهای اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران در این جنگ ۱۲ روزه نیز، به وضوح مشاهده می‌گردد، جنگ ترکیبی است. جنگ ترکیبی اسرائیل، علیه جمهوری اسلامی ایران، شامل؛ به کارگیری همزمان مجموعه‌ای از ابزارهای متعارف، نامنظم و نامتقارن در قالب جنگ نرم و سخت است. اسرائیل، به منظور مهار جمهوری اسلامی ایران، تلاش نموده تا با کمک آمریکا از یک سو با حضور در کشورهای اطراف ایران، حوزه منطقه‌ای ایران را ناامن و نامطمئن گرداند و از سوی دیگر با هم پیمانان ایران، در محور مقاومت به ویژه در بین ملت‌های منطقه، حلقه‌های ارتباطی منطقه‌ای ایران را قطع و دچار آسیب نماید. اقدام اسرائیل، صرفاً به یک حمله نظامی و سخت محدود نبود. این حمله، در سطح راهبردی، بخشی از پروژه چندلایه برای «فرسایش تاب‌آوری ملی» و «ایجاد گسست در اعتماد عمومی» بود. حملات سایبری، خرابکاری‌های داخلی، ایجاد رعب و وحشت روانی و سپس ضربات سخت، زنجیره‌ای که هدف نهایی‌اش نه میدان جنگ، بلکه ذهن و اراده مردم ایران بود.

هدف راهبردی اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه، تغییر نظام سیاسی و لیبی‌سازی، ایجاد خلأ قدرت، فرسایش توان موشکی، نابودی توان عملیاتی، توقف پروژه منطقه‌ای، انهدام مواد غنی‌سازی شده و نهایتاً تجزیه و فروپاشی ایران بود تا خود به تنها بازیگر بلامنازع منطقه، بدل شود. هیچ یک از این اهداف، محقق نشد. الحمدلله با حضور میدانی فرماندهی کل قوا و رشادت نیروهای نظامی، صبر، تاب‌آوری و هوشیاری مردم همیشه در صحنه، صد البته دشمن، به اهداف راهبردی از پیش تعیین شده خود نرسید و تنها توانست ضربات تاکتیکی محدودی به ایران مقتدر و متحد وارد نماید.

اقتدار ملی و مؤلفه‌های آن

اقتدار و قدرت ملی، عبارت است از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد. مؤلفه‌های اقتدار و قدرت ملی به عوامل و عناصری اشاره دارند که به کشور یا ملت، امکان می‌دهند در عرصه بین‌المللی تأثیرگذار باشد و به اهداف خود دست یابد. این مؤلفه‌ها می‌توانند به دو دسته کلی قدرت سخت و قدرت نرم تقسیم شوند. قدرت ملی، توانایی یک کشور در استفاده از منابع و امکانات جهت تأثیرگذاری بر رویدادهای بین



راهبردهای ارتقای آن می پردازیم

* نقش رهبر حکیم و فرزانه انقلاب و فرمانده کل قوا

با رهبری مدبرانه، آینده‌نگرانه و حکیمانه رهبر معظم انقلاب، در ساعات اولیه جنگ و با جایگزینی سریع فرماندهان جدید، جمهوری اسلامی ایران، ساختار تصمیم‌گیری خود را حفظ کرد و طرح‌ریزی اسرائیل به بن‌بست خورد. نیروهای مسلح کشور، سریع عکس‌العمل نشان دادند و صحنه میدان، بازآرایی شد و با شلیک انبوهی از موشک‌های بالستیک در کمتر از ۱۲ ساعت، نشان داده شد که ترور سرداران ارشد نظامی و دانشمندان هسته‌ای، نمی‌تواند ایران را دچار بحران فرماندهی و خلأ تصمیم‌گیری و رعب و وحشت کند؛ لذا ایران به رهبری فرمانده کل قوا در مدت زمان کوتاهی توانست معادله بازدارندگی را به لحاظ روانی و میدانی احیا کند.

ایشان در سه پیام تلویزیونی، در اثنای جنگ، با مردم ارتباط می‌گیرد و آنان را به وحدت، عشق به وطن و ریشه‌های معنوی هویت ملی و تمدنی فرا می‌خواند. پس از آتش بس نیز، ایشان با تأسی از آقا و سرور آزادگان جهان، حضرت ابا عبدالله الحسین، با حضور فیزیکی خود در مراسم شب عاشورا و در میان عزاداران حسینی و در حسینیّه امام خمینی (ره) با درخواست «ای ایران را بخوان»، نمایش نرم و بی‌واسطه از وحدت ملی و الهی، پیرامون وطن و دین را نهادینه‌سازی می‌کند. این، همان حکمت الهی رهبر ماست؛ وقتی همه منتظر اعلام موضع سخت‌اند، او با یک شعر، نوحه و سرود ملی، رمز، صحنه را آرام، اما معنادار بازآرایی و دشمن را مأیوس می‌کنند.

* قدرت نظامی و توان بازدارندگی

با وجود غافلگیری اولیه، ایران، به سرعت فرماندهی نظامی و عملیات‌های خود را بازسازی کرد. به نحوی که در مدت اندکی موفق شد، تقابل‌ها را به صورت برابر، پیش ببرد. هنگامی که ایران موفق شد، تعادل و موازنه را در میدان تغییر دهد، آمریکا وارد جنگ شد. حمله اسرائیل و آمریکا، ممکن است ایران را به این باور برساند که نظامی‌سازی از برنامه هسته‌ای، تنها راهبرد باقی‌مانده برای دفاع است. این موضوع، در صورتی صادق است که حمله به اهداف نظامی، وسیع‌تر یا ارکان رهبری سبب شود که ایران از آن، تهدید وجودی مراد کند. وقوع این سناریو، ایران را برآن خواهد داشت تا توانمندی‌های هسته‌ای خود را تا

حد تبدیل شدن به کشور هسته‌ای نهفته ارتقا دهد؛ به این معنا که در صورت مواجهه با یک تهدید موجودیتی، قادر است، زرادخانه هسته‌ای خود را به سرعت توسعه دهد

* دستاوردها و موفقیت‌های جنگ ۱۲ روزه

بزرگ‌ترین شکستی که رژیم صهیونیستی، در طول این جنگ با آن مواجه شد، فروپاشی افسانه سامانه‌های پدافندی آنها بود که طی سال‌های گذشته بزرگ‌نمایی زیادی در این خصوص صورت گرفته بود. با وجود حملات فشرده دشمن صهیونیستی، این رژیم، اما نتوانست ضربات قابل توجهی به تأسیسات هسته‌ای یا توان موشکی ایران وارد کند. در مقابل، ایران موفق شد موشک‌های خود را به دقت به سمت مراکز نظامی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در منطقه النقب، اشدود و مراکز تولید برق و رادارهای پدافند هوایی، شلیک کنند. این موشک‌ها از سامانه‌های پدافندی چند لایه عبور کرده و وارد فضای تل‌آویو شدند که اقدامی بی‌سابقه، به شمار می‌رفت. این موشک‌ها، به اهداف حساس رژیم صهیونیستی اصابت کردند. به دلیل عمق استراتژیک کم اسرائیل با حمله موشکی و پهنای ایران، کل منابع حیاتی و حساس آن به شدت آسیب دیده است. با این اقدام نظامی، خیل عظیم مردم اسرائیل شروع به مهاجرت معکوس کرده‌اند. با توجه به پایین بودن جمعیت، وسعت کم سرزمینی، اسرائیل، توان درگیری و جنگ طولانی‌مدت با ایران را نداشته و به همین دلیل اسرائیل، تن به شکست‌های سنگینی داد. این جنگ، مشروعیت سیاسی و امنیتی اسرائیل را تضعیف کرده و شکاف‌های داخلی و انتقادات یهودیان ضدصهیونیست را تشدید کرده است

* حمایت مردمی و انسجام ملی

با گزینه نظامی اسرائیل علیه ایران، انسجام هسته سخت جمعیت ۹۰ میلیونی مردم ایران در دفاع از کشور، شکل گرفت. ایران امروز، در سایه بحران تجاوز اسرائیل، نه تنها از درون فرو نپاشیده، بلکه انسجامی کم‌سابقه در چارچوب «ملی‌گرایی شیعی» یافته است. جوانان و نوجوانان کشور، هوشمندانه جلوی تعرض و ضربه دشمنان ایستادند. جمعیت بالای کشور، به عنوان منبع نیروی کار برای تولیدات داخلی و خودکفایی در بسیاری از حوزه‌ها به شمار می‌آید و به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران،



* نقش دستگاه دیپلماسی کشور

امروز مردم ایران، جامعه نخبگانی، طیف روشنفکری، سیاستمداران، گروه‌های مرجع و تأثیرگذار و هر آن که صاحب رسانه است، همه باید هوشیار باشیم، آن چه را که رژیم غاصب صهیونیستی در جنگ و تجاوز بزرگ و بسیار حساب شده در ذلت پذیری ایرانیان و تجزیه جغرافیایی و شکست هویتی، به دست نیاورد، در جنگ دیپلماسی به دست نیاورد. امروز هر گونه ضعف در دیپلماسی و دو صدایی در برابر رویکرد عزتمندانه و حکیمانه رهبری عزیز، بزرگترین خطای راهبردی به شمار می‌آید که بی شک سبب شکست ما در جنگ شناختی، رسانه‌ای و دیپلماسی خواهد شد. دیپلماسی، باید عزتمندانه، شرافتمندانه، عاقلانه و عالمانه و از موضع قدرت باشد. باید دیپلماسی با میدان و میدان با دیپلماسی، تحت رویکرد رهبری حکیم هماهنگ اقدام کنند

* قدرت منطقه‌ای ایران

ایران، هزاران موشک میان‌برد در اختیار دارد که می‌تواند به پایگاه‌های ایالات متحده که در سراسر منطقه پراکنده شده‌اند، از جمله سایت‌هایی در عراق و پایگاه هوایی العدید در قطر، برسند. اکنون، یک حمله می‌تواند چندین پایگاه را به طور همزمان هدف قرار دهد. ایران، می‌تواند در این حمله از نیروهای نیابتی و متحدان خود در عراق و یمن استفاده کند. این اقدام رهگیری موشک‌های ایرانی را برای اسرائیل، دشوار خواهد ساخت

چند دهه است که متحد اصلی منطقه‌ای ایران؛ یعنی حزب‌الله لبنان به عنوان عامل بازدارنده در برابر اسرائیل، عمل کرده است. با این وجود، در ماه‌های گذشته، این گروه و حماس در غزه، هدف حملات گسترده اسرائیل قرار گرفته‌اند. ایران، هنوز انصارالله را در یمن به عنوان متحد در کنار خود دارد. آن گروه مرتباً به سوی اسرائیل، موشک شلیک کردند. همچنین، ایران نیروهای هم پیمان را در عراق در اختیار دارد که پیش‌تر به پایگاه‌های اسرائیل و ایالات متحده در عراق و سوریه نیز حمله کرده‌اند.

* تحلیل وضعیت آتش بس

واقعیت آن است که هیچ کس نمی‌تواند در مورد آینده با قطعیت، سخن بگوید؛ بنابراین آنچه که در مورد آینده جنگ گفته می‌شود تنها تجسمی بر پایه فرضیه‌ها است و باید پذیرفت که از میان صدها فرضیه‌ای که هیچگاه به وقوع نمی‌پیوندد، برخی به احتمال بسیار زیاد درست از آب در می‌آیند!

محسوب می‌شود.

جامعه ایرانی، همواره در برابر تهدید، صبور، اما هوشیار بوده است. با این حال، با مشاهده شهادت فرزندان بی‌گناه، و تجربه ناامن شدن زیرساخت‌های کلیدی کشور، سطح مطالبات جامعه از «محافظت» به سمت «مقابله فعال و پاسخ بازدارنده» حرکت کرد. این تحول، تنها یک واکنش عاطفی نیست؛ بلکه نتیجه رشد آگاهی عمومی از الزامات بازدارندگی در جهان پراشوب کنونی است. افزایش سطح توقع مردم، برای واکنش قاطع، یک «فرصت طلایی» برای نظام تصمیم‌ساز است، نه تهدید. این اتحاد عاطفی، اگر به درستی مدیریت شود، می‌تواند به سرمایه‌ای راهبردی برای بازسازی بازدارندگی و تثبیت امنیت پایدار بدل گردد. در جهانی که منطق زور و تجاوز بر حقوق و قراردادهای سایه افکنده، تنها ملت‌هایی در امنیت می‌مانند که در عین آرامش، آماده پاسخ قاطع باشند.

پیشرفت و موفقیت ایران، در علم و فناوری در سطح جهان و تعداد بسیار زیاد اعضای هیأت علمی، دانش‌آموختگان و پژوهشگران و دانشجویان مؤید وجود نیروهای متخصص و متعهد است که برای آبادانی و پیشرفت کشور تلاش می‌کنند. تمدن چند هزار ساله ایران و درخشش ماندگار دانشمندان و فرماندهان نظامی این سرزمین و شهادت آنان، ما را به خودباوری و عزم ملی فرا می‌خواند. این مسیر سترگ، نیازمند اتحاد ملی، تحول راهبردی و محوریت علم، دانش و اقتدار دفاعی در همه ارکان کشور است

* ارزش‌ها و باورهای انقلابی و دینی ایرانیان

خداباوری، دینداری، شهادت طلبی و ارزش‌های اخلاقی، انسانی و تأکید بر آموزه مقاومت، توانست جمهوری اسلامی ایران را در مقابله با هجمه و حمله ۱۲ روزه نظامی اسرائیل و آمریکا پیروز نماید. در این مقطع زمانی باید با اتکا بر دانش، تجربه و ایمان و امید به وعده‌های الهی، از مسیر بازنگری و تحول بنیادین در رویکردها و مدیریت کشور، آینده‌ای متناسب با شأن ملت ایران رقم بزنیم. قوی شدن ایران، یعنی کشورمان در همه حوزه‌ها، به ویژه علم و فناوری و همچنین اقتدار نظامی و دفاعی، صاحب مرجعیت و اثرگذاری باشد؛ ایران باید بتواند از منافع ملی دفاع کند و در مسیر عدالت و پیشرفت، الهام‌بخش ملت‌ها و انسانیت باشد.



سیاسی، امنیتی، اقتصادی، نظامی و... استفاده کرد. با بهره‌گیری از تجربیات و دستاوردها و درس‌های آموخته جنگ ۱۲ روزه، راهبردهایی برای ارتقاء قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی، پیشنهاد می‌گردد که در صورت پیگیری به ارتقاء بازدارندگی ایران کمک خواهد کرد.

۱. بازسازی اقتصادی و روانی کشور با مشارکت مردم و نخبگان جهت ارتقاء وحدت ملی.
۲. ارتقاء توان آفندی نیروی هوایی و سامانه‌های پدافندی و افزایش آمادگی تهاجمی و دفاعی در برابر سناریوهای احتمالی.
۳. تقویت دیپلماسی عزتمند، فعال و الهام‌بخش در منطقه و سطح بین‌المللی برای جلوگیری از فشارهای سیاسی غرب.
۴. شناسایی نقاط ضعف و قوت ایران در میدان واقعی نبرد و سرمایه‌گذاری برای بهبود و تقویت آن.
۵. شناسایی ضعف نظامی رژیم صهیونیستی و فروپاشی منظومه بازدارندگی آن، تعلیق و وقفه بلندمدت در پروژه عادی‌سازی.
۶. توسعه روایت رسانه‌ای جهانی، توسط دستگاه دیپلماسی برای مشروعیت‌بخشی به مواضع ایران.
۷. افزایش تاب‌آوری اجتماعی در ایران، تقویت وفاق و انسجام ملی در شرایط جنگی و مقابله با این عملیات روانی پیچیده.
۸. حمایت همه‌جانبه و اثرگذار از اقتصاد دانش‌بنیان و تولید ملی مبتنی بر علم و فناوری.
۹. صیانت از فرهنگ اصیل ایرانی، اسلامی و ارتقای ایمان و هویت ملی.
۱۰. تقویت بنیه دفاعی و بازدارندگی مقتدرانه و هوشمندانه با محوریت فناوری‌های بومی.
۱۱. ارتقای اتحاد ملی، تحول راهبردی در مدیریت کشور با محوریت علم و دانش و اقتدار دفاعی.
۱۲. اجتناب از دوگانه‌سازی‌های کاذب و مخرب میان مردم و نخبگان جامعه.
۱۳. مشارکت، عضویت و فعالیت در نهادهای تجاری و اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی
۱۴. توجه به اقتصاد مقاومتی درون‌زا و رسیدن به اقتصادی پویا، در حال رشد و قابل رقابت برون‌گرا

هم اکنون نه می‌توانیم وقوع مجدد جنگ را قطعی و نه عدم وقوع آن را کاملاً منتفی بدانیم. در حال حاضر، تنها چیزی که می‌توان گفت این است که احتمال از سرگیری جنگ، حداقل در آینده نزدیک و کوتاه مدت به دلایلی زیاد نیست؛ اما احتمال نقض آتش بس، به طرق مختلف و غیر مستقیم وجود دارد. با توجه به سوابق رژیم صهیونی در نقض آتش‌بس‌ها، هر لحظه، امکان شعله‌ور شدن جنگ وجود دارد. ساده‌انگاری است که تصور کنیم رژیم جعلی و جنایتکار که همواره دنبال آشوب، ناامنی و بحران‌آفرینی در منطقه است، جنگ را در این نقطه به پایان برساند. با این حال، باید گفت که اتفاقی که رخ داد، جنگ آخر ایران و اسرائیل هم نیست. آتش‌بس فعلی رسمی نیست و بسیار شکننده است و هر آن، احتمال وقوع جنگ، وجود دارد. جنگ، ممکن است، به شکل درگیری‌های پراکنده، حملات سایبری، نیابتی و رسانه‌ای ادامه یابد. دستگاه دیپلماسی، باید میدان‌دار جهاد تبیین در عرصه بین‌المللی شده و ضمن تشکیل جبهه تقابل حقوقی علیه آمریکا و اسرائیل، ماهیت کنوانسیون‌های بین‌المللی را به جهانیان یادآوری و عواقب بی‌تفاوتی و بی‌عملگی‌شان را گوشزد نموده و با دست گرفتن روایت صحیح، مانع از پروپاگاندای رسانه‌ای آمریکا و اسرائیل شود.

با اینکه ادبیات تهاجمی از سمت دو طرف، تا حد زیادی کاهش یافته است، اما مواردی همچون قانون تعلیق آن پی تی از سوی ایران، بیانیه گروه ۷، بیانیه بریکس، صدور فتوای برخی مجتهدین و دیدار نتانیاهو با ترامپ، همچنان برای ایران نوعی هشدار تلقی می‌شود. آنچه در حال اتفاق افتادن است، آن است که طرفین به شدت، به ترمیم و تقویت سامانه‌های پدافندی (نه آفندی) متمرکز هستند؛ چرا که جنگ ۱۲ روزه، نشان داد هر دو بازیگر نه در آفند، بلکه در پدافند، دچار ضعف جدی هستند. عملیات سایبری، جنگ روانی و رسانه‌ای از سوی طرفین تداوم دارد، به واقع، هر دو طرف، بیشتر از توان تهاجمی سعی در تقویت توان دفاعی خود دارند.

* راهبردهایی برای ارتقاء قدرت بازدارندگی

در جنگ ترکیبی سخت و نرم اسرائیل علیه ایران، باید از تمام ظرفیت‌های موجود برای تحقق کامل بازدارندگی و تکمیل آن از طریق پیوسته‌های



تحقق وعده الهی در ۱۲ روز حماسه



حسین افخمی روحانی

دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان خراسان رضوی، هیأت علمی دانشگاه

عصر فناوری‌های نوین بود؛ جایی که خون غیرت جوانان دانشمند ایرانی در رگ‌های صنعت دفاعی کشور، بر شمشیر فولادین و فناوری وارداتی دشمن چیره گشت

پیروزی ایران در نبرد ۱۲ روزه، موفقیت تک‌بعدی و محدود به عرصه نظامی نبود، بلکه فتح‌الفتوح استراتژیک، سیاسی و بین‌المللی محسوب می‌شود. از منظر نظامی و راهبردی، برای اولین بار پس از تأسیس این رژیم جعلی، قدرت منطقه‌ای توانست به شکل مستقیم، متقارن و کوبنده، عمق راهبردی آن را هدف قرار دهد. دکترین «جنگ در خانه همسایه» که اسرائیل سال‌ها با آن امنیت خود را تأمین می‌کرد، برای همیشه باطل شد. ایران ثابت کرد که دوران بزن‌دررو گذشته است و هرگونه تجاوزی، با پاسخی ده‌چندان در قلب سرزمین‌های اشغالی مواجه خواهد شد. این تغییر موازنه، تمام معادلات امنیتی خاورمیانه را دگرگون کرد و جبهه مقاومت را در موقعیت برتری قرار داد. همچنین، از منظر سیاسی و بین‌المللی درماندگی و استیصال رژیم صهیونیستی در این ۱۲ روز، چهره واقعی آن را بیش از پیش برای جهانیان آشکار ساخت. تصاویر فرار شهرک‌نشینان به پناهگاه‌ها، هرج‌ومرج در فرودگاه‌ها و ناتوانی مقامات سیاسی در مدیریت بحران، هیمنه ساختگی این رژیم را در هم شکست. در عرصه بین‌المللی، بسیاری از کشورهایی که تا دیروز در سایه تهدید و تطمیع آمریکا، از این رژیم حمایت می‌کردند، در برابر این اقتدار نوظهور، به بازنگری در سیاست‌های خود واداشته شدند. انزوای سیاسی اسرائیل، عمیق‌تر شد و مشروعیت ادعاهای آن زیر سؤال رفت. این پیروزی، صدای مظلومیت ملت فلسطین (غزه عزیز) را رسانتر کرد و نشان داد که راه آزادی قدس شریف، از مسیر مقاومت فعال و مقتدرانه می‌گذرد

رمز پیروزی: تدبیر رهبری،

معجزه وحدت ملی

بی‌شک در قلب این حماسه بزرگ، دو عنصر کلیدی چون نگینی می‌درخشیدند. عنصر نخست؛ هدایت حکیمانه و الهی رهبر معظم انقلاب، وحدت و همدلی بی‌نظیر ملت ایران است. در لحظاتی که دشمن با جنگ روانی گسترده به دنبال ایجاد ترس و تفرقه بود، سکandar کشتی انقلاب بود که با آرامش، صلابت

تاریخ، آوردگاه تکرار سنت‌های الهی است؛ صحنه‌ای که در آن، جوهر حق در برابر کالبد باطل می‌ایستد و منطق اراده و ایمان، بر جبر آهن و آتش غلبه می‌کند. قرن‌ها پس از آنکه کاروان کوچک حسین بن علی (ع) در دشت کربلا، جاودانه‌ترین درس تاریخ بشر یعنی «پیروزی خون بر شمشیر» را به یادگار گذاشت، فرزندان همان مکتب در عصر جدیدی، تفسیر دیگری از این حقیقت لایزال ارائه کردند. دفاع مقدس ۱۲ روزه ملت ایران، در برابر تهاجم ناجوانمردانه رژیم غاصب صهیونیستی، نه یک درگیری نظامی صرف، که نقطه عطف تاریخی، حماسه عاشورایی و سرآغاز فصل نوینی در هندسه قدرت منطقه و جهان بود. این رویارویی کوتاه اما پرمعنا، بار دیگر ثابت کرد که قدرت حقیقی، نه در زرادخانه‌های انباشته از سلاح‌های مرگبار، که در قلب‌های مؤمن، اراده‌های مصمم و وحدت یکپارچه یک ملت، نهفته است

رژیم صهیونی، با تکیه بر حمایت بی‌چون‌وچرای استکبار جهانی و با غرور کاذبی که از هیمنه پوشالی رسانه‌ای و نظامی خود ساخته بود، تصور می‌کرد، می‌تواند با حملاتی برق‌آسا، اراده ملت ایران را در هم بشکند، اما آنچه در محاسبات مادی‌گرایانه آن‌ها نمی‌گنجید، روح عاشورایی حاکم بر این سرزمین بود. منطق کربلا به ما آموخته است که وقتی پای دفاع از حق، عزت و کیان در میان باشد، کمیت و تجهیزات مادی، رنگ می‌بازد. این همان منطقی بود که در طول ۱۲ روز نبرد، در هر موشک بالستیک نقطه‌زن، در هر پهنای انتحاری پیشرفته و در هر عملیات سایبری پیچیده تبلور یافت

دشمن که به سامانه‌های دفاعی چندلایه خود می‌بالید، در برابر امواج پیاپی و هوشمندانه پاسخ‌های ایران، فلج و مستأصل شد. گنبد آهنین، که سال‌ها نماد امنیت دروغین صهیونیست‌ها بود، به آبکشی بی‌خاصیت، بدل گشت و آسمان سرزمین‌های اشغالی، به صحنه نمایش اقتدار و دقت فناوری ایرانی تبدیل شد. این پیروزی نظامی، صرفاً انهدام اهداف استراتژیک دشمن نبود؛ بلکه فروپاشی دکترین امنیتی و اثبات این حقیقت بود که روحیه شهادت‌طلبی و ایمان، وقتی با علم و فناوری روز، در هم آمیخته شود، به نیروی شکست‌ناپذیر بدل می‌گردد. این همان «پیروزی خون بر شمشیر» در



انرژی و سیستم‌های بانکی، دیگر یک انتخاب نیست، بلکه ضرورت حیاتی برای امنیت ملی است. سرمایه‌گذاری در این حوزه، به اندازه ساخت موشک و پهپاد، اهمیت استراتژیک دارد و باید در اولویت برنامه‌های کشور قرار گیرد. در اهمیت فضای مجازی، رهبری آن را معادل کل انقلاب اسلامی تعریف می‌کنند؛ بنابراین به همین اندازه باید برای آن سرمایه‌گذاری کرد. * بازتعریف نقش اندیشه‌های حکمرانی استانی: درس دیگری که از شرایط پیش آمده باید گرفت، بازنگری و بازتعریف نقش‌ها و وظایف جدید برای مراکز فکری و اندیشه‌های حکمرانی کشور است. وظیفه این مراکز، دیگر صرفاً تحلیل‌های بلندمدت و نظریه‌پردازی و یا ارائه گزارش‌های سیاستی صرف نیست. این مراکز باید به بازوی مشورتی سریع و چابک برای دستگاه‌های تصمیم‌گیر تبدیل شوند. آن‌ها موظفند با رصد لحظه‌ای تحولات، تحلیل فوری داده‌ها، مقابله با جنگ شناختی و اطلاعات نادرست دشمن و ارائه راهکارهای عملی برای مدیریت ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، به یاری نظام حکمرانی بشتابند. * تجربه‌نگاری وقایع: مستندسازی علمی و راهبردی این حماسه، استخراج دقیق درس‌ها و عبرت‌ها، و تبدیل این تجربه به دانش مدون برای نسل‌های آینده از جمله موضوعاتی است که اندیشه‌ها می‌توانند به آن بپردازند. آن‌ها باید با تحلیل نظم نوین شکل گرفته پس از این پیروزی، سناریوهای آینده را طراحی کرده و راهبردهای کلان کشور را برای تثبیت و ارتقاء جایگاه ایران در هندسه جدید قدرت، تدوین نمایند.

کلام آخر: تداوم راه تا ظهور منجی

دفاع مقدس ۱۲ روزه، رویداد نبود؛ یک مسیر بود که آغاز شد. مسیری که در آن، زبونی و درماندگی رژیم منحوس صهیونیستی و حامیانش برای تمام دنیا، عیان گشت و ثابت شد که این خانه، از بن‌بست سست‌تر است. این حماسه، تجلی «وعده صادق» الهی و تأکیدی دوباره بر این حقیقت بود که آینده از آن مستضعفان و مؤمنان است. اکنون بر ماست که با حفظ وحدت، تقویت زیرساخت‌ها، هوشیاری در برابر توطئه‌های دشمن و حرکت مستمر در مسیر علم و ایمان تحت هدایت‌های رهبر فرزانه انقلاب، این پیروزی بزرگ را به گامی بلند برای تحقق تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تبدیل کنیم.

و تدبیر، مسیر را روشن ساخت. رهنمودهای دقیق ایشان، نیروهای مسلح را برای پاسخی قاطع و پشیمان‌کننده، بسیج کرد و به مردم اطمینان قلبی بخشید که این ملت، در مسیر سنت‌های الهی گام برمی‌دارد و نصرت نهایی از آن او است. نقش بی‌بدیل ولایت فقیه، به عنوان «عمود خیمه» نظام اسلامی، بار دیگر ثابت کرد که در کوران حوادث، وجود رهبری الهی و حکیم، ضامن عبور از سخت‌ترین گردنه‌ها است.

به فضل پروردگار، عنصر دیگر این پیروزی، با لبیک یکپارچه ملت شکل گرفت. مردم شجاع و با غیرت ایران از هر قومیت، مذهب و سلیقه سیاسی، حول محور منافع ملی و دفاع از عزت کشور، متحد شدند. فضای مجازی که دشمن، امید داشت به ابزاری برای تفرقه‌افکنی تبدیل شود، به صحنه حمایت پرشور از مدافعان وطن بدل گشت. این همدلی و انسجام ملی، بزرگترین سرمایه راهبردی ایران بود که دشمن را بیش از هر موشکی به وحشت انداخت. آن‌ها دیدند که در برابر ملتی متحد که رهبری الهی آن را هدایت می‌کند، هیچ سلاحی کارگر نیست.

درس‌های راهبردی:

پدافند عامل و نقش نوین اندیشه‌ها

این پیروزی بزرگ، در کنار تمام دستاوردهایش، درس‌ها و الزاماتی را نیز برای آینده کشور به همراه داشت که به اختصار به آن می‌پردازیم.

* حفظ وحدت و انسجام: اگر چه ایجاد وحدت و انسجام در این شرایط، سخت و دشوار بود که به لطف پروردگار و هدایت‌های حکیمانه رهبر انقلاب رقم خورد. اکنون وظیفه همه ما است که این وحدت کلمه را که رمز پیروزی بود، قدر بدانیم و برای تداوم و تعمیق آن در فردای پس از پیروزی نیز بکوشیم. باید هوشیار بود که دشمن زخم‌خورده، تمام توان خود را برای ایجاد شکاف در این صفوف به هم فشرده به کار خواهد گرفت. حماسه ۱۲ روزه، نشان داد که جنگ‌های آینده، ماهیت ترکیبی و چندلایه دارند. در کنار توانمندی‌های خیره‌کننده نظامی، باید زیرساخت‌های حیاتی کشور در برابر حملات احتمالی دشمن، به ویژه در حوزه پدافند غیر عامل، مصون‌سازی و تقویت شوند.

* تقویت پدافند عامل: حملات سایبری مذبوحانه دشمن برای اختلال در زیرساخت‌های کشور، هرچند با هوشیاری متخصصان دفع شد، اما زنگ خطری جدی را به صدا درآورد. تقویت زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و امنیت فضای تبادل (افتا)، ایمن‌سازی شبکه‌های برق، آب،

گزارش راهبردی برنامه همدلی و انسجام ملی

(امتداد جهاد با رژیم صهیونیستی در حوزه فرهنگی و اجتماعی)

حسین زمانی

عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری خراسان رضوی



پدري دارد. سیره و روش رهبر معظم انقلاب، در صیانت از مؤلفه‌های هویتی ایران اسلامی، موجب شکل‌گیری ارتباط عمیق و معنوی بین قاطبه مردم و ولی امر مسلمین، شده است. این عامل، موجب شد تا بعد از ضربه غافلگیرانه و مهلک رژیم صهیونیستی، ایشان همچون ستون استوار خمیه نظام، ضمن سازماندهی مجدد ارکان نیروهای مسلح، روحیه‌ای الهی و معنوی را در جان مردم عزیز ایران دمید و روح آرامش و ایمان را در ملت عزیز ایران تقویت نمود. این امر، موجب شد تا محاسبات دشمن صهیونیستی بر هم خورده و طرح کلی آنها شکست بخورد

۱-۲. وحدت و انسجام ملی

تجربه وحدت و انسجام ملی بعد از تجاوز رژیم صهیونیستی و تبلور آن در بین آحاد مردم ایران زمین در داخل و خارج کشور، هدیه بارز الهی به نظام مقدس جمهوری اسلامی است و همچون معجزه‌ای خدایی محاسبات و طراحی دشمنان ایران اسلامی را بر هم زد. این انسجام و همدلی، به نحوی شکل گرفت که موجب تعجب دوست و دشمن شد؛ لذا به عنوان یک عامل اساسی، بایستی مورد توجه قرار گرفته و مبتنی بر ظرفیت شکل‌گرفته، برنامه‌ریزی متناسب برای تثبیت، تقویت و توسعه آن انجام پذیرد. شاید اگر تمامی نهادهای فرهنگی جمهوری اسلامی بسیج می‌شدند، نمی‌توانستند چنین رشد و تحولی را ایجاد نمایند؛ به همین دلیل به جرأت می‌توان این تحول را معجزه و هدیه الهی نامید که به برکت خون شهدای عزیز و وجود نازنین رهبری انقلاب نصیب کشور شد

۲- ابعادی که باید به سرعت مورد بازنگری و بازسازی قرار گیرد.

بدون تردید، آنچه در سوریه گذشت، مطلوب ایران و جبهه مقاومت نبود، مگر مقاومت فقط یک مسیر و طرح دارد؟ پشتیبانی از جبهه مقاومت ده‌ها مسیر شناخته شده و صدها مسیر نامعلوم دارد. آیا پشتیبانی مقاومت از یمن که در محاصره کامل است، تا الان قطع شده است که پشتیبانی از لبنان، قطع شود؟



۱. درس‌های جنگ ۱۲ روزه با رژیم صهیونیستی

بالأخره در ۲۳ خرداد سال جاری، با تجاوز آشکار و سازماندهی شده رژیم صهیونیستی، نبرد رسمی بین جمهوری اسلامی و رژیم جعلی آغاز شد. این تجاوز، که با پشتیبانی ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو ناتو، صورت گرفت، بعد از ۱۲ روز با توافق شفاهی، منجر به آتش بس گردید، در حالی که جمهوری اسلامی از شوک حاصل از ضربه غافلگیرانه اول، خارج شده بود و ضربات تأثیر محور موشکی نیروهای مسلح، توانست رژیم صهیونیستی را تا آستانه شکست اجتماعی، پیش برد. این رویداد مهم، چهره جنگ تمام عیار، مبتنی بر به کارگیری منظومه‌ای از فناوری پسامدرن و سازماندهی همه جانبه را به نمایش گذاشت. به دنبال این حادثه، جمهوری اسلامی و منطقه وارد فاز دیگری شده است؛ لذا تمامی ظرفیت‌های ملی بایستی برای بازخوانی، درک، مدیریت فرایندهای تابعه آن به منظور تبدیل این تهدید به فرصت سازنده، فعال شوند. در این زمینه، به دو عامل اصلی اشاره می‌گردد که موجب تغییر سرنوشت جنگ و ناکام ماندن دشمن در دستیابی به اهدافش شد

۱-۱. نقش کلیدی ولی فقیه

در نظریه حکمرانی اسلامی، ولی فقیه، روح جاری در ارکان و ساختار حاکمیت است و برای آحاد جامعه نقش



امروز که بحران هویت و اصالت، کیمیا شده است، در فضای میدان جهاد و شهادت، امر دور از دسترسی نیست. زنده شدن فضای جهاد و شهادت در جامعه، فرصت کم نظیری برای تبدیل شدن جمهوری اسلامی به ابرقدرت نرم با احیای ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی اصیل ایران اسلامی، فراهم می‌کند در این میان، لازم است برنامه‌های زیر در دستور کار مردم و تمامی متولیان امور قرار گیرد

۳- برنامه انسجام و همدلی ملی

تجربه انسجام و همدلی ملی بعد از تجاوز رژیم صهیونیستی به جمهوری اسلامی ایران، همچون هدیه الهی و معجزه ربوبی، انقلاب اسلامی را از طرح خطرناک استکبار جهانی، نجات داد. علاوه بر این، در پرتو زنده شدن فضای مجاهدت برای دفاع از وطن و ارزش‌های انسانی و الهی، ملت عزیز، طراز والایی از فرهنگ اجتماعی را تجربه کرد؛ رشد و اعتلایی که در حالت عادی شاید با هزینه‌کرد میلیاردها دلار هم حاصل نشود؛ به همین دلیل نعمت بزرگی است که لازم است شکرگزا آن باشیم و در مسیر بهره‌گیری بهینه از آن، تلاش لازم و مناسب انجام پذیرد. در این راستا، لازم اقدامات زیر، برنامه‌ریزی و انجام شود

- برنامه انسجام و همدلی ملی، توسط همه مردم و به خصوص نخبگان، مؤسسات و تشکلهای فرهنگی و اجتماعی به رسمیت شناخته شود و به نحو مناسب، پیگیری شود

- سازماندهی مناسب، برای اجرای برنامه مزبور در لایه‌های مختلف انجام پذیرد و فازهای اجرایی آن با دید راهبردی ترسیم و عملیاتی شود

- بعد از برنامه تثبیت طراز فعلی انسجام و همدلی ملی، در گام بعدی، نقشه راه تعمیق انسجام و همدلی ملی به عنوان یک برنامه ملی طراحی و پیگیری شود

- در ادامه این فرایند ملی، لازم است طرح توسعه وحدت و همگرایی بین ملت عزیز ایران و امت اسلامی و سایر ملل آزادی‌خواه تدوین و به نحو مناسب پیگیری شود

وقت آن است که در پرتو زنده شدن فضای جهاد و شهادت، فرصت رها شدن از غفلت‌ها و روزمرگی‌ها را مغتنم شمرد. همه آحاد کشور، تبدیل به سربازان جبهه نبرد نرم و سخت شوند تا با حضور تک تک آحاد ملت و با سازماندهی تمامی ظرفیت موجود و فعال در زیر چتر نظام مقدس جمهوری اسلامی و با قدردانی از فصل مشترک‌های هویتی یک جبهه عمومی و گسترده، در تمامی عرصه‌های تخصصی و لایه‌های سخت و نرم ایجاد شود و حرکت به سمت شکل‌گیری امت اسلامی و ایجاد تمدن نوین اسلامی شتاب گیرد. سه مرحله اصلی، در این راستا به شرح زیر عنوان شده‌اند و برای هر مرحله هم اقداماتی به

۲-۱. بازسازی بنیه و ساختار امنیتی کشور

بزرگترین صدمه در تجاوز رژیم صهیونیستی بر کشور، در حوزه امنیتی و اطلاعاتی وارد شد. این حجم برنامه ریزی، سازماندهی نیروهای نفوذی و خودفروخته، انتقال تجهیزات یا تولید آنها در داخل، شناسایی شخصیت‌ها و موقعیت‌های حساس و اجرای دقیق و برنامه‌ریزی شده عملیات، نتیجه جولان و آزادی عمل نهادهای امنیتی رژیم صهیونیستی در فضای امنیتی کشور بود که موجب خسارات جبران ناپذیری شده است. بعد از پایان این بحران، نهادها و ارکان مسئول در این زمینه، بایستی ضمن بررسی‌های دقیق و به دور از سهل انگاری، اقدام به بازسازی بنیه و ساختار امنیتی کشور نموده و از صدمات وارده شده به پیکره نظام اسلامی، عبرت‌های لازم را دریافت و جبران نمایند

۲-۲. بنیه و ساختار نظامی

ساختار نظامی، امکانات و راهبرد دفاعی کشور در حوزه نظامی نیز، بایستی متأثر از این رویداد، متحول گردد. به دلیل اینکه ستاد مشترک نیروهای مسلح و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، در این زمینه به صورت تخصصی موضوع را پیگیری خواهند کرد، به ذکر همین نکته و رویکرد اساسی اکتفا می‌شود. طبعاً انتظار می‌رود نهادهای مسئول در حاکمیت، مانند شورای عالی امنیت ملی و مجلس شورای اسلامی در این زمینه، نقش خود را به خوبی ایفا نمایند

۲-۳. بنیه و ساختار اقتصادی

جمهوری اسلامی، از ظرفیت‌های فوق العاده اقتصادی برخوردار است؛ وسعت سرزمینی، جمعیت زیاد، منابع انسانی، طبیعی و ایمانی خدادادی فراتر از متوسط جهانی فرصت‌های طلایی برای شکوفایی اقتصادی کشور پیش روی قرار داده است. همچنین، به دلیل قرار گیری کشور در منطقه حساس جنوب غرب آسیا، می‌تواند نقش کلیدی در اقتصاد کریدورها ایفا نماید. استقلال و اقتدار سیاسی و نظامی نیز، می‌تواند پشتوانه خوبی برای ظرفیت‌های ذکر شده باشد. به این دلیل، لازم است متناسب با سرفصل جدیدی که کشور در تقابل آشکار با قدرت‌های استکباری وارد آن شده است، راهبرد اقتصادی کشور بازطراحی شود تا مبتنی بر اصول اقتصاد مقاومتی و همچنین با بهره‌گیری از روحیه جهادی متبلور شده در فضای جهاد با استکبار جهانی به سمت افق‌های روشن شکوفایی اقتصادی سرزمینی قدم بردارد

۲-۴. بنیه و ساختار اجتماعی و فرهنگی

جمهوری اسلامی، ریشه تمدنی و چند هزار ساله دارد، این کشور اصیل و ریشه دار، در صورتی که ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی خودش را احیاء کند، تبدیل به ابرقدرت برخوردار از فرهنگ و تمدن ممتاز خواهد شد. دست یابی به منزلت یک ابرقدرت نرم در دنیای



صورت نمونه پیشنهاد شده است، طبعاً تمامی تشکلهای فرهنگی و اجتماعی، اندیشکدهها و مؤسسات دولتی و غیردولتی، بایستی به شتاب دهندههای این جریان تبدیل شوند

۳-۱. مرحله اول؛ تثبیت انسجام و همدلی ملی

در این زمینه، لازم است با استفاده از ظرفیت تمامی اتحاد جامعه، تشکلهای و مؤسسات دولتی و غیر دولتی، اجزای این برنامه شناسایی، طراحی و در مسیر اجرا قرار گیرند. برخی از اقدامات اولیه برای اجرا به شرح زیر است

-برگزاری رویدادها و فراخوانهای محلی، منطقه‌ای و ملی، عمومی و تخصصی برای ایده پردازی، مفهوم پردازی، تولید محتوا، تجربه نگاری و انتشار تجربیات و خاطرات در راستای مضامین مرتبط با هشتک **#ایران#همدل**، **#انسجام#ملی**، **#وحدت#ملی**، **#قدرت#ملی**، **#اقتدار#درونی** و ...
-تقویت خط تبلیغی و آموزشی اجزاء و مؤلفه‌های مرتبط با انسجام و همدلی ملی در تمامی رسانه‌ها، خصوصی، دولتی، تخصصی و عمومی
-تقدیر، تشکر و الگوسازی از همه الگوهای فرهنگی و اجتماعی، هنرمندان، ورزشکاران و نخبگانی که در موقع مناسب به میدان آمدند و با موضع گیری خود به تقویت جریان وحدت و همدلی ملی کمک کردند
تداوم روند بایستی به برنامه روشن‌تر و تقسیم کار ملی منتهی شود که جریانی از فعالیت‌ها و اقدامات پشتیبانی و پیگیری جریان زنده و رو به رشد به تدریج تثبیت و بالنده‌تر خواهد شد

۳-۲. مرحله دوم؛ تعمیق وحدت و همدلی ملی

فاز تکمیلی برنامه انسجام و همدلی ملی، را می‌توان در راستای تعمیق آثار و نتایج این روحیه فرهنگی در لایه‌های عمیق‌تر فرهنگ عمومی، بسط آن در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و تبدیل کردن آن به یک ارزش پایدار و با تاب‌آوری مطلوب ترسیم نمود. در این زمینه پیشنهادات زیر ارائه می‌شوند
-محتواسازی تخصصی و محققانه در زمینه‌های مرتبط با انسجام و همدلی ملی توسط مراکز آموزشی و پژوهشی و تداوم آن تا تبدیل شدن ایده‌ها و نظریات جدید به محصولات، نمادها و صنایع فرهنگی و ... تا نهادینه شدن آنها در جامعه

-تعیین مراکز آموزشی، پژوهشی و فرهنگی معین در زمینه وحدت و انسجام ملی و پشتیبانی از بازتولید لوازم آن
-بازنگری در سیاست‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه در راستای انسجام و وحدت ملی.
-بازنگری در قوانین حاکم بر اداره جامعه مبتنی بر تعمیق انسجام و همدلی ملی.
با توجه به نقش کلیدی هویت‌های فرهنگی و اجتماعی در قدرت نرم در صورت تداوم موفقیت‌آمیز این برنامه، ایران اسلامی تبدیل به قدرت برتر، مبتنی بر اقتدار و مزیت‌های درون‌زا خواهد شد و سطح تعیین کنندگی در امور بین‌المللی به شدت ارتقا خواهد یافت

۳-۳. مرحله سوم؛ توسعه وحدت به همگرایی اسلامی و ملل آزاده

در جریان تهاجم رژیم صهیونیستی که نزدیک دو هفته به طول انجامید، شاهد شکل گیری رویدادها و تجمعاتی با موضوع حمایت از استقامت و اقتدار نظام جمهوری اسلامی در نقاط مختلف بودیم، در صورت تداوم این استقامت و نقش‌آفرینی سازنده و اثرگذار نظام جمهوری اسلامی ایران در عرص مبارزه معنادار با استکبار جهانی به خصوص رژیم صهیونیستی، شاهد خواهیم هم‌آوایی و همراهی آزادی‌خواهان در کشورهای مختلف به خصوص مسلمانان خواهیم بود

این پدیده‌های معنادار، می‌تواند شکل‌دهنده، یک فرصت برای گسترش موج آزادی خواهی، دفاع از مظلومین عالم، مبارزه با انحصار طلبی رژیم صهیونیستی و ... گردد؛ لذا بایستی در جهت شکل‌گیری و تقویت این جریان جهانی، برنامه‌ریزی مناسب انجام شود و این جریان به عنوان مرحله سوم برنامه انسجام و همدلی پیشنهاد می‌گردد

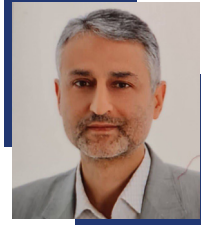
طبعاً نقش‌آفرینی در فضای بین‌المللی الزامات خاص خودش را دارد، لازم است، برنامه‌ها، اقدامات و فعالیت‌ها با کیفیت و رویکرد اثرگذار بر فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف، بازتولید شوند، اما آنچه قابل تأمل است، گشوده شدن پنجره روشنی برای حرکت به سمت شکل‌گیری امت اسلامی و آزادگان عالم، بر پایه فرصت ایجاد شده از تهاجم رژیم صهیونیستی به ام‌القرای جهان اسلام و پناه گاه مستضعفان دنیا است.

ان تنصرو الله ینصرکم و ینتھب اقدامکم



برداشتی از آیات نورانی قرآن

پیرامون مقابله یهود با اسلام



ابوالفضل خواجهی راد

عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی

و قانونگذاری استان خراسان رضوی،

هیأت علمی دانشگاه

يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ - هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (سوره توبه، ۳۲ و ۳۳)

(می خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند، ولی خداوند نمی گذارد، تا نور خود را کامل کند، هر چند کافران را خوش نیاید- و کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.)

آئین تحریف شده یهود، در طول تاریخ در مسیری قرار گرفته است که اسلام و تسلیم در برابر حق و الله، که محور و اساس در ادیان ابراهیمی است، جای خودش را به تعصبات جاهلانه و قومیت متکبرانه و برتری جویانه داده است. اصرار قوم یهود، بر مقابله با انبیاء و اولیاء برگزیده خداوند و ایجاد انحراف در طریق توحید و صراط مستقیم اسلام و سعادت انسان، این قوم را آنقدر شاخص کرده که قرآن حکیم در آیات متعددی به بیان ویژگی های عبرت آموز آنها پرداخته است. در این راستا، بر اساس برداشت ناقص این حقیر، مختصری از بیان آیات نورانی قرآن پیرامون برخی از خصایص قوم یهود و نحوه مواجهه مؤمنین با این قوم، در ذیل تقدیم می شود

اول: آیه ۱۳ سوره مائده:

بِمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ .

(پس به [سزای] پیمان شکستنشان لعنتشان کردیم و دلهایشان را سخت گردانیدیم. [به طوری که] کلمات را از مواضع خود تحریف می کنند، و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند. و تو

همواره بر خیانتی از آنان آگاه می شوی، مگر [شماری] اندک از ایشان [که خیانتکار نیستند]. پس، از آنان در گذر و چشم پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می دارد.)

در این آیه شریفه قرآن به نقض عهد، به عنوان ویژگی مهم قوم یهود، اشاره کند که سبب دوری ایشان از رحمت الهی و سخت شدن قلوبشان شده، که به دنبال آن تحریف حقایق و واژگون نمودن تعالیم خداوند حکیم و به فراموشی سپردن دستورات الهی از رفتارهای مستمر قوم یهود بیان می شود. این گونه است که پیوسته خیانت های یهود رقم می خورد و به جز تعداد اندکی از ایشان، قوم یهود خائن به توحید و اسلام و حقیقت و سعادت انسان ها معرفی می شود.

دوم: آیه ۲۱ سوره آل عمران:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ.

(کسانی که به آیات خدا کفر می ورزند، و پیامبران را بناحق می کشند، و دادگستران را به قتل می رسانند، آنان را از عذابی دردناک خبر ده.)

کشتن فرستادگان الهی و اهل قسط و عدل از ویژگی های کافران به اسلام و آیات الهی است. این ویژگی در قوم یهود به صورت شاخص و پررنگ و مستمر قابل ذکر است. چنانچه در تفاسیر از بیان رسول خاتم حضرت محمد (ص) آمده است که بنی اسرائیل ۴۳ پیامبر را بامداد و در عرض یک ساعت کشتند و این عمل ناشایست و خائنانه در ادامه همان دوری این قوم از رحمت الهی و قسوت قلوب و خیانت ادامه دار اکثر این قوم با حق و حقیقت و حق طلبان است.

سوم: آیه ۱۱۲ سوره آل عمران:

ضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ أَيَّنَ مَا تَقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِّنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الْمُسْكَنَةَ ذَلِكَ بَأْتَهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ.

(هر کجا یافته شوند، به خواری دچار شده اند -مگر آنکه به پناه امان خدا و زینهار مردم آروند- و به خشمی از خدا گرفتار آمدند، و [مهر] بینوایی بر آنان زده شد. این بدان سبب بود که به آیات خدا کفر می ورزیدند و پیامبران را بناحق می کشتند. [و نیز] این [عقوبت] به سزای آن بود که نافرمانی کردند و از اندازه درمی گذرانیدند.)

این آیه شریفه به اثر قطعی عصیان در برابر حق،



دشمنان اسلام و یهود موضوعی جدی است که نباید آن را ساده گرفت، بلکه حرکتی دنباله دار است که در طول تاریخ با برنامه‌ها و روش‌های متنوع در جوامع اسلامی و در بین مسلمانان ادامه دارد.

ششم: آیه ۱۰۵ سوره بقره:

مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.

(نه کسانی که از اهل کتاب کافر شده‌اند، و نه مشرکان [هیچ کدام] دوست نمی‌دارند خیری از جانب پروردگارتان بر شما فرود آید، با آنکه خدا هر که را خواهد به رحمت خود اختصاص دهد و خدا دارای فروز بخششی عظیم است.)

کینه و عداوت کفار و اهل کتاب (خاصه قوم یهود) با هر گونه رشد و پیشرفت و خیر در جامعه اسلامی در این بیان نورانی قرآن حکیم اشاره شده است. ساده‌اندیشانه است که مسلمین پیشرفت و قدرت را از جوامع غیراسلامی و بیرون از خود طلب نمایند، بلکه هرگونه اقتدار و رشدی بخواهد اتفاق بیفتد باید، در داخل جامعه اسلامی باشد، البته این موضوع اساسی و مهم در طول تاریخ نیز، روشن است که در هر جا و موضوعی که جوامع اسلامی پیشرفت و قدرتی یافته‌اند، منشاء آن تلاش، همت و برنامه ریزی خود مسلمانان و از درون جامعه اسلامی بوده است.

هفتم: آیه ۵ سوره جمعه:

مَثَلُ الَّذِينَ خُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.

(مثل کسانی که [عمل به] تورات بر آنان بار شد [و بدان مکلف گردیدند] آنگاه آن را به کار نبستند، همچون مثل خری است که کتابهایی را بر پشت می‌کشد، [و] چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند. و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید.)

در این آیه شریفه قرآن اکثر قوم یهود به چهارپایانی شبیه می‌شوند که فقط بار حمل کتاب آسمانی تورات را تحمل می‌کنند. ایشان، به جای تبعیت از آیات خداوند حکیم در برابر آن ظالمانه می‌ایستند و آن را تکذیب می‌کنند. لذا عناد، سرکشی و ظلم مستمر این قوم در برابر وحی و دستورات الهی و دوری از مسیر هدایت و حقیقت در این بیان قرآن کریم، به روشنی اشاره شده است.

اسلام و خارج شدن از حدود الهی و کافر شدن به آیات رحمانی، (که همان گرفتار خشم و غضب خداوند عزیز و قهار شدن و جامه ذلت و خواری و بیچارگی بر تن کردن است)، اشاره می‌فرماید. این ویژگی نیز از خصلت‌های معاندان یهود است که در زمان‌ها و شرایط مختلف، خذلان و دنائت طغیان در برابر رسولان و برگزیدگان خداوند گریبانگیر آنها است.

چهارم: آیه ۱۲۰ سوره بقره:

وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَلَئِنَّ آتِّبَعْتُ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ.

(و هرگز یهودیان و ترسایان از تو راضی نمی‌شوند، مگر آنکه از کیش آنان پیروی کنی. بگو: «در حقیقت، تنها هدایت خداست که هدایت [واقعی] است.» و چنانچه پس از آن علمی که تو را حاصل شد، باز از هوسهای آنان پیروی کنی، در برابر خدا سرور و یآوری نخواهی داشت.)

پیام رسا و مهمی که این آیه نورانی، بیان می‌فرماید تأکید بر دلخوشی و تکیه به هدایت الهی و دوری از ورود به مسیر رضایت و خوشامدی یهود و نصاری است. باید اهل ایمان آگاه باشند که یهود و نصاری تنها در یک صورت از آنها راضی و خشنود می‌شوند و آن پیروی و تبعیت از آنها است که در این صورت، دور شدن از طریق هدایت و ولایت و یاری خداوند بزرگ و عزیز را به همراه خواهد داشت.

پنجم: آیه ۱۰۹ سوره بقره

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتَصُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(بسیاری از اهل کتاب -پس از اینکه حق برایشان آشکار شد- از روی حسدی که در وجودشان بود، آرزو می‌کردند که شما را، بعد از ایمانتان، کافر گردانند. پس عفو کنید و درگذرید، تا خدا فرمان خویش را بیاورد، که خدا بر هر کاری تواناست.)

این آیه شریفه، حکایت از تلاش وقفه ناپذیر اکثر اهل کتاب و یهود برای گمراهی مومنین و بازگشت آنها به کفر دارد. منشاء این رفتار آگاهانه و هدفمند قوم یهود، حسادت ایشان نسبت به گسترش و قدرت یافتن اسلام است. لذا تهاجم فرهنگی و جنگ نرم



هشتم: آیه ۶۴ سوره مائده:

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا ۖ وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۚ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ.

(و یهود گفتند: «دست خدا بسته است.» دستهای خودشان بسته باد. و به [سزای] آنچه گفتند، از رحمت خدا دور شوند. بلکه هر دو دست او گشاده است، هر گونه بخواهد می‌بخشد. و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو فرود آمده، بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود، و تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکنیم. هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند، خدا آن را خاموش ساخت و در زمین برای فساد می‌کوشند. و خدا مفسدان را دوست نمی‌دارد.) نکات مهمی، در این آیه نورانی از قرآن حکیم اشاره شده است. یهود به جای دنباله روی از دستورات خداوند، حقیقت را اسیر و مغلوب خودخواهی و مطامع خودشان می‌خواهند و هرجا آیات الهی با خواسته ایشان هامنک نباشد، در برابر آن طغیان می‌کنند؛ لذا آیات الهی به جای نرم کردن قلوب ایشان و هدایت آنها سبب سرکشی و ظلم بیشتر آنها می‌شود. از طرف دیگر، این ویژگی خطرناک قوم یهود، به سبب دور شدن آنان از حق و هدایت خداوند علت پراکندگی و تشطط ایشان است. به عبارت دیگر، وحدت و همدلی با محوریت حق امکان پذیر است و گر نه ظاهر زیبایی را به نمایش می‌گذارد که درونش انباشته از آتش، کینه و خودخواهی است. همچنین، این قوم ظالم و خودخواه هرگاه آتش جنگ شعله ور کنند و جنگ افروزی را دامن زنند، به وسیله دست قدرت الهی خاموش می‌شود و محکوم به شکست است

بعلاوه یهود، برای رسیدن به اهداف نادرستش پیوسته در زمین، به دنبال فساد و تباهی است، اما این رفتار و اراده باطل ایشان با سنت الهی در تضاد است و خداوند حکیم و عزیز آن را دوست ندارد و همراهی نمی‌کند. تأمل در این آیه نورانی قرآن برای شناخت عمیق تر رفتار قوم یهود در بستر تاریخ و زمان های مختلف اهمیت زیادی دارد

نهم: آیه ۷۸ سوره مائده:

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ.

(از میان فرزندان اسرائیل، آنان که کفر ورزیدند، به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند. این [کیفر] به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و از فرمان خدا تجاوز می‌کردند.)

طغیان و تجاوز از دستورات و حدود الهی به وسیله سرکشان و کفار بنی اسرائیل، سبب لعن و نفرین آنها از زبان انبیاء الهی است که در آیه شریفه بیان می‌شود. این بیان نورانی قرآن شریف، روشن می‌فرماید که عداوت و دشمنی بنی اسرائیل و قوم یهود، در طول تاریخ با حق و حقیقت پیوسته ادامه داشته و دارد و محدود به یک دوره یا یکی از رسولان خداوند نیست

دهم: آیه ۸۲ سوره مائده:

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيَسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ.

(مسلمانا یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده‌اند، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت؛ و قطعاً کسانی را که گفتند: «ما نصرانی هستیم»، نزدیکترین مردم در دوستی با مؤمنان خواهی یافت، زیرا برخی از آنان دانشمندان و رهبانانی‌اند که تکبر نمی‌ورزند.)

در ادامه آیات قبل که خصایص قوم یهود را بیان می‌کند، این آیه شریفه قرآن قوم یهود و مشرکین را به دلیل روحیه خودخواهانه و برتری جویانه، دشمن ترین افراد در برابر اهل ایمان معرفی می‌کند. مواردی که بیان شد، بیان مختصری از خصائص قوم یهود است که در تحلیل شخصیت فکری و رفتاری این قوم لجوج و سرکش در طول تاریخ و زمان‌های مختلف، باید مدنظر قرار گیرد. در غیر اینصورت، ارزیابی و تحلیل ما در نحوه مواجهه با ایشان به خطا رفته و ما را دچار آسیب خواهد کرد. جنایات وحشیانه و نسل کشی آشکار و زیر پا گذاشتن تمامی اصول انسانی و اخلاقی و قوانین بین المللی به وسیله رژیم غاصب و خونریز صهیونیستی اسرائیل و حامیان مستکبرش نشانه های آشکاری است از طغیان، سرکشی، ظلم، جنگ افروزی، بدعهدی و پیمان شکنی قوم یهود و کفار که در آیات نورانی قرآن حکیم مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است.



جنگ تمدن غرب و جهان اسلام

داود حسنی

دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان

زنجان، هیأت علمی دانشگاه



در گستره تاریخ، جنگ‌ها، همواره صحنه خودشناسی و اراده ملت‌ها بوده است و ملت بزرگ ایران نیز، از این قائله مستثنی نبوده است. در گوشه گوشه آن به تصویر کشیدن نقش‌های «به غایت ستودنی» ملتی است که «ایثار» و «گذشت» و «فداکاری» و «همراهی و همیاری» و «عزت» و «غیرت» اش در میانه میدان نبرد و معرکه بحران‌ها، نقل محافل و زبانزد عام و خاص است

در بیش از ۴۵ سال گذشته انقلاب، برخی صفحات حضور مردم، در انقلاب اسلامی ایران را باید هزاران بار ورق زد، خواند و مرور کرد. از صحنه‌های تلخ آنچه می‌بایست مایه «عبرت و درس و پند» باشد تا صحنه‌های شیرین نبرد و مبارزه و از تلاش فرزندان این سرزمین مقدس گرفته تا پیروزی و فتحی که ثمره شیرین ایستادگی‌ها و استقامت‌ها است. رژیم صهیونی نماد، نماینده و پایگاه تمدن پر از اشتباه، گستاخ و متجاوز غرب در «قلب زخم خورده جهان اسلام» است که هیچ قید و شرطی و مانعی جز قدرت و صلابت را بر نمی‌تابد. جنگ با رژیم صهیونی در تمام طول تاریخ تا به امروز که از پشتیبانی بی قید و شرط جهان استکبار، بهره‌مند بوده و جنایات بی‌شماری را رقم زده است، جنگ دو دولت و ملت نبوده و نیست، بلکه جنگ دو سوی نبرد تمدنی غیر قابل اجتناب است! تمدنی که بقایش به جنگ و قتل و کشتار، گره خورده است و تمدنی که داعیه‌دار صلح، عزت و آزادی در جهان امروز است

ایران و جمهوری اسلامی در نبرد امروزی تمدنی، نماد شرافت و مایه افتخار تمدن و جهان اسلامی است. نبرد بی چون و چرای دوسوی تمدنی است و آغاز مرحله نوینی در تاریخ تمدن‌ها است

پهنه تاریخ جنگ تجاوز کارانه ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران و دفاع مقدس، مشروع و جانانه ملت ایران، صفحه‌هایی را در پیش چشم جهانیان گشود که اتفاقاتی درخشان و جاویدان است و گذر زمان و حافظه بشریت، هیچکدام را یارای فراموشی آن نیست. حماسه‌های عاشورایی در دفاع از قاموس اعتقادی «ام القرای جهان اسلام» را هیچ قلم، ذهن و رخداد دیگری نمی‌تواند کمرنگ سازد

جنگ تحمیلی اسرائیل و پدرخوانده‌هایش علیه

قرآن کریم که راهنمای جامع هدایت و سعادت در تمامی ابعاد فردی و اجتماعی و نیز اعتقادی، اخلاقی و عملی است، همان گونه که به بیان خصایص قوم یهود پرداخته است، نحوه مواجهه و مقابله با آنها را نیز روشن ساخته است.

در این راستا، همان گونه که در ابتدای نوشتار در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره توبه، بیان شده است، کلام وحی، در این آیات شریفه بر اراده الهی در تحقق وعده الهی و پیروزی حق بر باطل، علیرغم تلاش مستمری که کفار و یهود در به حاشیه راندن و تحریف کلام و دین خداوند و حقیقت اسلام دارند، تأکید و تصریح دارد؛ لذا مؤمنین باید با تکیه به وعده و نصرت الهی در یاری دین خداوند و تحقق دستورات الهی کوتاهی نکنند و همت و تلاش خود را در مسیر ظهور منجی و پیروزی کامل دین حق بر تمامی عوامل تاریکی و جهل و ظلم و بی عدالتی قرار دهند.

همچنین آیه ۱۳۹ سوره آل عمران می‌فرماید:

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (و اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین مشوید، که شما برترید).

طبق بیان این آیه شریفه قرآن روشن است که اعتلا و پیشرفت و نجات جامعه اسلامی و مؤمنین در گرو تقویت ایمان و یقین به وعده‌های الهی و خودباوری دینی و حفظ استقلال است و هر گونه اهمال، سستی، غم و اندوه در مسیر پیشرفت و استقلال جامعه اسلامی یا اطمینان و تکیه به مستکبران، اهل کفر و شرک و نفاق با اندیشه و نگاه عمیق و جامع قرآنی هماهنگ نیست، بلکه سبب آسیب، ضعف و انحطاط در بین امت و جوامع اسلامی است.

البته بهره مندی از پیشرفت‌ها و دستاوردهای علمی و فن آورانه جوامع مختلف علمی و انسانی و ارتباط فعال عزت مدارانه، عادلانه و مبتنی بر حفظ کرامت و استقلال با دیگر کشورها نه تنها با تعالیم قرآنی و دینی مخالف نیست، بلکه باب مهم دیگری از آموزه های حکیمانه قرآن و مکتب اسلام است که در جای خود باید از آن آموخت و عمل کرد. در واقع قرآن حکیم و مکتب اسلام راستین تمام مؤلفه های سعادت، رشد و هدایت را در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی با نظمی ساختارمند و تحسین برانگیز در کنار هم قرار می دهد که به هر اندازه انسان ها و جوامع بشری بتوانند از این منظومه معرفتی و عملی بهره مند شوند، شیرینی آرامش حقیقی و سعادت ابدی را بیشتر خواهند چشید. (ان شاء الله)

ملت بزرگ ایران و جبهه تمدنی آزادی خواهان جهان، یکی از بی نظیرترین رویارویی های جهان و با نبردهای دیگر متفاوت است و به خواست خداوند متعال، مقدمه آزادی قدس شریف خواهد بود. رو نمائی از ابرقدرت موشکی ایران، صیانت از عرصه های علم و فناوری، عبور از دیپلماسی عجز و لایه به دیپلماسی قدرت، تلاش برای بازدارندگی ترکیبی در جنگ ترکیبی از صحنه های مکشوف این آزمون بزرگ است که می بایست به فرصت های خدمتگذاری بی منت به ملت بزرگ ایران تبدیل شود

دروء همواره تاریخ بر شهیدان سرو قامت از سرداران و دانشمندان گرفته تا مردم بی دفاع و بی گناه که سرود فتح پیروزی را بر قله های افتخار، اقتدار و عزت سر دادند.

جهان باید بداند صبر ما اندازه ای دارد که بازی با دم شیران شرزه، بازه ای دارد

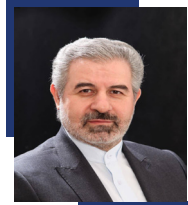
کجا کوتاه می آیند و کی تسلیم می گردند که ایران شیرمردان بلند آوازه ای دارد

تاب آوری اجتماعی ایران در جنگ جدید، ملاحظات و بایسته ها

رضا رحیم پور

عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و

قانونگذاری استان زنجان



مقدمه

وقوع جنگ اخیر ۱۲ روزه، میان رژیم اشغالگر قدس و ایران، نقطه آشکار ورود به دوران جدیدی در تحولات داخلی و بین المللی کشورمان محسوب می شود. دشمنان صهیونیستی، غربی و حتی شبکه های ضد انقلاب، اذعان نموده اند که ضریب تاب آوری ملت ایران در این تجاوز تحمیلی، به مراتب بیشتر از تصورات اولیه آنها بوده و در کنار پاسخ قاطعانه نظامی ایران به رژیم صهیونیستی و آمریکا، پروژه «گذار موفقیت آمیز کشور از جنگ ۱۲ روزه» را رقم زد. ارتقای مؤلفه های انسجام ملی و همگرایی اجتماعی در جریان جنگ اخیر، موضوعی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن عبور کرد. با این حال، ورود به دوران جدید، مستلزم توجه به مؤلفه ها و بایسته هایی است که بتوان با استناد به آنها، چنین همگرایی و انسجامی را حفظ و تقویت کرد. با توجه به اینکه احتمال توطئه، شیطنت و تجاوز بعدی دشمنان قسم خورده کشور منتفی نیست، لازم است بر روی مقوله تاب آوری اجتماعی و تبلور آن در مناسبات و وقایع آتی، تمرکز ویژه ای نماییم.

* بخش اول تاب آوری اجتماعی در دوران جنگ

بر کسی پوشیده نیست که جنگ، به عنوان یکی از مخرب ترین پدیده های اجتماعی، نه تنها زیرساخت های فیزیکی و اقتصادی یک کشور را نابود می کند، بلکه بافت اجتماعی و روانی جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. در چنین شرایطی، تاب آوری اجتماعی، نقش حیاتی در حفظ انسجام، بازسازی و ادامه حیات یک ملت ایفا می کند. تاب آوری اجتماعی، به توانایی جامعه برای مقاومت در برابر شوک ها، بازیابی از بحران ها و سازگاری با شرایط جدید اشاره دارد. این مقاله، به بررسی راهکارها و ابعاد تقویت تاب آوری اجتماعی یک کشور، در هنگام جنگ می پردازد. فواید تقویت تاب آوری اجتماعی در کشور، در شرایط جنگ، توقف جنگ و پسا جنگ، هر یک از اهمیت و جایگاه کلیدی و تأثیرگذاری برخوردار است. در این خصوص، به برخی مؤلفه ها، با استناد به شرایط حاکم بر جامعه ایرانی پس از جنگ ۱۲ روزه، اشاره می کنیم.

۱. لزوم تقویت سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به شبکه ها، هنجارها و اعتماد متقابل در یک جامعه اشاره دارد که همکاری و هماهنگی را تسهیل می کند. در زمان جنگ، تقویت سرمایه اجتماعی، از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و به صورت عمده، موارد زیر را شامل می شود.



در مقابل جنگ تحمیلی، محکم می‌ایستد، همان‌گونه که در مقابل صلح تحمیلی نیز، محکم خواهد ایستاد و این ملت، در مقابل تحمیل، تسلیم هیچکس نخواهد شد.» بیانیه اخیر حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ترجمانی از اقتدار و عظمت ملت، نظام و سرزمینی است که در برابر ظلم و استکبار هیچ گاه سر تعظیم فرود نیاورده است. مهم‌ترین اصل در تقویت انسجام ملی و هویت جمعی، تکیه بر ارزش‌های ذاتی و اجتماعی مشترک جامعه ایرانی است. ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، خصوصاً در برهه حساس و سرنوشت ساز کنونی، به نماد و الگوی مقاومت فعال، در برابر دشمنان قسم خورده بشریت و اسلام، تبدیل شده است. ایران، نماد ایستادگی و پرچمی همیشه برافراشته در طوفان زمان و گردبادهای حوادث محسوب می‌شود. عملیات وعده صادق سه، مصداق تمام عیار این پایداری و پویایی بوده و هر روز که از جنگ با رژیم منحوس صهیونیستی سپری می‌شود، این نماد، بیش از پیش در ذهن میلیاردها انسان در کره خاکی تبلور می‌یابد. موشک‌های ایرانی، امروز فراتر از تل آویو و حیفا، گفتمان سازش در برابر ظلم و استکبار را هدف قرار می‌دهند. ترویج ارزش‌های مشترک، تاریخ و فرهنگ ملی به عنوان عواملی که افراد را به هم پیوند می‌دهند. استفاده از رسانه‌ها، آموزش و فعالیت‌های فرهنگی برای تقویت احساس تعلق و همبستگی ملی و «تقویت نمادهای مشترک» نقش به سزایی در این خصوص ایفا می‌کند. ایجاد فضایی برای گفتگو و تبادل نظر بین گروه‌های مختلف قومی، مذهبی و سیاسی، به منظور کاهش تنش‌های اجتماعی، حول انسجام ملی و تسلیم ناپذیری در برابر هجمه دشمنان، در این خصوص، الزامی است.

۴. توجه به اصول مدیریت بحران

مدیریت بحران مؤثر، نقش حیاتی در تاب‌آوری اجتماعی کشورمان در هنگام جنگ ایفا می‌کند. مؤلفه‌های تأثیرگذار در این خصوص عبارتند از:

- تقویت ظرفیت‌های دولت برای مدیریت بحران: آموزش و تجهیز نیروهای امدادی و نظامی برای مقابله با شرایط اضطراری، ایجاد سیستم‌های هشدار زودهنگام و برنامه‌های تخلیه و اسکان اضطراری.
- توزیع عادلانه منابع و خدمات: اطمینان از توزیع عادلانه منابع و خدمات به تمامی اقشار جامعه، به ویژه آسیب‌پذیرترین گروه‌ها.
- شفافیت و پاسخگویی: ارائه اطلاعات دقیق و به موقع به مردم در مورد وضعیت جنگ و اقدامات دولت، پاسخگویی به سوالات و انتقادات مردم و عدم انکار خطاهای احتمالی.
- تقویت حاکمیت قانون: قانونمداری، همواره یک اصل مهم در مسیر تحقق انسجام ملی و همگرایی

- ایجاد و تقویت شبکه‌های حمایتی: هم افزایی ظرفیت‌های حاکمیتی و اجتماعی کشور و تشکیل گروه‌های داوطلبانه و شبکه‌های محلی، جهت ارائه خدمات حمایتی و مشاوره به شهروندان.
- تقویت اعتماد متقابل: ترویج ارزش‌های اخلاقی، شفافیت و پاسخگویی در تمامی سطوح جامعه و دولت.
- مقابله با شایعات و اطلاعات نادرست: مواجهه همه جانبه با اطلاعات و داده‌هایی که می‌توانند به بی‌اعتمادی و تفرقه منجر شوند، از مهم‌ترین اقداماتی است که فقدان آن منجر به از هم گسیختگی اجتماعی می‌شود.
- تشویق به مشارکت اجتماعی: ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت فعال شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های مربوط به مدیریت بحران، بازسازی و توسعه در شرایط کنونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲. حمایت از سلامت روانی و عاطفی جامعه

- پس از تجمیع ظرفیت‌های ذکر شده در حوزه تقویت سرمایه اجتماعی وارد مرحله «حمایت از سلامت روانی جامعه» می‌شویم. جنگ، به طور طبیعی تأثیرات عمیقی بر سلامت روانی و عاطفی افراد و جوامع دارد.
- تقویت احساس امید و معنا در زندگی: ترویج فعالیت‌های فرهنگی، هنری و مذهبی که به افراد کمک می‌کنند تا احساس امید و معنا در زندگی خود را حفظ کنند. حمایت از هنرمندان و فعالان فرهنگی برای تولید آثار هنری و ادبی که به ترویج ارزش‌های انسانی، امید و مقاومت کمک می‌کنند. به عبارت بهتر، جامعه باید درک عمیقی از «قدرت سخت» و «قدرت نرم» خود در مواجهه با هرگونه اقدام دشمن، پیدا کند.
 - آموزش مهارت‌های مواجهه با شرایط جنگی: برگزاری دوره‌های آموزشی همگانی و در دسترس با هدف تقویت مهارت‌های مقابله با استرس، مدیریت احساسات و حل مسئله به افراد و گروه‌های مختلف جامعه. ترویج سبک رفتاری و گفتاری مناسب، در راستای تضمین آرامش حداکثری ممکن در شرایط بحرانی.

۳. تقویت انسجام ملی و هویت جمعی

جنگ، می‌تواند سبب ایجاد تفرقه و شکاف در جامعه شود. تقویت انسجام ملی و هویت جمعی، به عنوان عامل اساسی در تاب‌آوری اجتماعی نقش دارد. این مسئله در جریان جنگ ۱۲ روزه اخیر نیز، به وضوح خود را نشان داده است. رهبر معظم و مقتدر انقلاب اسلامی ایران، در پیام اخیرشان ضمن تمجید از رفتار متین، شجاعانه و وقت‌شناسانه ملت ایران، تأکید فرمودند: «ملت ایران،

اجتماعی محسوب می شود و در دوران جنگ و بحران، اهمیت این مقوله دوچندان می شود.

۵. آموزش و توانمندسازی جامعه

- آموزش و توانمندسازی جامعه، به عنوان راهکار کوتاه مدت و بلندمدت برای تقویت تاب آوری اجتماعی عمل می کند:
 - آموزش مهارت های زندگی: آموزش مهارت های حل مسئله، تصمیم گیری، ارتباط مؤثر و مدیریت استرس به کودکان، جوانان و بزرگسالان در شرایط بحرانی.
 - تقویت سواد رسانه ای: آموزش مهارت های تحلیل و ارزیابی اطلاعات رسانه ای به منظور مقابله با اطلاعات نادرست و تبلیغات دشمن، مهم ترین اصل در آموزش و توانمندسازی جامعه محسوب می شود. تولید ده ها محتوای دروغین در دوران جنگ ۱۲ روزه اخیر، نشان می دهد که تقویت سواد رسانه ای نه تنها سیاستگذاری بلندمدت، بلکه آموزش فوری با ثمرات زودبازده و کوتاه مدت در مسیر همگرایی اجتماعی و جلوگیری از بحران های داخلی به شمار می آید.
 - انسجام اجتماعی؛ فرآیندی چند بعدی با هدفی واحد
- تاب آوری اجتماعی کشور، در هنگام جنگ، فرآیند پیچیده و چندبعدی است که تحقق آن، نیازمند تلاش هماهنگ تمامی بخش های جامعه و دولت است. هدف و نتیجه این فرآیند «تحقق تاب آوری مطلوب جامعه در دوران جنگ و تهدید» است. تقویت سرمایه اجتماعی، حمایت از سلامت روانی و عاطفی جامعه، تقویت انسجام ملی و هویت جمعی، مدیریت بحران، و آموزش و توانمندسازی جامعه، از جمله راهکارهای اساسی، برای افزایش تاب آوری اجتماعی در برابر آسیب های بالقوه و بالفعل جنگ هستند.



تاب آوری اجتماعی؛ مطلوبیت یا الزام؟!

برخی، تصور می کنند تاب آوری اجتماعی در جامعه «مزیت» یا «مطلوبیت» محسوب می شود، حال آنکه حوادث اخیر، نشان می دهد ما با یک «مقوله الزامی» مواجه هستیم. صیانت احزاب و شخصیت های سیاسی و صاحب نظران از انسجام ملی، به عنوان پیش درآمد و پیش شرط شکل گیری تاب آوری اجتماعی، یک الزام به شمار می آید و کاهلی، بی توجهی یا تجاهل و تغافل نسبت به آن، اساسا پذیرفته نیست. این اطمینان، باید از سوی نهادهای دولتی و رسمی به جامعه داده شود که عبور از این انسجام و هم افزایی تحسین برانگیز، خط قرمز حاکمیت، به شمار می آید.

بخش دوم - نگاه فرامتنی به مقوله انسجام ملی و تاب آوری اجتماعی

پس از آشنایی با راهکارهای تحقق و تقویت تاب آوری اجتماعی، در دوران جنگ ۱۲ روزه اخیر، لازم است با برخی ملاحظات و راهکارهای فرامتنی، که بستر ساز و تسهیل گری این روند خواهد بود، اشاره کنیم. تکیه بر دستاوردهای بزرگ ایران در جنگ ۱۲ روزه



مؤلفه های انسجام ملی و تاب آوری اجتماعی بر روی امکان تکرار جنگ و فراتر از آن، آمادگی کشور در برابر هرگونه هجمه جدیدی تأکید کرد.

* پرهیز از غیریت سازی و خلق دوگانه های کاذب

غیریت سازی و خلق دوگانه هایی مانند «مذهب» - «ملیت» پاشنه آشیل انسجام ملی، در دوران کنونی محسوب می شود. همان گونه که محرز است، «تسلیم ناپذیری در برابر متجاوز» باید به محور مشترکی، تبدیل شود که ۹۰ میلیون ایرانی را در داخل و میلیون ها ایرانی در خارج از کشور را به یکدیگر پیوند بدهد. در این معادله، کسانی که بر خارج ماندن از این دایره اصرار می کنند، مانند سلطنت طلبان و منافقین، به صورت خودکار، از این حلقه خارج شده و نفرت عمومی از آنها افزایش می یابد.

* پالایش محیط امنیتی - روانی کشور

پالایش محیطی امنیتی کشور، عامل فرامتنی دیگری است که در این خصوص باید مورد توجه قرار گیرد. لازم است اقداماتی که در مسیر پاکسازی کشور از عوامل نفوذی یا عوامل متحرک دشمن در استان ها و مناطق گوناگون صورت می گیرد، به استحضار شهروندان، البته با رعایت اصول امنیتی، برسد تا اطمینان آنها نسبت به پویایی ساختار امنیتی کشور تقویت شود. تکیه بر نقش پلیس و نهادهای انتظامی، به همراه ارتش، سپاه پاسداران و نهادهای امنیتی کشور، در مواجهه با جنگ ۱۲ روزه، به همراه معرفی و پاسداشت شهدایی که در این مسیر، جان خود را در راه آرامش و ثبات ایران تقدیم کردند، در این برهه، الزامی و ارزشمند خواهد بود.

* ممانعت از بروز اضطراب اجتماعی

بروز اضطراب اجتماعی، به هر بهانه و خبری، زمینه شکل گیری انسجام ملی و تاب آوری لازم، در هنگام بحران را کاهش خواهد داد؛ از اینرو خصوصاً در دوران اخیر، باید از اتخاذ تصمیم ها یا شکل گیری پدیده هایی که به هر نحوی، در حوزه های اقتصادی - اجتماعی، منجر به اضطراب در جامعه می شود، پرهیز کرد. نباید فراموش کرد که در جریان جنگ ترکیبی، تمرکز دشمنان در دو حوزه، بیش از سایر حوزه ها بوده است؛ جنگ اقتصادی و جنگ شناختی، از نقاط اصلی جنگ ترکیبی در سال های اخیر بوده است. در جنگ شناختی، تلاش دشمنان، بر تغییر باورها و القای شبهه است. بروز اضطراب اجتماعی، ذهن شهروندان را در خصوص پذیرش انگاره ها و القائات دشمنان را افزایش خواهد داد. باید از شکل گیری چنین بستری، خصوصاً در برهه حساس کنونی ممانعت کرد.

دستاوردهای عینی کشور به مراتب نسبت به دستاوردهای بالقوه و اعلامی آن، اهمیت وافری دارد. ضربات سختی که ایران در طول جنگ ۱۲ روزه اخیر، به رژیم صهیونیستی وارد ساخته بایستی به صورت مدام در معرض دید و قضاوت افکار عمومی کشورمان قرار گیرد. نباید فراموش کرد که یکی از توطئه های دشمن، در جنگ روانی علیه ملت ایران در برهه حساس و سرنوشت ساز کنونی «کتمان پیروزی های نظامی ایران، در عمق استراتژیک اراضی اشغالی» است. این قاعده، در خصوص عملیات «بشارت فتح» علیه پایگاه آمریکایی «العدید» در منطقه نیز، صادق است. در شرایطی که دشمن، در خصوص تلفات سنگین خود در جنگ ۱۲ روزه، سکوت کرده است، سکوت رسانه های داخلی ما در قبال این دستاوردهای بزرگ، معنایی ندارد! تنها طی ۱۲ روز، ۱۹۴۳۴ بار، آژیرهای خطر در سرزمین های اشغالی به صدا درآمده اند که حدود ۴۱ درصد از آن مربوط به مناطق شمالی و ۴۵ درصد مربوط به مناطق مرکزی و ۱۴ درصد مربوط به جنوب سرزمین های اشغالی بوده است. این آمار، نشان می دهد که حملات ایران، به نقاط شمالی و جنوبی اراضی اشغالی (محل اصلی تمرکز پایگاه های رژیم صهیونیستی) بسیار گسترده تر از ادعای دشمن صهیونیستی است. اطلاع رسانی، در خصوص تلفات واقعی دشمن، قطعاً مقوم غرور و انسجام ملی و متعاقباً رشد تاب آوری اجتماعی در کشور خواهد بود.

* پذیرش نقاط ضعف و تأکید بر ماهیت جنگ

مقاومت غیرمنطقی، در پذیرش نقاط ضعف کشور، بر روی، روند تاب آوری اجتماعی و انسجام ملی تأثیر معکوس خواهد گذاشت؛ از اینرو باید پذیرفت که در کنار نقاط قوتی که منجر به پذیرش توقف جنگ از سوی دشمن شد، قطعاً نقاط آسیب نیز در کشور وجود دارد که نیاز به تمرکز و برطرف سازی دارد. با این حال، باید «غلبه مصادیق قوت بر مصادیق ضعف کشور» در جنگ ۱۲ روزه اخیر، به صورت مستند به افکار عمومی ارائه شود تا در جامعه القای ناامیدی و یأس نکند. ماهیت جنگ حول «داده ها» و «ستاندها» شکل می گیرد. بدیهی است که در یک جنگ یا منازعه، قرار نیست کشور، هیچ گونه آسیبی نبیند و صرفاً طرف مقابل یا همان دشمن، همه ضربات را دریافت کند. ماهیت جنگ، باید به صورت صریح برای افکار عمومی تشریح شود.

در این میان، خطای محاسباتی دیگری وجود دارد که نباید از آن غافل ماند. ارسال این سیگنال که اساساً دیگری جنگی در کار نخواهد بود، می تواند منجر به غافلگیری شهروندان و کاهش تاب آوری اجتماعی در بزنگاه های آتی شود؛ از اینرو باید در عین تقویت

* اصالت بخشی به نهاد خانواده در تحقق انسجام ملی

در این خصوص، بار دیگر با نهاد مستحکم و کارآمدی تحت عنوان «خانواده» مواجه هستیم. ارتقای زیرساخت‌های مواجهه با جنگ شناختی دشمن، علیه نهاد خانواده و باورهای عمیق جامعه (که حول نقش آفرینی نهاد خانواده تعریف شده است، پیش شرط مهم مدیریت صحنه جنگ روانی و ترکیبی محسوب می‌شود. اصلی‌ترین نهادی که در برهه کنونی، بایستی مخاطب قرار گیرد و سیاست‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، حول آن صورت گیرد، «نهاد خانواده» است. باید در نظر داشت که اصلی‌ترین دیالوگ‌ها و مکالمات در خصوص جنگ ۱۲ روزه و آینده جنگ، در بستر خانواده صورت می‌گیرد. در این مخاطب‌شناسی، باید هوشمندانه‌تر عمل کرد. هر اندازه، تاب‌آوری و آمادگی خانواده‌ها در مواجهه با جنگ ترکیبی، تقویت شود، قدرت مانور دشمنان علیه کشورمان به طور طبیعی کاهش خواهد یافت.

نتیجه‌گیری:

ترویج مفهوم «ایران قوی» و مصادیق آن در جامعه

در طول جنگ ۱۲ روزه اخیر، شاهد تبلور مفهومی تحت عنوان «ایران قوی» بوده‌ایم که مصادیق آن باید در ابعاد نظامی، ماهوی، تاریخی و شناختی، تقویت شود. همکاری گسترده مردم ایران، در شناسایی عوامل دشمن و تاب‌آوری وقت‌شناسانه و تحسین برانگیز آنها در برابر این هجمه ناجوانمردانه، نشان داد که «ایران قوی» یک ادعا نیست، بلکه واقعیتی غیرقابل انکار و تعیین‌کننده در معادلات داخلی و بین‌المللی کشورمان به شمار می‌آید. کمی‌سازی و کیفی‌سازی این مفهوم، در دوران کنونی، نقش به‌سزایی در مواجهه بعدی و احتمالی ما با دشمنان ایفا خواهد نمود. به عبارت بهتر «ایران قوی» فرامتن و چارچوبی است که تمامی ظرفیت‌ها و داشته‌های خود را باید در بطن آن تعریف نماییم. در چنین شرایطی، هر گونه القاگری و اظهار نظری که به وحدت ملی خدشه وارد ساخته و آن را زیر سؤال ببرد، به مثابه بازی در زمین دشمنان قسم خورده ما تلقی می‌شود. در راستای نضج یافتن ایران قوی باید بر روی ارتباط دو مقوله «انسجام ملی» و «تاب‌آوری اجتماعی» با تکیه بر مخاطب‌شناسی مناسب (خصوصاً نهاد خانواده) اقدامات فوری و زودبازده‌ای صورت داد.





تاب آوری اجتماعی ایران در جنگ

جدید، ملاحظات و بایسته ها

داود حسنی

دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری
استان زنجان، هیأت علمی دانشگاه



علی شکوهی

عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و
قانونگذاری استان زنجان، هیأت علمی دانشگاه



۱. مقدمه

در دهه های اخیر، مفهوم جنگ تغییر ماهیت داده و به چارچوبی ترکیبی تبدیل شده که در آن حوزه نظامی بلافصل با عملیات سایبری و جنگ نرم، هم پوشانی دارند. شهرها به عنوان سیستم های پویا و به شدت وابسته به اطلاعات، به هدف جذابی برای چنین تهدیداتی تبدیل شده اند. نمونه های اخیر، شامل عبور موشک یا پهپاد از آسمان شهرهای ایران و تلاش برای نفوذ شبکه ای سایبری بوده است. این وضعیت، نشان دهنده شکاف جدی در تدارکات دفاع شهری بوده و به وضوح، نیازمند مدیریت ریسک فعال و ساختاریافته است. پدافند غیرعامل، در بستر شهری، شامل تدابیری همچون مقاوم سازی فضاهای شهری، طراحی مناسب مسیرهای تردد و پناهگاه ها و توسعه ظرفیت های اطلاع رسانی و هشدار هوشمند است، اما بدون ایجاد سازوکارهایی مانند رصدخانه شهری، این اقدامات غالباً ناکارآمد و همراه با تأخیر اجرا می شوند. بر همین اساس، پیشنهاد ایجاد «رصدخانه شهری» با توانایی پایش لحظه ای، تحلیل ساختاری و پشتیبانی تصمیم گیری برای اجرای پدافند غیرعامل آموزشی، ضروری است.

اهداف پدافند غیرعامل در شهرها

- * کاهش آسیب پذیری زیرساخت های اساسی در برابر تهدیدات
- * تسهیل مدیریت بحران در زیرساخت ها در برابر تهدیدات
- * تضمین تداوم چرخه خدمات ضروری مردم
- * آسیب ناپذیری حوزه اداره مردم
- * پایدارسازی زیرساخت های سایبری
- * حفاظت از مردم در برابر تهدید
- * تأمین نیازمندی های اساسی مردم
- * میسر سازی جابجائی جمعیت شهرها به حومه و بالعکس
- * اطلاع رسانی به موقع و شفاف و مداوم مردم در شرایط تهدید

تعریف «رصدخانه شهری»

«رصدخانه شهری» نهادی ترکیبی است که وظیفه رصد، تحلیل و مدیریت اطلاعات شهری را به صورت لحظه‌ای برعهده دارد. این نهاد در برگیرنده شبکه‌ای از حسگرهای محیطی و ترافیکی، تحلیل داده، پایش رسانه‌های اجتماعی و سیستم‌های اطلاع‌رسانی اضطراری است.



عملکرد آن شباهت زیادی به مرکز فرماندهی-تحلیل وضعیت-دفاع فعال دارد و می‌تواند به‌عنوان پشتیبان کلیدی مدیریت بحران، عمل نماید. همچنین، رصدخانه شهری فقط یک مرکز فنی نیست، بلکه نهادی سیاست‌گذار و هماهنگ‌کننده میان نهادهای مسئول از جمله شهرداری، امنیت شهری، سازمان پدافند غیرعامل و دستگاه‌های نظارتی است. در جهان، این مفهوم با عنوان «Urban Observatory for Resilience» شناخته شده و تأکید می‌شود که کارکرد آن باید تلفیقی از منابع داده‌ای، تحلیل هوش محور و مشارکت نهادین باشد. ۳. شواهد تجربی آسیب‌پذیری شهری در ایران

شهرداری‌های ایرانی، اغلب با آسیب‌پذیری جدی در برابر جنگ ترکیبی مواجه هستند که این موضوع، نگرانی‌های فراوانی ایجاد کرده است



نام مراکز دارای اهمیت و اولویت در پدافند غیرعامل	نمونه نوع مکان‌ها و فضاها (عملکرد و فعالیت)
مراکز حیاتی	فرمانداری، شهرداری، بیمارستان، بازار، مخابرات و ساختمان نیروی نظامی
مراکز حساس	پمپ بنزین شهری، شبکه‌های انتقال برق، آب و گاز و پل‌ها
مراکز مهم	جایگاه CNG، پارک، بازار، زندان

۳. شواهد تجربی آسیب‌پذیری شهری در ایران

شهرداری‌های ایرانی، اغلب با آسیب‌پذیری جدی در برابر جنگ ترکیبی مواجه هستند که این موضوع، نگرانی‌های فراوانی ایجاد کرده است



اشیا، تصاویر ماهواره‌ای و سیستم‌های تحلیل هوش مصنوعی، قادر است وضعیت انرژی، ترافیک، شرایط محیطی و پایداری زیرساخت‌ها را به‌صورت زنده پایش کند. این چارچوب، به نیازهای پدافند شهری، بسیار نزدیک بوده و قابلیت تحول آن به پدافند غیرعامل، وجود دارد

۴-۲. شبیه‌سازی ترکیبی

Carraminana et al. (۲۰۲۵) رویکردی را تدوین کردند که با شبیه‌سازی عامل- شبکه‌ای، تصمیم‌سازان شهری می‌توانند آثار بالقوه حملات ترکیبی را پیشاپیش مشاهده و اقدامات همزمان را برنامه‌ریزی کنند

۴-۳. امنیت سایر فیزیکی همگرا

Cascavilla et al. (۲۰۲۳) تأکید داشت که رصدخانه‌هایی که معماری شهری، امنیت سایبری و سازماندهی را همزمان تحلیل کنند، کارایی عملیاتی قابل توجهی نشان داده‌اند

۴-۴. تاب‌آوری شبکه‌ای شهری

Asprone et al. (۲۰۱۳) و Boeing & Ha (۲۰۲۴) تأیید کرده‌اند که بدون پیکربندی مناسب شبکات فیزیکی و اجتماعی، الزامات پدافندی ناکام می‌ماند

۴-۵. نقش رسانه‌های مردم‌محور

Monroy-Hernández et al. (۲۰۱۵) نشان دادند که تحلیل رسانه‌های اجتماعی (مثل توئیتر یا اینستاگرام) می‌تواند، اطلاعات اولیه کاربردی جهت تشخیص سریع شرایط بحرانی فراهم کند ۵. پیشنهادها برای ساختار و عملکرد رصدخانه شهری در ایران

در چارچوب نظری و عملی، رصدخانه می‌تواند دارای پنج مؤلفه اصلی باشد

الف) حسگرها و شبکه جمع‌آوری داده: ترکیبی از اینترنت اشیا، دوربین‌های محیطی، سنسورهای ترافیکی، سیگنال‌های مخابراتی، داده ماهواره‌ای و تحلیل اطلاعات سایبری

ب) موتور تحلیلی و شبیه‌سازی: استفاده از الگوریتم‌های تشخیص ناهنجاری با هوش مصنوعی، تحلیل شبکه‌ای AHP/CARVER و شبیه‌سازی حملات ترکیبی عامل-شبکه

۳-۱. مطالعه موردی: اهواز

تحقیق علمی Pouryarmohammadi et al. (۲۰۲۲). نشان می‌دهد که مناطق مرکزی و صنعتی اهواز به دلیل تمرکز جمعیتی و زیرساختی در معرض تهدید هستند. استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی و QFD باعث شد نقاط ضعف و اولویت‌های مقاوم‌سازی دقیق مشخص شود. این پژوهش، همراه با پیشنهادها کاربردی شامل طراحی مسیرهای تخلیه اضطراری و توزیع بهتر تجهیزات کلیدی، آن را به نمونه‌ای موفق در حوزه پژوهش شهری ایرانی بدل کرده است

۳-۲. مطالعه موردی: مهاباد

مطالعات obaraki & Aminpour (۲۰۱۹) که با تحلیل AHP و GIS انجام یافته است نشان می‌دهد که بافت‌های متراکم، خیابان‌های باریک و عدم نظام‌مندی در سیستم تردد، موجب افزایش خطر جدی در شرایط اضطراری بوده‌اند. نبود شبکه پناهگاه و مسیرهای دسترسی مناسب به‌خصوص در شب، به‌عنوان یکی از نقاط ضعف اصلی ذکر شده است

۳-۳. مطالعه موردی: رشت

مطالعات مشابه نشان دادند که تمرکز کاربری‌های حساس در مرکز شهر بدون پدافند غیرعامل، باعث ایجاد نقاط آتش‌زا شده است. توزیع نامناسب فضاهای حیاتی، نقاطی را به هسته آسیب پذیر شهر تبدیل کرده‌اند که می‌تواند منجر به بحران سیستماتیک شود. این مطالعات تجربی نشان می‌دهد که شهرهای بزرگ ایران، نیازمند پایش مستمر، تحلیل ساختاریافته و برنامه‌ریزی دقیق شده هستند؛ موضوعی که بدون رصدخانه شهری، امکان پذیر نیست

۴. تجربه‌های جهانی موفق

تجارب برخی از رصدخانه‌های شهری در دنیا، راهکارهای قابل بهره‌برداری برای ایران دارند که به چند مورد اشاره می‌شود

۴-۱. رصدخانه شهری نیویورک

این رصدخانه، با استفاده از حسگرهای اینترنت



- * تقسیم وظایف و تبادل داده.
- * ایجاد سامانه گزارش دهی و نظارت مداوم: گزارش های سالانه برای مرکز پژوهش مجلس و شورای عالی شهرسازی جهت ارزیابی اثربخشی.

۷. نتایج و دستاوردهای پیش بینی شده

- * اجرای این طرح، سبب تحقق موارد زیر خواهد شد.
 - * افزایش امنیت و بیمه پذیری اجتماعی با نحوه هشدار و واکنش سریع؛
 - * تاب آوری زیرساختی و کاهش خسارات اقتصادی؛
 - * بهبود تصمیم گیری مبتنی بر داده و شواهد واقعی؛
 - * هم راستایی با استانداردهای جهانی مثل UNDRR و NATO؛
 - * تقویت اعتماد عمومی و مشارکت مدنی از طریق شفافیت و گزارش گیری مستمر.
۸. نتیجه گیری و پیشنهادهای نهایی
- در شرایطی که تهدیدات جنگ ترکیبی، شهر را از محل سکونت به خط مقدم، تبدیل کرده است، ایجاد نهاد رصدخانه شهری با پشتوانه علمی و قانونی، امری ضروری است. مرکز پژوهش های مجلس، می تواند با تدوین لوایح، مدیریت پیلوت ها، بودجه گذاری و نظارت اجرایی، این تحول را به صورت پایدار در سطح ملی فراهم نماید

ج) داشبورد مدیران و سامانه هشدار: ارائه شاخص هایی از وضعیت سلامت شهری، آلودگی، ترافیک، آسیب پذیری و صدور هشدار اولویت دار (د) رابط نهادی تصمیم ساز: اتصال مستقیم شهرداری ها، استانداری ها، سازمان پدافند غیرعامل و وزارت کشور (استانداری ها) برای هماهنگی سریع و تصمیم گیری اضطراری

ه) حلقه بازخورد و یادگیری سازمانی: اجرا و بازبینی مداوم تمرینات بحران، «تحلیل بارخورد اقدام» و به روزرسانی مستندات و پروتکل ها

۶. نقشه راه قانونی-سیاست گذاری

- برای تحقق این ساختار، راهکارهای زیر پیشنهاد می شود
- * تصویب قانون اجباری برای رصدخانه های شهری: تدوین لایحه ای که شهرداری ها را ملزم به ایجاد، راه اندازی و نگهداشت رصدخانه کند.
 - * تخصیص بودجه سالیانه و چندساله: برای تأمین تجهیزات، نرم افزار، نیروی انسانی و آموزش، از محل اعتبارات ملی و توسعه شهری.
 - * اجرای پیلوت در ۵ شهر: مانند تهران، اصفهان، اهواز، مشهد، و تبریز، به موازات ساخت پناهگاه ها و تجهیز مراکز مدیریت بحران.
 - * ایجاد شورای هماهنگی بین نهادی: متشکل از نمایندگان وزارت کشور، امور داخله، دانشگاه ها، نهاد امنیتی و سازمان پدافند غیرعامل، برای

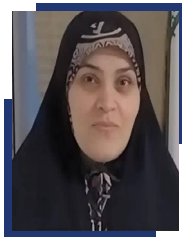




رستاخیز «الگوی سوم»، زن در کانون معماری حکمرانی مقاومت

راضیه اکبری

مسئول کارگروه زنان و خانواده اندیشکده های حکمرانی و قانونگذاری



در دو جبهه به جهادی شگفتانگیز برخاست در لایه های پنهان و استراتژیک این نبرد، جایی که جنگ بر سر سر کدها، فرکانس ها و الگوریتم ها بود، حضور زنان دانشمند و مهندس در مراکز پدافند سایبری و صنایع دفاعی، صرفا مشارکت علمی نبود؛ بلکه تجلی ایمان در قالب تخصص بود

زن نخبه ای که شبانه روز برای دفع حملات سایبری به شبکه برق کشور تلاش می کرد، تنها مهندس نبود؛ او مجاهدی بود که سنگرش، اتاق سرور و سلاحش، سطرهای پیچیده ی کد نویسی بود. او مصداق مسلمانی بود که از منظر امام خمینی (ره)، تعهد را بر تخصص مقدم می داند، اما به عالی ترین سطح تخصص نیز دست می یابد تا تعهد خود را به بهترین شکل به انجام رساند

این آمیختگی شگفتانگیز بصیرت انقلابی با دانش روز، پادزهری بود که محاسبات دشمن را فلج کرد. دشمن، تنها توان موشکی ایران را می دید، اما از درک قدرت اراده و نبوغ آن زن مهندسی که نرم افزار هدایت همان موشک را در شرایط اضطراری بهینه سازی می کرد، غافل بود

همزمان در جبهه دیگر، در جریان های حیاتی جامعه و در کانون خانواده ها، نبردی به مراتب پیچیده تر در جریان بود. جنگ روایت ها و عملیات روانی دشمن، به دنبال تهی کردن جامعه از امید و تزریق یأس سیستماتیک بود. در این میدان، مادرانگی به یک سلاح راهبردی، تبدیل شد.

آرامشی که یک مادر، در پناهگاه و در میان صدای انفجار، به فرزندانش منتقل می کرد، روایت صادقانه و لحن امیدوارانه همسر در شبکه های اجتماعی که روحیه پولادین همسر رزمنده اش را بازگو می کرد و آن شبکه خودجوش زنان محله که برای تأمین نیاز یکدیگر و مراقبت از سالمندان بسیج می شدند، قدرتمندترین سد در برابر فروپاشی اجتماعی بود

این، همان حکمرانی عاطفی و مدیریت انسانی است که از بطن فرهنگ اسلامی-ایرانی برمی خیزد و هیچ اتاق فکر غربی، قادر به مدل سازی و مقابله با

هر جنگی، پیش از آنکه صحنه تقابل ادوات و تاکتیک ها باشد، آوردگاه دو اراده و جهان بینی است. جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، که با سودای خام گسستن شیرازه ملی و تحمیل شکست راهبردی بر ایران اسلامی آغاز شد، در بنیاد خود بر یک خطای محاسباتی عمیق استوار بود: دشمن، پیکره ایران را در سخت افزاریش خلاصه کرده بود و از ادراک روح حاکم بر این جغرافیا، آن نرم افزار قدرتمندی که شالوده مقاومت را می سازد، عاجز بود

آن روح، در این مصاف کوتاه اما پرمعنا، بیش از هر زمان دیگری، در کالبد زن ایرانی، تجلی یافت. این یادداشت، فارغ از گزارش های میدانی، در پی کشف منطق درونی و کیمیای معنوی است که نقش آفرینی زنان را از یک عامل حمایتی در دفاع مقدس، به متغیر راهبردی و تعیین کننده در دگرگونی دفاع ترکیبی مدرن، بدل ساخت؛ تحلیلی که نشان می دهد چگونه الگوی سوم زن مسلمان، به مثابه محصول خالص اندیشه انقلاب اسلامی، در این نبرد، به بلوغ کامل خود رسید و معادلات را بر هم زد

انقلاب اسلامی در جوهر خود، حرکت انسان ساز بود. انقلابی که هویت انسان و به طور اخص هویت زن را از دوگانه تحجر شرقی و ابتذال غربی رهانید و او را در جایگاه حقیقی اش، یعنی خلیفه الهی که می تواند تاریخ را بسازد، تعریف کرد

بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) مبنی بر اینکه «زن، مدیر اصلی نهاد خانواده و تأثیرگذارترین عنصر در تربیت انسان ها و جهت دهی به حرکت جامعه است»، یک تعارف ایدئولوژیک نیست، بلکه اصل بنیادین در حکمرانی اسلامی است. جنگ ۱۲ روزه، میدان اثبات عملی این اصل، در بحرانی ترین شرایط بود

دشمن با حملات هیبریدی خود، دقیقا دو مرکز ثقل را هدف گرفته بود: عقل جامعه از طریق جنگ شناختی و حملات سایبری به زیرساخت های دانش بنیان و قلب جامعه از طریق ایجاد رعب، وحشت و فروپاشی روانی خانواده ها. در برابر این استراتژی دوگانه، زن ایرانی به مثابه یک وجود واحد،

آن نیست. زن ایرانی، با کیمیای صبر و ایمان، اضطراب را به سکینه و ترس را به شجاعت، بدل کرد

او با جهاد تبیین فطری و انسانی خود، روایت دروغین دشمن از یک ملت در آستانه فروپاشی را باطل کرد و تصویر واقعی امتی زنده و مقاوم را به جهان نشان داد. این نقش، ترجمان عملی، سخن رهبری است که زن را، محور آرامش و سکینه در جامعه می‌داند. جنگ ۱۲ روزه به پایان رسید، اما یک حقیقت بنیادین را برای دوست و دشمن آشکار ساخت

قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، صرفاً در بُرد موشک‌ها و توان پهلپادهایش خلاصه نمی‌شود. یک متغیر جدید و تعیین‌کننده به این معادله اضافه شده است که ریشه در عمق هویت و فرهنگ این سرزمین دارد: «زن تراز انقلاب اسلامی». زنی که می‌تواند در آن واحد، هم مغز متفکر پروژه‌ی پیچیده علمی-دفاعی باشد و هم قلب تپنده خانواده و یک محله. او هم در خط مقدم جنگ شناختی یک افسر جنگ نرم است و هم در عقبه، مدیر بحرانی بی‌بدیل

این الگوی سوم، که نه شرقی است و نه غربی، و برآمده از متن قرآن و عترت و پرورش‌یافته در دامن انقلاب است، امروز از یک نظریه‌ی فرهنگی به یک واقعیت استراتژیک تبدیل شده است.

هر تحلیلی که در آینده بخواند توان ملی ایران را بسنجد، اگر این روح جمعی و این شریان حیاتی را که در وجود زن ایرانی متبلور است نادیده بگیرد، به همان خطای محاسباتی دشمن در جنگ دوازده روزه دچار خواهد شد. معماری پیروزی در این نبرد، بیش از آنکه بر ستون‌های بتنی و فولادی استوار باشد، بر شانه‌های صبور و بصیر زنانی بنا شد که ثابت کردند جهاد، مرز و جنسیت نمی‌شناسد و ایمان، قدرتمندترین سلاح در هر مصافی است. این، بزرگترین فتح این جنگ و سرآغاز فصلی نوین در تاریخ نقش‌آفرینی زنان در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی است





امت و ملت در سنگر مقاومت، پاسخ هوشمند ایران به رذالت های

جهانی، درس آموخته های جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

عباس نورزائی

عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و

قانونگذاری استان سیستان و بلوچستان



در این بزننگاه تاریخی، رهبر معظم انقلاب اسلامی، نظریه «وحدت در کثرت» را از تئوری به تجربه رسانده است؛ نه تنها در گفتار، بلکه در ساختار نظام اسلامی، سیاست خارجی، هویت فرهنگی و حتی شخصیت فردی اش او ملت را خانه ی امت، و امت را آسمان ملت می بیند و بدینگونه، رهبری او تجسم پیوند تاریخی، تمدنی و الهی، میان ملت ایرانی و امت اسلامی شده است؛ پیوندی که آینده جهان اسلام را به افق های بلندتری سوق می دهد. وحدت، نه به معنای یکدستی، بلکه به معنای همدلی در تنوع است. همان گونه که رهبر فرزانه مان، در پرتو ریشه های ایرانی و اسلامی اش، پرچم عزت هر دو را برافراشته نگه داشته، ما نیز با حفظ اصالت ایرانی، در کنار مسلمانان جهان، جبهه های نیرومندی از عقلانیت، مقاومت و ایمان بسازیم

در همین راستا و برای تقویت این پیوند، در اوج تبلیغات سوء دشمنان ایران، فرماندهی کل قوا از کمین گاه خارج و در جمع عزارداران حسینیه امام خمینی (ره) حاضر و دستور خوانش سرود «ای میهن خدایی» را صادر می کند. در هیاهوی واژگان و زمزمه های وطن دوستی، برخی سرودها نه تنها گوش، بلکه جان مخاطب را درمی نوردند. سرود «ای میهن خدایی، صحن امام رضایی» از آن دسته است که با پیوند ایران به مفاهیم دینی، وطن دوستی معنوی را ترویج می دهد. در این سرود، ایران نه صرفا جغرافیا، بلکه سرزمین مقدسی، همپراز حرم اهل بیت است. جان ها برایش نذر شده، ایمان ها با آن گره خورده اند. میهن، در این جا ذوالفقار علی (ع) و عاشورایی معرفی می شود؛ نمادی از عدالت، ایثار و مقاومت

در برابر «بدگوه ران»، سرود ایران را در سایه حیدر، یعنی؛ ولایت، قرار می دهد. مفاهیمی چون «بوی کربلا»، «خط سرخ شهدا» و «دست مردان تو در دست خدا» بر هویت ملی - دینی تأکید دارند و مخاطب را به اوج معنویت می برند

این سرود، مرز میان دین و وطن دوستی را برمی دارد و از وطن، تصویری می سازد که مقدس، باکرامت و قبله گاه غیرت است. در جهانی پر از نگاه های مادی گرا، ایران این سرود، با واژگان ایمان و ایثار معنا می یابد جنگ روایت ها؛ پدافند در برابر رسانه های دشمن

در عصر رسانه، ذهن بی پدافند هم چون مرز بی نگهبان است. رسانه های دشمن با تحریف و دروغ، ذهن ها را به اسارت می برند. بی سوادان رسانه ای، ناآگاهانه ابزار دشمن می شوند. زبانشان زهرآلود و نقدشان پوششی

در اوج گفتگوها و مذاکرات دیپلماتیک، آمریکا و رژیم صهیونیستی، ناگهان حمله ای را علیه ایران آغاز کردند؛ گویی می خواستند از فضای گفت و گو به عنوان غفلت استفاده کنند، اما ایران، با فرماندهی هوشمند و بازسازی سریع سیستم دفاعی خود، نه تنها در برابر این تجاوز ایستادگی کرد، بلکه معنای واقعی جمله تاریخی امام خمینی (ره) را نیز به جهانیان نشان داد: «اگر پرچمی از دست سرداری بیفتد، سرداری دیگر آن را برمی دارد و ادامه می دهد». دفاع ملی، در کمترین زمان ممکن، سازمان یافت و نیروهای جانشین، بدون توقف، دفاع را ادامه دادند

توان نظامی بالای ایران، که سال ها در سایه تحریم و فشار دشمنان تقویت شده بود، اکنون به شکلی کارآمد، به میدان آمد و نه تنها تهاجم دشمن را دفع کرد، بلکه برای بسیاری از ملت های تحت فشار در دنیا الهام بخش شد. عدالت خواهان و آزادی طلبان در کشورهای مختلف، با مشاهده مقاومت ایران، نگاه خود را به این کشور و اهدافش معطوف کردند. در این میان، عناصر نفوذی داخلی که سال ها با پوشش های مختلف در حال خراب کاری نرم و سخت بودند، شناسایی و با آنان، برخورد قاطع شد. این شفاف سازی، اعتماد عمومی را به نظام بیش تر کرد. در نهایت، تهاجم دشمن، نه تنها شکاف داخلی ایجاد نکرد، بلکه باعث انسجام ملی شد. اقشار مختلف مردم ایران - شیعه و سنی، ترک، فارس، بلوچ و لر همگی در کنار هم، همچون یک بدن واحد، از شرف و استقلال کشور دفاع کردند. این حادثه، یکبار دیگر اثبات کرد که ملت ایران، در سخت ترین لحظات، متحدترین ملت است. اینک برخی درس آموخته و پیامدهای این جنگ تحمیلی، به شرح ذیل قابل بررسی و تبیین و تحلیل است

امام خامنه ای حفظه الله؛
پیوند دهنده شجره نبوت و شرافت
ایران



برای نفرت است. سکوتشان، هم‌دستی با دشمن. اینها تیرهای خودی‌اند که دل حقیقت را می‌درند. این جنگ و ترتیبات رسانه‌ای آن، به ما آموخت که پدافند واقعی، آگاهی، تحلیل و تربیت فکری است. باید زبان را مسئول و ذهن را مقاوم کرد. در غیر اینصورت، همان ذهن‌ها به ابزار خودویرانگری بدل می‌شوند و روزی خواهد آمد که این ذهن‌ها در محکمه وجدان بازخواست خواهند شد: وقتی حق را دیدی، چرا تیغ‌ات را به سمت آن گرفتی؟

از انصاف در نقد تا صیانت از اعتماد عمومی

در بحبوحه جنگ و بحران‌های اخیر، دولت، با وجود فشارها، در تأمین کالاها، پرداخت حقوق، حفظ نظم عمومی و کنترل رفت و آمدها، عملکرد قابل قبولی داشت. در فضای مجازی نیز، سیاستی متعادل پیش گرفت: نه سرکوب، نه رهاسازی کامل. برخی محافل، سخن از نفوذ براندازان در دولت گفته‌اند؛ اما این نگاه، یا هیجانی است یا ناشی از عملیات روانی دشمن. انتقاد لازم است، اما باید منصفانه و سازنده باشد، نه تضعیف‌کننده اعتماد. درس‌آموخته‌های این جنگ، نشان داد که انصاف آن است که خوبی‌ها و خطاها را باهم دید. نگاه یکجانبه، حقیقت را قربانی می‌کند. انقلاب اسلامی، نیازمند نقد دل‌سوزانه و فهم درست است، نه افتادن در تله دشمن برای شکاف‌افکنی داخلی

پاسخ تاریخ در میدان؛ تحلیل انحرافی حذف نهاد نظامی

مرحوم هاشمی رفسنجانی، گفته بود ژاپن و آلمان چون هزینه نظامی نکردند، پیشرفت کردند، اما واقعیت تاریخی اینگونه نیست. می‌دانیم که آلمان ارتش حرفه‌ای با عنوان «بوندسور» دارد و ژاپن دارای «نیروهای دفاع از خود» است، هر دو توسط آمریکا، پشتیبانی می‌شوند. این کشورها، امنیت وارداتی دارند، اما ایران در منطقه پرتنشی، با تجربه جنگ، تروریسم و تحریم نمی‌تواند هزینه‌های دفاعی را حذف کند. آموخته‌های این جنگ تحمیلی، نشان داد که ارتش ایران، نه تنها مانع توسعه نیست، بلکه با تولید فناوری، اشتغال‌زایی و حتی صادرات، نقش مثبتی ایفا کرده است. ایران، در حوزه پهپاد و موشک، پیشرفت‌هایی داشته که حاصل تمرکز دفاعی است. اینک، پرسش اساسی این نیست که ارتش باشد یا نه، بلکه این است که چگونه در خدمت اقتصاد ملی، قرار گیرد. مدیریت شفاف و هوشمند منابع دفاعی، می‌تواند در دوران تحریم نیز جهش فناورانه ایجاد کند. مشکل اصلی اقتصاد ما، نه ارتش، بلکه ساختار رانتی، فساد اداری و تحریم‌های ظالمانه است. حذف نهاد نظامی، نسخه‌ای انحرافی است. امنیت پایدار، توسعه اقتصادی و اقتدار ملی در گرو تلفیق قدرت دفاعی، علمی و نرم است. راه حل، اصلاح سازوکارها است نه حذف نهادها

ادامه میزبانی ایران از مهاجران، تنها زیر چتر قانون

ایران، در ۴ دهه گذشته، با تحمل جنگ، تحریم و فشارهای اقتصادی، میزبان میلیون‌ها مهاجر بوده است. مردم و دولت ایران، با رویکرد انسانی و بی‌چشمداشت، خدمات گسترده‌ای نظیر؛ آموزش رایگان، بهداشت عمومی، آب، برق، گاز، نان و بنزین یارانه‌ای را در اختیار مهاجران قرار داده‌اند؛ خدماتی که حتی در کشورهای ثروتمند نیز به‌سختی در اختیار شهروندان قرار می‌گیرد، البته جامعه ایران نیز، از توان و فعالیت برخی مهاجران، بهره برده است

با این حال، در خلال این جنگ تحمیلی، بیش از گذشته متوجه شدیم که در سال‌های اخیر، مهمان‌نوازی ایران با چالش‌هایی روبه‌رو شده است. برخی از مهاجران، به‌جای قدردانی، وارد حوزه‌هایی شدند که با امنیت عمومی کشور در تعارض است. این دسته از رفتارها، نه تنها نظم جامعه را تهدید می‌کند، بلکه وجهه مهاجران قانونمدار را نیز آسیب‌پذیر ساخته است. از سوی دیگر، گاهی شاهد آن هستیم که بعضی افراد با استناد به برخوردهای موردی، اقدام به سیاه‌نمایی چهره ایران می‌کنند، این در حالی است که در کشورهای دیگر، با مهاجران برخوردهایی سختگیرانه‌تر صورت می‌گیرد

ایران، خانه‌ای مهربان بوده، اما نباید این مهربانی را با بی‌نظمی و قانون‌گریزی اشتباه گرفت. مشکل ما با مهاجران نیست، بلکه با بی‌قانونی است. ادامه همزیستی محترمانه، مستلزم رعایت اصولی چون؛ دریافت ویزای قانونی، اطلاع به پلیس از محل اقامت شبانه، پرداخت مالیات شفاف و منع استفاده از یارانه‌های خاص شهروندان ایرانی است. در غیر اینصورت، بازگشت تدریجی مهاجران غیرقانونی با رعایت اصول انسانی و حقوقی پیگیری خواهد شد

۴ دهه مهمان‌نوازی، برای ملت ایران، افتخار است. اما ادامه این مسیر، نیازمند نظم، قانون‌مداری و احترام متقابل است. همچنان ایران، منزلی امن، برای کسانی خواهد بود که به قانون و حرمت میزبان، پایبند بمانند



ابعاد جنگ ایران و اسرائیل و توقف ظاهری آن:

پیشنهادهایی برای آینده

زهرا شاقلانی پور

عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و

قانونگذاری استان قزوین



جنگ تحمیلی اسرائیل علیه ایران که از بامداد ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ آغاز شد، حاصل ماهها زمینه سازی نتانیاهو با بهانه جویی هسته ای بود. رژیم اسرائیل با حمله ناگهانی در زمان مذاکرات ایران و آمریکا و البته با اطلاع و زمینه سازی و عملیات فریب، با به شهادت رساندن جمعی از فرماندهان رده بالای نظامی، دانشمندان هسته ای و شهروندان عادی، به زعم خود سعی کرد کشور را، دچار خلأ قدرت کند و جنگ را به سرعت به پایان برساند، اما با مدیریت عالی و مدیرانه مقام معظم رهبری، در زمانی کمتر از ۱۲ ساعت، جایگزین تمامی فرماندهان منصوب شدند و ایران حملات خود را آغاز کرد. حملات به مرور زمان سنگین تر و دقیق تر شدند و هر روز تجهیزات جدیدی رونمایی شدند. اگرچه مقامات ایران، اعلام نموده اند که هنوز درصد اندکی از توان خود را نشان داده اند، انتقام سریع تهران و بهره گیری از ذخایر استراتژیک، محدودیت های اسرائیل را عیان کرد. اسرائیل ضربات سختی خورد و همین ضعف، آمریکا را به مداخله مستقیم واداشت و سپس با بازی های سیاسی ترامپ و اظهارات عجیبش و تمایل ظاهری دو طرف، جنگ متوقف شد. پیش بینی آینده از سرگیری جنگ، به دلیل پیچیدگی های سیاسی-نظامی و نقش بازیگران خارجی دشوار است، اما در صورت وقوع، موفقیت ایران منوط به ۹ محور کلیدی است: تقویت روحیه ملی، افزایش بودجه نظامی، توسعه فناوری های نوین (سایبری، هوش مصنوعی)، پیشرفت برنامه هسته ای، مدیریت هوشمندانه تنگه هرمز، هماهنگی با گروه های مقاومت، دیپلماسی فعال بین المللی، ترمیم سرمایه اجتماعی و بهره گیری از فرصت هایی مانند ماه محرم برای وحدت بخشی. راهبرد بهینه، در صورت از سرگیری جنگ، ادامه ضربات سریع و سنگین به منافع آمریکا و اسرائیل همراه با دیپلماسی تهاجمی است. در صورت تحمیل صلح به اسرائیل نیز، ایران باید امتیازات حیاتی شامل برداشتن بی قید و شرط تحریم ها، خلع سلاح منطقه ای اسرائیل، تشکیل دولت فلسطینی، به رسمیت شناسایی حق دفاع مشروع و غنی سازی نامحدود را کسب کند. کلید بقا در تبدیل همبستگی ملی به موتور محرک اقتصاد و امنیت، تحت رهبری هوشمندانه فرماندهی کل قواست. هرگونه اشتباه محاسباتی می تواند کار را برای ایران سخت کند، اما عبور موفقیت آمیز از این بحران، ایران را به قطب بی بدیل غرب آسیا تبدیل خواهد کرد

* مقدمه

ماجرای جنگ تحمیلی اسرائیل علیه ایران، اگرچه از ساعات اولیه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ (۱۳ ژوئن ۲۰۲۵) آغاز شد، شواهد نشان می دهد زمینه سازی آن ماه ها پیش انجام گرفته بود. اسرائیل، مدت ها در پی بهانه ای برای راه اندازی جنگ با ایران و پیشبرد پروژه تضعیف و تجزیه این کشور بود. ادعای نزدیکی ایران به سلاح هسته ای را نیز در حالی مطرح کرد که خود، دارنده صدها کلاهک هسته ای در غرب آسیاست و با سابقه ای آکنده از نسل کشی، هیچ تعهدی به قوانین بین المللی ندارد

رافائل گروسی با اظهارات مغرضانه اش، توجیهی برای حمله اسرائیل فراهم آورد. سرسپردگی او به این رژیم، با حضور در اسرائیل و دیدار با مقامات آن در شب مذاکرات سال ۱۴۰۱ ش. اثبات شده بود. مدارک نیروهای اطلاعاتی در خرداد ۱۴۰۴ ش.

نیز نشان می دهد او عملاً برای اسرائیل جاسوسی می کند. سالهاست نتانیاهو در مجامع سازمان ملل، با در دست گرفتن نقاشی هایی، دستیابی قریب الوقوع ایران به سلاح هسته ای را ادعا می کند؛ اما این بار گزارش گروسی، نقطه پایانی بر مذاکرات و آغازی بر جنگ بود. اسرائیل پس از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ م، با بزرگنمایی چند کشته، بهانه ای برای کشتار و نسل کشی در غزه ساخت. دو سال پس از آن، رویدادهایی چون شهادت فرماندهان حزب الله و حماس، نقض حریم هوایی ایران، پاسخ کنترل شده تهران، اعتراضات جهانی به نسل کشی و تضعیف چهره رسانه ای اسرائیل، رخ داد. شواهد حاکی است اسرائیل بیش از یک سال برای این جنگ تدارک دیده بود، اما ایران با دیپلماسی فعال، تلاش کرد هم از درگیری بپرهیزد و وضعیت معیشتی مردم را بهبود بخشد. رهبر ایران، با وجود مخالفت با شیوه مذاکره جاری، این فرصت را برای آزمودن



و حمایت آنان از نظام انجامید. اگرچه عملیات روانی اسرائیل در لبنان تا حدی موفق بود، ایران با پاکسازی گسترده خائنات و نفوذی‌ها، این سناریو را خنثی کرد

ترور و مظلوم‌کشی در ذات اسرائیل است. آن‌ها گمان می‌کردند ایران نیز با حذف سران، دچار هرج و مرج می‌شود، اما با ملتی مقاوم روبرو شدند. پس از حوادث ۱۴۰۱ ش. که به دوقطبی «دولت-ملت» انجامید و مورد حمایت آمریکا و اسرائیل قرار گرفت، این تصور شکل گرفت که ایران تضعیف شده و می‌توان با یک حمله ترکیبی، فروپاشی جمهوری اسلامی و تجزیه کشور را محقق کرد. در واقع، ایران قوی‌ترین مانع اسرائیل در مسیر هژمونی خاورمیانه است و دشمن از هر فرصتی برای ضربه‌زدن به آن بهره می‌برد. اگرچه در سال‌های اخیر عواملی از دلبستگی مردم به نظام کاسته، اما دستاوردهای چشمگیر نظامی ایران علی‌رغم تحریم‌ها، خصومت دشمنان را تشدید کرده است

ارتش پرهزینه و ناکارآمد اسرائیل در برابر جنگ‌های نامتقارن درمانده است و جامعه‌اش نیز دیگر به «امنیت نظامی» اعتمادی ندارد. این رژیم، اکنون در پی بازسازی توان تهاجمی از طریق خرید تجهیزات از متحدان (به‌ویژه آمریکا) است. ابعاد خسارات حمله ایران، هرچند با سانسور شدید می‌شود، اما انکارناپذیر است

در مقابل، ایران با ایجاد شوک به دشمن، به همبستگی اجتماعی بی‌نظیری دست یافته که محاسبات اسرائیل برای تغییر نظام را نقش بر آب کرد. حضور سه‌میلیونی مردم در تشییع شهدا گواه این ادعاست. اکنون ایران، توقف جنگ را به اسرائیل تحمیل کرده و باید با برنامه‌ریزی دقیق، از غافلگیری‌های آینده جلوگیری کند

* جنگ ایران و اسرائیل و ابعاد آن در جهان

واضح است که ایران، نباید درباره آلمان، فرانسه، انگلستان یا حتی آمریکا به اندازه اسرائیل نگران باشد. صهیونیسم برای جهان خطرناک است؛ چرا که پیروانش خود را وارثان زمین می‌دانند. آن‌ها پس از مسلمانان، به مسیحیان و دیگران نیز رحم نخواهند کرد. سران اروپا، گویی از کشتار مسلمانان به‌جای هم‌کیشان خود رضایت دارند. اروپاییان در ۸۰ سال گذشته با تسهیل اسکان صهیونیست‌ها در فلسطین، سایه شوم آن‌ها را از قاره خود دور کردند و اکنون چاره‌ای جز حمایت از اسرائیل ندارند

اردوغان و علی‌اف نیز چندان ناخرسند نخواهند بود،

راه‌حل‌های سیاسی و افزایش بلوغ اجتماعی در اختیار ملت گذاشت. با این حال، اقدامات آمریکا، اسرائیل و متحدانشان به شکست مذاکرات انجامید

در بحبوحه جنگ، دکتر عراقچی در دیدار با سران اروپا در ژنو، به تبیین مواضع ایران پرداخت تا برای تعامل با رسانه‌های جهانی فرصتی فراهم شود، اما ترامپ با نقض فرصت دو هفته‌ای اعلام‌شده، در روز دوم به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کرد. او در اقدامی خلاف قانون اساسی آمریکا و حقوق بین‌الملل، با بلوف و عملیات روانی (مانند ادعای نابودی فردو سابتی صدها متر زیرزمین که نابودی‌اش ناممکن است)، جنگ جدیدی را آغاز کرد. اسرائیل با به شهادت رساندن جمعی از فرماندهان رده بالای نظامی، دانشمندان هسته‌ای و شهروندان عادی، به زعم خود سعی کرد جنگ را به سرعت به پایان برساند، اما در زمانی کمتر از ۱۲ ساعت جایگزین تمامی فرماندهان منصوب شدند و ایران حملات خود را آغاز کرد. حملات به مرور زمان سنگین‌تر و دقیق‌تر شدند انتقام سریع تهران و بهره‌گیری از ذخایر استراتژیک، محدودیت‌های اسرائیل را عیان کرد و واشنگتن را به رویارویی منطقه‌ای کشاند که نه توان کنترل آن را داشت و نه قادر به مدیریتش بود. اکنون، داده‌های میدانی نشان می‌دهد اسرائیل با تخریب ۷۰ درصد سامانه‌های راداری، فرار ۴۵ درصد ساکنان تل‌آویو و کمبود شدید مهمات، در آستانه شکست عملیاتی است. ضربات سختی خورد و این ضعف، آمریکا را به مداخله مستقیم واداشت: استقرار ناوگان پنجم در خلیج فارس، ارسال تجهیزات نظامی و انتقال سامانه‌های پدافندی «پاتریوت» و «THAAD» به اسرائیل، و حملات هوایی به تأسیسات هسته‌ای کشور. انگیزه واشنگتن سه‌گانه بود: جلوگیری از فروپاشی اسرائیل تحت فشار لابی صهیونیستی، مهار بازدارندگی ایران و حفاظت از پایگاه‌های نظامی خود در کشورهای منطقه

پس از ورود آمریکا، به گفته سپاه پاسداران، «جنگ واقعی آغاز شد». ورود آمریکا نشانه «شکست قطعی رژیم صهیونیستی» است؛ رژیمی که نه به اهدافش رسید و نه ضربات سهمگین را تاب آورد. اقتصاد و فرهنگ آمریکا از طریق بنگاه‌ها و رسانه‌ها به اسرائیل گره خورده، اما ایران با تکیه بر ایمان و توان داخلی، در برابر اسرائیل وابسته به غرب، دست برتر را دارد تل‌آویو راه‌برد لبنان را قابل تکرار می‌پنداشت، اما اشتباهات محاسباتی فاحشی مرتکب شد؛ فرماندهی نظامی ایران گسترده، باتجربه و با قابلیت جایگزینی سریع است؛ وسعت جغرافیایی، امکان پراکندگی دارایی‌های حیاتی را فراهم می‌کند و اشتباه در سنجش انسجام داخلی ایران، به همبستگی بی‌سابقه مردم



شمال-جنوب ایران است و از عربستان می‌گذرد. کویت و بحرین اردوگاه تدارکاتی غرب، امارات متحده عربی هم‌پیمان عملیاتی اسرائیل و قطر (با ارسال کمک‌های پزشکی به ایران، در دوران کرونا و داشتن منافع مشترک با آمریکا و اسرائیل) بازیگر دوجبهی است. این کشورها، در «معمای امنیتی» گرفتارند؛ برای آنها همکاری با اسرائیل برایشان خشم مردمی به بار می‌آورد و بی‌طرفی، به از دست دادن حمایت آمریکا می‌انجامد. عمان، اگرچه در انتقال پیام‌های دیپلماتیک میانجی‌گری کرده و با پرواز جنگنده‌های غرب در فضای کشورش مخالف است، اما در کل، کشورهای عربی خلیج فارس بیش از آن‌که بازیگران مستقل باشند، ابزارهای ژئوپلیتیک در دست آمریکا و اسرائیل‌اند

اگرچه پاکستان دارای منافع مشترکی با ایران است و به شدت اسرائیل را محکوم کرده است، اما حفظ روابط با عربستان (تأمین‌کننده اصلی کمک‌های مالی) و حفظ شرایط موجود، سبب می‌شود متحد استراتژیک نباشد. کره شمالی نیز به شدت اسرائیل را محکوم کرده است. ایران می‌تواند از ظرفیت نظامی کره شمالی در زمینه انتقال فناوری موشک‌های هایپرسونیک «هواسانگ-۸» (Hwasong-۸) و تأمین مهمات متعارف، در ازای نفت ارزان‌قیمت، بهره‌بردار شود.

اگرچه ایران با GDP نیم‌تریلیون دلاری، اقتصاد بزرگی ندارد، اما همواره از نظر قدرت نظامی و بازدارندگی، خار چشم آمریکا، اسرائیل، اروپا و برخی کشورهای منطقه بوده است. سران غربی می‌دانند با نابودی اسرائیل، ایران قدرت بلامنازع منطقه می‌شود و آوارگان سرزمین‌های اشغالی به سوی اروپا سرازیر خواهند شد

آمریکا سال‌هاست در هیچ جنگی پیروز نشده است. تجربه نشان می‌دهد قدرت سخت فاقد مشروعیت نرم محکوم به شکست است. ایالات متحده با ریختن هزاران تن بمب بر ویتنام، عراق و افغانستان، نتوانست ثبات پایدار یا مشروعیت مردمی ایجاد کند. این همان سناریویی است که اسرائیل در غزه و لبنان تجربه کرد: تسلط موقت نظامی در برابر انزجار و مقاومت درازمدت. بحران کنونی رژیم صهیونیستی نه صرفاً به‌خاطر حماس، بلکه نتیجه ساختار تصمیم‌گیری است که هر تهدیدی را تنها با تسلیحات نظامی پاسخ می‌دهد. رژیم صهیونیستی، با اختصاص بیش از ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی به بخش نظامی و اتکاء به کمک‌های نظامی سالانه آمریکا (که بیش از ۳ میلیارد دلار در سال است)، در ظاهر، یکی از قله‌های قدرت

اگر رویدادهایی به تجزیه ایران بی‌انجامد. پشت پرده رفتار به‌ظاهر بشردوستانه و دیپلماسی‌نمای اردوغان، اندیشه احیای امپراتوری عثمانی نهفته است. او همچون علی‌اف به جدایی آذربایجان از ایران می‌اندیشد و پیش‌تر این موضوع را صریحاً و تلویحاً بیان کرده است

رقابت اقتصادی و سیاسی قدرت‌هایی چون چین، هند، روسیه و حتی کشورهای اروپایی با آمریکا، باعث شده است که احتمالاً از گرفتار شدن واشنگتن در این باتلاق، ناخشنود نباشند. چین با تولید ناخالص داخلی (GDP) ۲۰ تریلیون دلاری، به‌شدت در تعقیب آمریکا (با تولید ناخالص داخلی ۲۶ تریلیون دلاری) است.

پس از این دو، کشورهایی با تولید ناخالص داخلی ۵ تریلیون دلار یا کمتر قرار دارند که فاصله محسوسی با آن‌ها دارند. اگرچه چین، هم‌زمان از ورود آمریکا به جنگ و ارتباط با ایران سود می‌برد (به‌ویژه با افزایش واردات نفت از ایران در دوران جنگ)، اما سود آن چشمگیرتر از دیگران است. افزون بر این، ایران ۴۰ فروند جنگنده پیشرفته چینی را خریداری کرده که با توجه به قابلیت‌هایشان، قیمت هر فروند حدود ۵۰ میلیون دلار، نسبتاً مناسب است

روسیه به عنوان بازیگری حیاتی، اما محاسبه‌گر، نقش چندوجهی در این جنگ، ایفا می‌کند که بر پایه منافع ملی، رقابت با غرب و محدودیت‌های ناشی از جنگ اوکراین شکل گرفته است. تاکنون غیر از محکوم کردن‌های نمادین و اظهارات مسئولان، تأثیرگذاری محسوسی برای ایران نداشته و از درگیری مستقیم با آمریکا پرهیز می‌کند. افزون بر این، همکاری روسیه با اسرائیل (مهم‌ترین شریک فناوری‌های در خاورمیانه) و حضور جمعیت قابل توجهی با ریشه روسی در اسرائیل (به‌ویژه مهاجران پس از ۱۹۸۹م)، که به زبان روسی سخن می‌گویند، این رابطه را پیچیده‌تر کرده است

کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با توجه به وابستگی امنیتی به آمریکا، رقابت منطقه‌ای با ایران و ملاحظات اقتصادی، نقشی پیچیده‌ای ایفا می‌کنند؛ از تأمین سوخت ارزان برای ناوگان آمریکا تا ارائه پایگاه‌های نظامی و همکاری اقتصادی. آمریکا در ۱۹ کشور خاورمیانه از جمله بحرین، مصر و عربستان، پایگاه دارد. رقابت ایران و عربستان بر سر هژمونی منطقه‌ای، ریاض را به تضعیف دائمی ایران سوق داده است. عربستان همچنین با حمایت از آمریکا و اسرائیل در پی جلب پشتیبانی برای برنامه هسته‌ای غیرنظامی خود و کاهش ریسک همکاری‌های اقتصادی است. این کشور منافع مشترکی با اسرائیل دارد، از جمله در کریدور عرب-مدیترانه (IMEC) که رقیب کریدور

سخت جهانی است. اما این رژیم، در برابر موشک‌های بومی و تاکتیک‌های مقاومت مردمی، بارها و بارها از نوار غزه تا جنوب لبنان، زانو زده است

در برابر این ماشین جنگی پرهیاهو، جمهوری اسلامی ایران ایستاده است؛ قدرتی که نه از قراردادهای میلیاردی با غرب، بلکه از دل محرومیت و محاصره، زاده شد. ایران، نه عضو ناتو است و نه متحد منطقه‌ای قابل توجهی دارد و تنها نیروهای مقاومت در مقام ضرورت، پشتیبان ایران در منطقه هستند، اما به سلاحی متکی است که در هیچ زرادخانه‌ای یافت نمی‌شود: «ایمان به خدا، اتکاء به توان بومی و پیوند ژرف با عمق راهبردی منطقه». ایران علی‌رغم تحریم‌ها، با توسعه قدرت نرم از طریق پیوندهای اعتقادی، رسانه‌ای و انسانی، نفوذی ژرف‌تر و پایدارتر از موشک‌هایش ایجاد کرده که تحلیل آن برای غرب، ناممکن است. قدرتی که بدون پایگاه جهانی، بدون پیمان‌های نظامی و بدون لابی در واشنگتن، توانسته سامانه‌های پدافندی و موشکی طراحی کند تا اهداف را در قلب سرزمین‌های اشغالی نابود سازد، در حالی که مردمش به زندگی عادی ادامه می‌دهند، صادرات نفت را ۴۴ درصد افزایش داده و تاب‌آوری بی‌نظیری نشان داده‌اند



* آینده جنگ ایران و اسرائیل

پیش‌بینی آینده جنگ ایران و اسرائیل به دلیل پیچیدگی‌های سیاسی، نظامی و اجتماعی هر دو کشور و همچنین نقش بازیگران خارجی، بسیار دشوار است. عواملی مانند: شدت و وسعت عملیات میدانی طرفین، توافقی‌های دیپلماتیک، تحولات داخلی هر دو کشور، فشارهای بین‌المللی و نقش کشورهای بزرگ همچون ایالات متحده و روسیه می‌توانند تأثیر زیادی بر آینده این تنش‌ها، داشته باشند

به طور کلی، آینده این جنگ به شدت به تصمیمات سیاسی و نظامی بازیگران مختلف و شرایط جهانی و منطقه‌ای وابسته است. اگر قرار باشد، دیپلماسی و توافقی‌های بین‌المللی در دستور کار قرار گیرد، باید با محکوم کردن اسرائیل و تعیین غرامت سنگین برای او و محدود کردن نیروی نظامی او همراه باشد (به نحوی که فلسطینیان بتوانند آن را شکست دهند) و فضای سیاسی خاورمیانه را به نفع ایران تغییر دهد. به طوری که در صورت انجام مذاکرات فرضی، ایران دست کاملاً برتر را داشته باشد و البته این مطلب، نیز منوط به حضور قوی در میدان است

فعالیت‌های نظامی ایران و گروه‌های مقاومت، می‌تواند در جبهه‌های زمینی، هوایی و دریایی مزیت‌های راهبردی ایجاد کند، اما با توجه به پیشرفت‌های فناوریانه، جنگ‌های سایبری و اقدامات اطلاعاتی احتمالاً نقش بیشتری در درگیری‌ها ایفا خواهند کرد. ایران باید در این زمینه، انرژی و هزینه بیشتری صرف کند

در مجموع، عوامل کلیدی مؤثر بر موفقیت ایران

در ادامه جنگ با اسرائیل می‌تواند شامل این موارد باشد: (۱) تقویت و تشویق توان روحی ملت ایران، (۲) القای همبستگی تمام سطوح و ارکان نظام به خارج از مرزها (۳) افزایش بودجه نظامی کشور و تجهیز قوای نظامی کشور (۴) تجهیز فناوری‌های نوین جنگی (سایبری، فضایی، هوش مصنوعی)، (۵) پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران و خروج از معاهداتی که در راستای اهداف شوم غربی‌هاست، (۶) بستن یا مدیریت تنگه هرمز، (۷) همکاری گروه‌های مقاومت و نفوذ ایران در منطقه (۸) تقویت وضعیت سرمایه اجتماعی داخلی ایران و بازسازی رابطه ملت و حاکمیت (۹) دیپلماسی فعالانه‌تر برای جلب همکاری بین‌المللی

* نقشه بازیگران (Actors Mapping) جنگ ایران

و اسرائیل

در یک تحلیل، می‌توان بازیگران این نبرد را شامل بازیگران اصلی (Direct Actors)، نیابتی (Proxy)، متحد (Allied Actors) و تأثیرگذار جهانی (External Influencers) و آسیب‌پذیر (Vulnerable Actors) برشمرد که در ادامه به صورت جدولی ارائه شده است



* جدول بازیگران اصلی (Direct Actors)

بازیگر	هدف راهبردی	مواضع کلیدی	ابزار قدرت
ایران	بقاء نظام، حفظ محور مقاومت، توسعه نفوذ منطقه‌ای	خصوصیت رسمی یا اسرائیل، ضد غرب بودن، مواضع ایدئولوژیک	تیروهای مقاومت، موشکی، سایبری، هسته‌ای، روایت‌سازی
اسرائیل	نابودی نظام، جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، هژمونی نظامی	تهدید به حمله پیش‌دستانه و عملیاتی کردن آن، مخالف نفوذ ایران در منطقه، در صدد تجزیه و تضعیف ایران	برتری هوایی، اطلاعاتی و فناوری، ائتلاف یا غرب به ویژه آمریکا

* جدول بازیگران نیابتی (Proxy Actors)(نیروهای مقاومت)

نیابتی‌ها	حامی اصلی	توانمندی‌ها	حوزه عملیات
حزب الله لبنان	ایران	موشک‌های دقیق، جنگ نامتقارن	شمال اسرائیل، سوریه
جهاد اسلامی و حماس	قطر و ایران	حملات موشکی، تونل‌ها و عملیات روانی	کرائه باختری و غزه
کتابت حزب الله عراق		عملیات علیه پایگاه‌های آمریکا و اسرائیل	عراق و مرز سوریه
حوثی‌ها (انصارالله)	ایران	حملات به کشتی‌ها، پهپاد و موشک‌های برد بلند	یمن و دریای سرخ

* جدول بازیگران متحد (Allied Actors)

بازیگر	نوع حمایت	موضع‌گیری
ایالات متحده	حمایت نظامی، اطلاعاتی و دیپلماتیک	حامی کامل اسرائیل
عربستان سعودی، امارات، بحرین	همکاری امنیتی و اقتصادی غیرعلنی با اسرائیل	ضد نفوذ منطقه‌ای ایران
آذربایجان	تسهیلات اطلاعاتی و لجستیکی مرزی	همسویی استراتژیک با اسرائیل

* جدول بازیگران تأثیرگذار جهانی (External Influencers)

بازیگر	نقش در بحران
روسیه و چین	میانجی‌گری احتمالی برای مهار تنش، نگران انرژی
اتحادیه اروپا	همراهی یا آمریکا
ترکیه و عربستان	نقش چندوجهی، متغیر بسته به منافع اقتصادی و منطقه‌ای
کره شمالی	احتمال همراهی با ایران

* بازیگران آسیب‌پذیر (Vulnerable Actors)

بازیگر	جرایی آسیب‌پذیری
لبنان	احتمال نابودی زیرساخت‌ها در صورت جنگ با حزب الله
عراق	عرصه رقابت نیابتی، احتمال ناآرامی و ترور هدفمند
اردن	ترس از نفوذ ایران و حملات متقابل



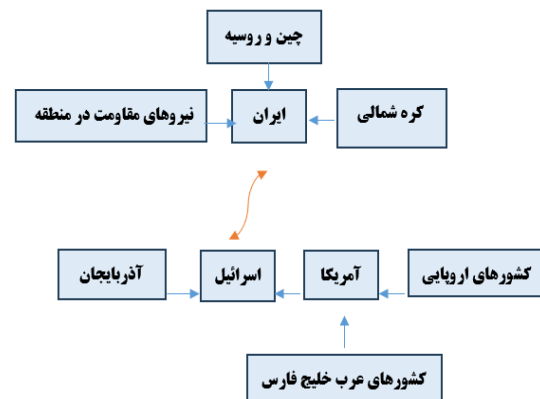
این پیش‌زمینه، تصمیم‌گیری آتی ایران درباره معاهدات بین‌المللی را تسهیل می‌کند در صورت ادامه تنش، جنگ باید سریع‌تر اداره شود اگرچه باید گزینه مصلحت‌سنجی را نیز در نظر گرفت. نکته اینجاست که وقتی جنگ طولانی می‌شود خسارت تبدیل به عدد می‌شود، آنچنان که در مورد عدد شهدا و آسیب دیدگان غزه، رخ داد. ایران باید در زمان کوتاهی میزان خسارت به دشمن را به بالاترین حد برساند و قبل از اجماع جهانی و فشار برای صلح، خسارت جبران‌ناپذیری بزند تا به فرموده رهبر معظم انقلاب آنها را به بیچارگی بیندازد. همچنین بازدارندگی ایجاد کند و با قدرت‌نمایی بیشتر، صلح پایدار برای منطقه به بار بیاورد.

به جای مسدود کردن تنگه هرمز، ایران باید هوشمندانه آن را مدیریت کند و از تنگه هرمز، به‌عنوان ابزار ژئوپلیتیک برای اعمال فشار بر غرب، بهره ببرد.

به این ترتیب، با کمک انصارالله و سایر نیروهای مقاومت، اقتصاد انرژی جهان را به گروگان بگیرد. این دیگ، نباید برای کشورهای عرب منطقه که سرمستانه پول نفت را به ترامپ می‌دهند، تا جنگ جدیدی را شعله ور کند، بجوشد. نظم‌دهی و مدیریت فعال تنگه هرمز و اجازه عبور به شرکای استراتژیک ایران، علاوه بر اینکه آنها را همراه‌تر می‌کند و منافع کشور را تأمین می‌کند، افزایش قیمت نفت و بیداری جهانی را رقم خواهد زد و بیش از پیش باطن اعمال نابخداخانه و جنایتکارانه آمریکا و اسرائیل را برای جهانیان آشکار خواهد ساخت. در گام نهایی و صورت جدی‌تر شدن جنگ، اجرای مین‌ریزی هوشمند در تنگه هرمز برای ۴۸ ساعت جهت افزایش قیمت نفت به ۱۵۰ دلار و فشار بر اروپا، امری غیر قابل اجتناب به نظر می‌رسد.

ایران در طول جنگ، تلاش کرد با حمله به بندر حیف‌ا طرح بلندپروازانه کریدور عرب - مدیترانه (IMEC) را منهدم کند و رویای اسرائیل را برای مقابله با کریدور شمال - جنوب ایران نقش بر آب کرد. حال، عربستان، امارات و هند هم که شرکای اسرائیل در این طرح بودند ضرر جبران‌ناپذیری متحمل می‌شوند؛ بنابراین اقداماتی از این دست باید بیشتر انجام شود تعلیق همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در روزهای اولیه توقف جنگ، حرکت به‌جا و هوشمندانه از سوی مجلس و دولت بود و به گفته مقامات کشور، تا زمانی ادامه خواهد یافت که تهران از رعایت کامل حاکمیت ملی و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران و تأمین امنیت مراکز هسته‌ای و دانشمندان هسته‌ای بر اساس چارچوب منشور سازمان ملل متحد و به تشخیص شورای عالی امنیت ملی، اطمینان حاصل کند؛ به این دلیل که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی،

* تصویر کلی تعاملی بازیگران مرتبط با ایران و اسرائیل



* اقدامات پیشنهادی برای ایران در صورت شروع

مجدد جنگ

در صورت شروع مجدد جنگ، ایران باید با تمام قوا - اما با تدبیر - کار را یکسره کند یا به مرحله‌ای برسد که در کوتاه‌ترین زمان و با کم‌ترین تلفات، اسرائیل را زمین‌گیر نماید؛ به‌گونه‌ای که فلسطینیان، توان مقابله و حذف کامل رژیم صهیونیستی را داشته باشند. خسارات وارده، باید حداکثری و بازدارنده باشد. تجربه عملیات «وعده صادق ۱ و ۲» نشان داد ضربات آن‌گونه که باید بازدارنده نبود. در آن مقطع، ایجاد خسارتی درخور، ضروری بود تا سطح مطلوبی از بازدارندگی حاصل شود.

غفلت از این امر، اسرائیل را به خطای محاسباتی واداشت و تصور کرد ایران فاقد توان مقابله است. تکیه اسرائیل به ادعاهای بی‌اساس رضا پهلوی درباره نفوذش در ایران نیز قابل توجه است؛ شخصیتی که با حفظ روابط نزدیک با رژیم صهیونیستی، تحت تأثیر القائات تجزیه‌طلبانه قرار دارد - دقیقاً همسو با اهداف اسرائیل برای تکه‌تکه کردن ایران. این روزها، رضا پهلوی ملاقات‌هایی نیز با شخصیت‌های آمریکایی دارد و در مصاحبه‌هایش از اسرائیل حمایت نموده است.

نکته هشداردهنده، اتخاذ سیاست عمده حمله به غیرنظامیان، توسط اسرائیل است که با تنظیم حساب‌شده شرایط، تاب‌آوری مردم را نشانه می‌گیرد. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران ایرانی: «مذاکره، اکنون بی‌ثمر است؛ ما سه بار از این مجرا آسیب دیده‌ایم. راه حل نهایی، میدان نبرد است.» هرگونه مذاکره پسینی باید معطوف به امتیازگیری ایران باشد؛ از لغو بی‌قید و شرط تحریم‌ها تا عهدنامه‌ای حاوی بازدارندگی حداکثری و به رسمیت‌شناسی حق غنی‌سازی در هر سطحی.



که همواره با فرد منتخب مردم، همراه است و صدای مردم را می‌شنود و گاه بر خلاف میل باطنی اجازه مذاکره یا فعالیتی را می‌دهد که می‌داند اثربخش نیست؛ او دیکتاتور نیست. رهبر ایران، کاری کرده است که بسیاری از افرادی که در دوقطبی خودی ناخودی، تحت عنوان ناخودی طبقه بندی می‌شدند، الان به طرفداری سرسختانه از ایشان می‌پردازند و باید این نکته را در نظر داشت

هم‌زمانی ماه محرم، معادلات را بیش از پیش به نفع ایران پیش خواهد برد. برپایی خیمه‌های عزاداری امام حسین (ع) که نه تنها مسلمانان ایران اعم از شیعه و سنی، بلکه غیرمسلمانان هم به آرمان‌ها و مظلومیت ایشان اعتقاد قلبی دارند، فرصت بی‌بدیلی است که به یکپارچه کردن بیشتر مردم ایران و بهره‌گیری از این سرمایه اجتماعی عظیم، خواهد انجامید

علما و مادحین و افراد تأثیرگذار باید از این فرصت برای همدلی و افزایش سرمایه اجتماعی و اشاعه کارهای خیر در جامعه و تقویت روحیه وطن دوستی ایرانیان بهره ببرند. جنگ روانی دشمن را می‌توان در ماه محرم، به خوبی خنثی کرد و البته در این روزها، مسئولین باید بیشتر با مردم سخن بگویند و صحبت‌های دلگرم کننده‌تری داشته باشند

استفاده از رسانه‌های داخلی و شبکه‌های اجتماعی برای خنثی‌سازی جنگ روانی دشمن ضروری است و باید سلبریتی‌ها و افراد ذی نفوذ و حتی افراد دگراندیش را که در زمان جنگ رویکردهای صحیحی اتخاذ نموده‌اند، به رسانه ملی دعوت نمود تا بر افکار عمومی اثرگذاری داشته باشند و صدا و سیما نیز از تک‌صدایی خارج شود.

به نظر می‌رسد استراتژی بهینه ایران در صورت ادامه این جنگ تحمیلی، ادامه دادن آن، ایجاد خسارت جدی و سنگین به منافع اسرائیل و آمریکا در منطقه و استفاده از این موقعیت، برای تثبیت قدرت خود در منطقه و جهان باشد

باید این همدلی به وجود آمده در کشور را پاس داشت و گوش به فرمان رهبر و مراجع تصمیم گیر بود. همچنان که فرماندهی کل قوا از آغاز مذاکرات تا امروز، استراتژی منطقی و حکیمانه‌ای را در پیش گرفته‌اند، از این پس نیز، تنها راه موفقیت توکل به خدا در سایه گوش سپردن به نظرات رهبری و فرماندهی کل قوا است.

با استانداردهای دوگانه به آپارتاید هسته‌ای و استفاده ابزاری از آژانس، به عنوان نهاد جاسوسی و ضد منافع ملی و بازدارنده ایران، در نیل به اهداف صلح طلبانه‌اش تبدیل شده است و نقش بازرسان و مدیرکل این آژانس، در ترور شهدای هسته‌ای و خرابکاری‌های سالهای گذشته، محرز شده است

مستندسازی خسارات و تلفات جنگ، اهمیت زیادی دارد و باید برای تخمین خسارات و تلفات جنگ کمسیون حقیقت‌یاب، ایجاد شود تا بتوان از طریق مجامع بین المللی تقاضای خسارت نمود. همچنین، ایران باید تمام کشورهای با ریشه تمدنی را با خود همراه سازد که جنگ تحمیل‌شده به ایران، ازجانب رژیم تروریست را به‌طور علنی محکوم کنند.

پیگیری‌های حقوقی بین المللی نیز، به طور جدی، باید دنبال شود و تأکید شود که تهاجم اسرائیل به ایران، از منظر قواعد بین‌المللی، نامشروع است و هیچ شاهدهی دال بر برنامه ایران، برای دستیابی به سلاح هسته‌ای وجود ندارد. ضمن این که اسرائیل هیچ مشروعیت و جایگاهی ندارد که خودسرانه به یکی از اعضای همکاری‌کننده با آژانس انرژی اتمی حمله کند

از سوی دیگر سرمایه اجتماعی آسیب دیده از حوادث سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ ش. به طرز حیرت انگیزی ترمیم یافته و یک موج همدلی و حماسی در جمع کثیری از ایرانیان، ایجاد شده است

توجه به قهرمانان ملی و مام وطن در سال گذشته نیز در ادبیات مردم، مسئولان و رهبر انقلاب به وضوح، قابل مشاهده است. ایران، شنبه ۳۱ خردادماه، مجسمه آرش کمانگیر را در یکی از مهم‌ترین میدان‌های پایتخت به طور رسمی رونمایی کرد. آرش، پهلوانی است که تمام جان خود را برای کشیدن کمانی که مرز را برای ایران تعیین کرد، گذاشته است.

حال، در شرایط پیچیده خاورمیانه و پس از حمله مستقیم آمریکا به ایران، باید مراقب افراط و تفریط گروه‌های سیاسی و افراد ذی‌نفوذ بود. شعارهای سازشکارانه از یک سو و احساسات غیر منطقی از سوی دیگر، می‌تواند ایران را در معرض خطر جدی قرار دهد، اما خوشبختانه بلوغ فکری که ایرانیان دارند در کشورهای منطقه بی‌نظیر است

این سطح بلوغ، حاصل بالا رفتن تحصیلات عموم مردم، بینش و زمینه‌سازی رهبر انقلاب بوده است

کلید بقای ایران در ترکیب هوشمندانه عملیات نظامی نامتقارن (سایبری، موشکی و نیروهای مقاومت) با دیپلماسی تهاجمی است. اگر رهبری بتواند سرمایه اجتماعی ناشی از همبستگی ملی را به موتور محرکه اقتصاد و امنیت تبدیل کند، ایران نه تنها از این بحران جان سالم به در می‌برد، بلکه به عنوان قطب بی‌بدیل مقاومت در غرب آسیا تثبیت خواهد شد.

با این حال، هر اشتباه محاسباتی می‌تواند به فروپاشی اقتصادی و امنیتی بی‌انجامد. نقش رهبری در کنار ملت، در عبور از این پیچ تاریخی، تعیین‌کننده سرنوشت ملت ایران است.

* ابتکار عمل ایران پس از صلح احتمالی

ایران اگر بتواند در جنگ تحمیلی، اسرائیل را مجبور به صلح کند، باید بتواند امتیازات خوبی بگیرد. اگرچه این امتیازات دست نیافتنی به نظر نرسد اما اگر خسارات ایران به اسرائیل سخت باشد، قابل دسترس خواهد بود.

تجربه تاریخی نشان داده، صلح‌های تحمیلی بدون اهرم‌های اجرایی، (مانند توافق ۱۹۷۳ مصر-اسرائیل) پایدار نمی‌مانند؛ بنابراین باید اهرم اجرایی مانند؛ خلع سلاح منطقه‌ای اسرائیل، محدود کردن برد موشک‌های اسرائیل به ۳۰۰ کیلومتر و انهدام ۵۰ درصد زرادخانه هسته‌ای آن تحت نظارت بین‌المللی، تشکیل کشور مستقل فلسطینی، منع پرواز جنگنده‌های رادارگریز و ممنوعیت پرواز در حریم هوایی لبنان، سوریه و عراق در نظر گرفته شود.

برداشتن بی‌قید و شرط کلیه تحریم‌ها، تثبیت حق دفاع مشروع ایران و به رسمیت شناختن حق ایران برای مقابله به مثل در برابر هر حمله‌ای در قالب «پاسخ نامتقارن» نیز باید از مفاد توافقنامه احتمالی باشد. بدیهی است، محاکمه افرادی که در آژانس با جاسوسی یا دادن اطلاعات مغرضانه، سال‌ها در ترور دانشمندان هسته‌ای نقش داشته‌اند و زمینه این تهاجم را فراهم کردند، باید در دستور کار قرار گیرد.





خدا، مردم و رهبری سه مؤلفه پیروزی،

ماندگاری و اقتدار جمهوری اسلامی

در تمام اعصار

مجید محمدنژاد

دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری

استان گلستان، هیأت علمی دانشگاه



پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ش. به رهبری پیامبر گونه امام خمینی (ره) بی شک انفجار نور بود. انقلابی که پس از گذشت نزدیک به نیم قرن در سخت ترین شرایط تحریمی، جنگ و کینه، عداوت و دشمنی از سوی ظالم ترین و جنایتکارترین افراد و دولت ها در طول تاریخ قرار گرفته است. کشوری با تمدن بزرگ و کهن و مردمانی استوار و دلیر که علی رغم همه مشکلات، همچنان با اقتدار ایستاده است، اما رمز این پیروزی ماندگار و اقتدار چیست؟ به نظر نویسنده، آنچه که سبب پیروزی و ماندگاری اقتدار این نظام مقدس و انقلاب اسلامی آن شده است را باید در سه مؤلفه خدا، خداپاوری و کمک خداوند متعال، سرمایه عظیم مردمی و انسانی آن و مدیریت عالمانه و هوشمند امامین آن جستجو کرد

۱- خدا

این سخن گوهر بار امام راحل (ره) در وصیت نامه ایشان است که اگر نبود دست خداوند متعال، امکان نداشت که جمعیت ۳۶ میلیونی (جمعیت ایران در اوائل انقلاب) در آن شرایط، تمام قدرت های داخل و خارج را کنار زده و خود، مقدرات کشور را به دست گیرد و تردیدی نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارت زده، عنایت شده است؛ لذا با این نگاه، می توان فهمید که خداوند، همواره نگاه یدالهی خویش را بر مردم و این انقلاب حفظ کرده است و حوادث قبل و بعد از انقلاب و آنچه در این جنگ ۱۲ روزه تحمیلی اتفاق افتاد، به خوبی گواه این است که خداوند همواره یاور و پشتیبان این مردم و انقلاب بوده است

۲- مردم

آنچه که بیش از موشک، اسحله و ادوات جنگی برای کشور و نظام اسلامی ارزش دارد و مهم است سرمایه نیروی انسانی آن است. همگان دیدیم و امروز نیز می بینیم که همواره آنچه در شکل گیری، پیروزی و ماندگاری این انقلاب، تعیین کننده و سرنوشت ساز بوده است، وجود مردم متعهد، وفادار، وطن پرست و عاشق به مبانی دینی و ملی بوده است. هویت

ایرانی اسلامی این مردم، نشان داد که در همه اعصار و دهه های گذشته، همواره این مردم بودند که فارغ از هرگونه نگاه سیاسی، حزبی، قومیتی و ... آنچه برایشان به عنوان یک اصل مهم و خط قرمز محسوب می شود، خاک وطن و اعتقادات آنان است و بی دلیل نیست که امام راحل در وصیت نامه می فرماید: «من با جرات مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر، بهتر از ملت حجاز، در عهد رسول الله و کوفه و عراق در عهد امیرالمومنین و حسین بن علی (ع) می باشند». این مردم وفادار و متعهد همواره بزرگترین حامی و سرمایه نظام و انقلاب در بحرانی ترین شرایط کشور، همچون جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بودند. آنچه از وفات و وحدت ملی در جنگ اخیر، اتفاق افتاد بی شک یکی از زیباترین و ماندگارترین قاب های گرفته شده بود. مردمی که با وجود برخی تنگنای معیشتی و اقتصادی حاصل از تحریم های ظالمانه نظام سلطه، احزابی که خارج از اختلافات حزبی و گروهی، قومیت هایی که فارغ از نگاه قومی قبیله ای، سلبریتی ها، شخصیت های تأثیرگذار علمی، اجتماعی و فرهنگی، بدون در نظر گرفتن اختلاف دیدگاه، با تمام وجود پای میهن خویش و ایران سربلند ایستادند. قطعاً این وحدت بی نظیر، وظیفه مسئولین نظام را در حفظ و پاسداشت این سرمایه بی نظیر، بیش از پیش سخت تر خواهد کرد.

۳- رهبری

در کنار دو مؤلفه لازم و ملزوم خدا و مردم که باید در کنار هم باشند، مؤلفه مهم و تأثیرگذار دیگری که رهبری و هدایت می کند و به نوعی کامل کننده دو مؤلفه دیگر است، بی شک رهبری و مدیریت جامعه اسلامی است. آنچه که در تاریخ انقلاب اسلامی، شکل گیری و ماندگاری آن به وضوح دیده می شود، رهبری پیامبر گونه و عالمانه امام خمینی (ره) و در ادامه رهبری حکیمانه، هوشمندانه و شجاعانه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای بوده است که توانسته است، در اوج مشکلات و سختی ها، کشور و انقلاب اسلامی را مدیریت کرده و به عنوان عامل تأثیرگذار و اطمینان بخش، جامعه اسلامی را رهبری و هدایت کند. آنچه امروز می بینیم مدیریت شجاعانه و هوشمندانه رهبری عزیز است که در آینده نگری و حل مشکلات و فتنه های ایجاد شده و در جنگ ۱۲ روزه، خود را مجدداً نمایان ساخت. اقتدار، صلابت و شجاعت رهبری، سبب آرامش روحی روانی، تزریق روحیه امید و اعتماد به نفس در جامعه، نیروهای نظامی، امنیتی، دستگاه های اجرایی، دولت، مجلس و ... گردید. اگر نبود شخصیت دلیر، شجاع و برجسته رهبر معظم انقلاب، امکان نداشت اینگونه



وحدت و انسجام ملی در کشور شکل گرفته و همه آحاد مردم، یکپارچه در مقابل دشمن متجاوز صهیونیستی و ارباب آمریکایی آن بایستند و او را مجبور به عقب نشینی و آتش بس نمایند

* نتیجه گیری:

مسلم است که تا زمانی که انقلاب اسلامی سه مؤلفه مهم خدا، مردم و رهبری را دارد، توانایی و قدرت ایستادگی در مقابل همه دشمنان، خائنان و بدخواهان به کشور و مردم را دارد و خدای ناکرده کم توجهی و یا عدول از هر کدام از این مؤلفه ها سبب تضعیف خواهد شد

به امید پیروزی و عزت اسلام و ایران عزیز

تحلیل وحدت و انسجام ملی و اثرات آن در جنگ ۱۲ روزه

محمدرضا داداشی

عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری

استان گلستان، هیأت علمی دانشگاه



و نظامی سریع و هماهنگ انجام شود و منابع و امکانات به صورت بهینه برای مقابله با دشمن بسیج گردد.

* جلوگیری از نفوذ دشمن: وقتی جامعه در برابر فشارهای خارجی متحد باشد، دشمن، نمی تواند به سادگی از شکاف های اجتماعی سوءاستفاده کند و موجب تفرقه و تضعیف جامعه شود.

* ۳. نتایج حاصل از وحدت و انسجام ملی در جنگ ۱۲ روزه

* پیروزی های میدانی و سیاسی: انسجام ملی، زمینه ساز موفقیت های نظامی متعدد شد که در نهایت به تثبیت جایگاه کشور در منطقه کمک کرد.

* افزایش اعتماد عمومی: پس از جنگ، مردم با تجربه مشترکی که داشتند، اعتماد بیشتری به یکدیگر و به نهادهای دولتی پیدا کردند که این موضوع، در روند بازسازی و توسعه کشور بسیار مؤثر، بود.

* تقویت هویت ملی: جنگ ۱۲ روزه، موجب شد که احساس تعلق به وطن و هویت ملی، در بین مردم تقویت شود و نسل های بعد نیز این احساس را به عنوان بخشی از تاریخ خود حفظ کنند.

* ایجاد همبستگی در برابر تهدیدات آتی: تجربه موفقیت آمیز این جنگ، الگویی برای مقابله با تهدیدات بعدی شد که هر زمان مردم یکپارچه شدند، توانستند از کشور دفاع کنند.

جنگ ۱۲ روزه، یکی از رویدادهای مهم و تأثیرگذار در تاریخ معاصر کشور ما بود که علاوه بر تأثیرات نظامی و سیاسی، نقش بسیار پررنگی در تقویت وحدت و انسجام ملی، ایفا کرد. این جنگ، که در بازه زمانی کوتاه، اما بسیار حساس اتفاق افتاد، نشان داد که هرگاه ملت در برابر تهدیدات خارجی به هم پیوسته و یکپارچه شوند، توانایی مقاومت و پیروزی های بزرگی را دارند

۱. مفهوم وحدت و انسجام ملی در بستر جنگ

وحدت ملی، به معنای همدلی، همبستگی و یکپارچگی مردم یک کشور در جهت اهداف مشترک است. انسجام ملی نیز به ارتباط عمیق و پیوسته بین اقوام، اقشار و گروه های مختلف جامعه، اشاره دارد که موجب تقویت روحیه ملی و توان دفاعی می شود. در زمان جنگ ۱۲ روزه، این دو عامل، به عنوان مهم ترین مؤلفه های مقابله با تهدیدات خارجی بودند

۲. نقش وحدت و انسجام ملی در جنگ ۱۲ روزه

* ایجاد روحیه مقاومت و ایثار: انسجام و وحدت میان اقشار مختلف مردم، سبب شد تا همه در قالب یک جبهه متحد در برابر دشمن، ایستادگی کنند. این همبستگی اجتماعی، موجب شد تا افراد با روحیه ای بالا و انگیزه مضاعف به دفاع از سرزمین خود بپردازند.

* افزایش کارآمدی مدیریت بحران: وحدت ملی، موجب شد تصمیم گیری ها در سطح سیاسی

۴. چالش ها و ملاحظات

اگرچه وحدت و انسجام ملی، تأثیر بسیار مثبت و مهمی داشت، اما باید توجه داشت که حفظ این انسجام، نیازمند مدیریت هوشمندانه پس از جنگ است. هرگونه غفلت یا سیاست های نادرست، ممکن است موجب تفرقه و کاهش قدرت ملی شود

* جمع بندی

در نهایت، جنگ ۱۲ روزه نه تنها یک نبرد نظامی، بلکه آزمونی بزرگ برای نشان دادن قدرت وحدت و انسجام ملی بود. این جنگ به روشنی نشان داد، که زمانی که یک ملت به دور از اختلافات داخلی، با همدلی و همبستگی در مقابل دشمنان ایستادگی کند، قادر است حتی در شرایط سخت به موفقیت های بزرگ دست یابد و امنیت و ثبات خود را حفظ کند. این تجربه تاریخی باید همواره به عنوان یک درس مهم برای حفظ و تقویت وحدت ملی در شرایط کنونی و آینده مدنظر قرار گیرد

پیروزی ایران در جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل؛ تحلیل نقش حکمرانی

ولایت فقیه در تحقق آن

افسانه دلشاد

عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان گلستان

هیأت علمی دانشگاه



مقدمه:

جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل، نقطه عطف سرنوشت سازی در تاریخ معاصر منطقه خاورمیانه است که با پیروزی ایران، نقش کلیدی و بی بدیل ولایت فقیه، به عنوان رهبری عالی و هدایت کننده کلان نظام جمهوری اسلامی در این موفقیت بیش از پیش روشن می شود. ولایت فقیه، به عنوان عالی ترین نهاد رهبری در جمهوری اسلامی، علاوه بر هدایت استراتژیک نظامی، در حفظ وحدت ملی، مدیریت بحران، تقویت روحیه مقاومت و راهبری دیپلماسی هوشمندانه نقشی تعیین کننده ایفا کرد که در ادامه ۱۵ بعد مختلف این نقش تحلیل شده است

۱- رهبری راهبردی و هدایت کلان جنگ:

ولایت فقیه با درک عمیق از پیچیدگی های امنیتی منطقه، راهبرد کلی دفاع فعال را تعیین کرد که مبنای تمامی عملیات نظامی، اطلاعاتی و امنیتی قرار گرفت. تصمیم گیری های کلان و صدور فرمان های مهم از سوی ایشان، سبب شد تا نیروهای مسلح با هماهنگی دقیق و انسجام کامل، در برابر تهدیدات دشمن واکنش نشان دهند. رهبری حکیمانه، با تمرکز بر استفاده از ظرفیت های بومی، فناوری های

نوین دفاعی و تقویت همکاری های منطقه ای موجب شد، ایران بتواند، برتری راهبردی خود را به اثبات برساند. در این مرحله، ولایت فقیه با نظارت مستمر بر جریان اطلاعات و اوضاع میدانی، مسیر حرکت نیروها را به صورت هوشمندانه و بر اساس تغییرات لحظه ای تنظیم نمود. همچنین، تعیین خطوط قرمز و اولویت بندی اهداف نظامی، سبب شد تا منابع کشور به صورت بهینه مصرف شود

۲- حفظ وحدت ملی و تقویت روحیه مقاومت:

ولایت فقیه در این جنگ، با صدور بیانات مکرر و پیام های معنوی، توانست روحیه مقاومت در میان مردم و نیروهای مسلح را تقویت کند، همبستگی داخلی را حفظ کند و مردم را به ایثار و مقاومت فراخواند. این نقش معنوی، زمینه ساز افزایش انگیزه و استقامت در شرایط سخت جنگ، شد. ولایت فقیه همچنین با مدیریت صحیح رسانه ها و فضای اطلاع رسانی، از بروز ناهماهنگی ها و نارضایتی های داخلی جلوگیری کرد و فضای روانی جامعه را به نفع حفظ امنیت و آرامش هدایت نمود. این اقدام ها، سبب شد که تهدیدات روانی دشمن در داخل کشور بی اثر شود و مردم با اتحاد و ایمان به پشتوانه رهبری، در برابر حملات



دشمن بایستند

۳- حمایت از جبهه مقاومت منطقه‌ای:

رهبری ولایت فقیه با نگاه راهبردی به منطقه، همواره بر ضرورت حمایت از جبهه‌های مقاومت تأکید داشت. این حمایت‌ها که شامل تسلیح، آموزش، پشتیبانی مالی و دیپلماتیک بود، به ایران امکان داد تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های منطقه‌ای، از توان نیابتی گروه‌های مقاومت برای مقابله با اسرائیل استفاده کند. ولایت فقیه با ایجاد و تقویت محور مقاومت، نه تنها توان نظامی ایران را افزایش داد، بلکه به بازتعریف توازن قوا در سطح منطقه کمک کرد. این محور مقاومت، سبب شد تا جنگ ۱۲ روزه صرفا درگیری محدود نظامی نباشد، بلکه به تقابل چندجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شود که در آن ایران با تکیه بر هم‌پیمانانش به قدرت غیرقابل انکاری، تبدیل شد.

۴- مدیریت بحران و دیپلماسی هوشمندانه:

در عرصه دیپلماسی، ولایت فقیه نقش رهبری هوشمندانه را ایفا کرد که توانست ضمن حفظ انسجام داخلی، از طریق دیپلماسی عمومی و مذاکرات غیرمستقیم، مشروعیت بین‌المللی ایران را افزایش دهد و فشارهای سیاسی دشمن را کاهش دهد. این رویکرد، شامل استفاده از رسانه‌های رسمی، همکاری با نهادهای بین‌المللی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوقی بین‌المللی برای پیگیری پرونده‌های حقوقی علیه اسرائیل بود. علاوه بر این، مقام معظم رهبری با تعیین خطوط قرمز روشن در مذاکرات هسته‌ای و امنیتی، قدرت چانه‌زنی ایران را تقویت نمود و از فرصت‌های دیپلماتیک برای کاهش تنش‌ها بهره گرفت. دیپلماسی متوازن سبب شد تا دستاوردهای نظامی ایران در میدان جنگ، با موفقیت‌های سیاسی نیز همراه شود و جایگاه ایران در منطقه و جهان، ارتقاء یابد.

۵- تقویت بازدارندگی و توسعه توانمندی‌های دفاعی:

رهبر معظم انقلاب، با توجه به اهمیت فناوری‌های نوین و خودکفایی دفاعی، حمایت مستمر خود را از پژوهش‌های علمی و پروژه‌های دفاعی به ویژه در حوزه پهپادها، موشک‌های پیشرفته، جنگ الکترونیک و امنیت سایبری اعلام کرد. این توجه، زمینه‌ساز برتری ایران شد و موجب تضعیف هیمنه نظامی اسرائیل و متحدان غربی‌اش گردید. توسعه زیرساخت‌های دفاعی، آموزش نیروی انسانی متخصص و افزایش همکاری‌های منطقه‌ای نیز از دیگر اقدامات مهم بود که همه با هدایت مستقیم ولایت فقیه، صورت

گرفت. این اقدامات، به ایران اجازه داد تا در مقابل تهدیدات پیچیده دشمن، با آمادگی کامل عمل کند و پاسخ‌های بازدارنده و دقیق ارائه دهد.

۶- تأثیرات اجتماعی و فرهنگی:

ولایت فقیه، سیاست‌های حمایتی و فرهنگی را مدنظر داشت. با تأکید بر حفظ انسجام اجتماعی، ارتقای فرهنگ ایثار و شهادت و حمایت از خانواده‌های شهدا و مجروحان، توانست از آسیب‌های اجتماعی ناشی از جنگ بکاهد. همچنین با راهبری برنامه‌های آموزشی و رسانه‌ای، نسل جوان را نسبت به اهمیت مقاومت و دفاع از کشور آگاه ساخت. این نقش فرهنگی و اجتماعی، موجب شد که جامعه ایرانی پس از پایان جنگ، با انسجام و نشاط بیشتری به بازسازی و توسعه کشور بپردازد و تجربه‌های ارزشمندی را در حوزه مقاومت و دفاع ملی به دست آورد.

۷- جایگاه حقوقی و بین‌المللی ولایت فقیه:

ولایت فقیه، با هدایت مستمر تلاش‌های دیپلماتیک و حقوقی، ایران را در مجامع بین‌المللی به عنوان مدعی حق و قربانی تجاوز معرفی کرد. تشکیل تیم‌های حقوقی، مستندسازی دقیق جنایات جنگی دشمن و استفاده از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی، از جمله این اقدامات بود. این رویکرد حقوقی سبب شد تا ایران بتواند با ارائه پرونده‌های مستند، حمایت افکار عمومی جهانی و نهادهای حقوق بشری را جلب کند و فشار سیاسی و اقتصادی علیه اسرائیل و حامیان آن را افزایش دهد.

۸- دیپلماسی مقاومت و تأثیرات آن:

ولایت فقیه با حمایت از شبکه‌های مقاومت در سراسر منطقه، موفق شد جبهه‌ای متحد و استراتژیک ایجاد کند و اسرائیل را مجبور به عقب‌نشینی کند. این دیپلماسی مبتنی بر قدرت نظامی و سیاسی ایران، سبب شد که حتی کشورهای فرامنطقه‌ای نیز، به نوعی مجبور به بازنگری در سیاست‌های خود شوند. این رویکرد راهبردی که توسط ولایت فقیه هدایت شد، نشانه‌ای از بلوغ و توسعه قدرت نرم و سخت ایران در عرصه بین‌المللی است.

۹- پیام‌های رهبری و تقویت روحیه ملی:

رهبر معظم انقلاب با صدور پیام‌های امیدوارکننده و قاطع، روحیه مقاومت و امید را در میان مردم و نیروهای مسلح حفظ کردند. ایشان بارها بر «شکست‌ناپذیری ملت ایران» و «لزوم حفظ وحدت و هوشیاری» تأکید کردند و هر گونه تسلیم یا عقب‌نشینی را مردود دانستند. این پیام‌ها نه تنها موجب تقویت ایمان و

انگیزه جنگی نیروها شدند، بلکه به عنوان خطمشی سیاسی و فرهنگی در داخل و حتی منطقه نیز عمل کردند؛ چرا که نشانه‌ای از اراده قوی ایران در مواجهه با تهدیدات بود

۱۰- نوآوری در فرماندهی و مدیریت مبتنی بر هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین:

ولایت فقیه با حمایت از توسعه سامانه‌های فرماندهی و کنترل مبتنی بر هوش مصنوعی و فناوری‌های پیشرفته، به نیروهای مسلح امکان داد تا با سرعت بالا و دقت بی‌نظیر، تصمیمات نظامی را در میدان جنگ اتخاذ کنند. این نوآوری، زمینه تسلط اطلاعاتی و عملیاتی ایران را فراهم کرد و سبب شد که ایران در این جنگ ۱۲ روزه، توان مقابله و ضربات دقیق به دشمن را داشته باشد. چنین پیشرفت‌هایی که در چارچوب سیاست‌های راهبردی و دفاعی رهبر معظم انقلاب دنبال می‌شود، ایران را به یکی از پیشگامان فناوری‌های نظامی در منطقه تبدیل کرده است

۱۱- تقویت امنیت داخلی از طریق اقدامات پیشگیرانه:

ولایت فقیه، با دستور به تقویت نهادهای امنیتی داخلی و شبکه‌های اطلاعاتی، توانست از نفوذ و خرابکاری دشمن در داخل کشور جلوگیری کند. این امر، نه تنها به حفظ آرامش روانی و اجتماعی کمک کرد، بلکه مانع از ایجاد شکاف و تفرقه در جامعه شد. چنین مدیریت امنیتی هوشمندانه، موجب شد که ایران در زمان بحران، با کمترین آسیب‌های داخلی و بیشترین تمرکز بر مقابله با دشمن خارجی مواجه شود

۱۲- ارتقای ظرفیت‌های نوین دیپلماسی سایبری و جنگ نرم:

رهبر معظم انقلاب، بر اهمیت جنگ نرم و فضای سایبری تأکید فراوان داشتند. تحت هدایت ولایت فقیه، ایران توانست با استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی سایبری، افکار عمومی جهانی را متأثر ساخته و جبهه رسانه‌ای دشمن را به چالش بکشد. در این ۱۲ روز، عملیات‌های سایبری و فرهنگی هوشمندانه، روحیه مردم ایران و متحدان منطقه‌ای را تقویت و پروژه‌های تبلیغاتی دشمن را ناکام گذاشت

۱۳- ایجاد مکانیسم‌های نوین هماهنگی میان نیروهای نظامی، اطلاعاتی و مردمی:

ولایت فقیه، با راهبری ساختارهای فرماندهی یکپارچه و ایجاد ارتباط نزدیک میان نیروهای نظامی، اطلاعاتی، امنیتی و بسیج مردمی، توانست ظرفیت واکنش سریع و هماهنگ را به حداکثر برساند. این مکانیسم، سبب شد که همه بخش‌ها در خط مقدم و پشت جبهه با یکدیگر هم‌افزایی کرده و عملیات‌ها با هماهنگی و اثربخشی بالا انجام شود

۱۴- نقش فرهنگی و ایجاد مقاومت جهانی:

ولایت فقیه، نقش نماد مقاومت و عدالت‌طلبی را ایفا کرد که الهام‌بخش مردم ایران و جنبش‌های آزادی‌خواه در سراسر جهان شد و به عنوان سمبل مقابله با ظلم و استکبار شناخته شد

۱۵- مدیریت هوشمند پیامدهای اقتصادی جنگ:

رهبر معظم انقلاب، با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی و حمایت از صنایع دفاعی، توانستند از تشدید بحران‌های اقتصادی ناشی از جنگ جلوگیری کنند. تأکید بر خودکفایی، حفظ ثبات اقتصادی و حمایت از تولید ملی، تضمین‌کننده استمرار منابع مالی و لجستیکی مورد نیاز، برای ادامه نبرد و تثبیت پیروزی بود



تحقق وعده الهی در ۱۲ روز حماسه

مسعود یحیی زاده

دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان گیلان



سؤالات اصلی این است.

- ۱- آیا ایران در رفتار با کشورهای همسایه و هم مرز، حس عدم اطمینان و امنیت، به وجود آورده است؟
- ۲- آیا منافع مشترک ایران با کشورهای هم مرز و همسایه، در استقرار پایگاه نظامی و امنیتی، بازدارندگی به وجود نمی آورد؟

در این خصوص، باید رویکرد و اقدامات ایران در حوزه سیاست خارجی با همسایگان و کشورهای هم مرز، مورد بررسی مجدد قرار گیرد، با این هدف که، هرگونه بهانه و زمینه روی آوردی این کشورها در همکاری نظامی و امنیتی با کشورهای مداخله گر فرامنطقه‌ای، روند تقلیلی یابد

مرور نظرات کارشناسان سیاسی و امنیتی در جنگ تحمیلی اخیر، حاکی از این دارد که پایگاه‌های برخی کشورهای همسایه مانند آذربایجان در عملیات‌های هوایی مؤثر بوده‌اند؛ لذا جا دارد در این خصوص دو اقدام لازم در دستور کار قرار گیرد

نخست؛ تقویت بخش نظامی و دفاعی در مقابله با اقدامات مشابه در آینده و دوم؛ افزایش سطح روابط دیپلماسی در خلق منافع مشترک، با ارزش بالا، در خنثی سازی زمینه‌های همکاری بیشتر نظامی این کشورها با آمریکا و اسرائیل

چنانچه بخواهیم ظرفیت‌های ناهمسویی کشورهای همسایه با ایران را رتبه بندی نماییم، کشور نوظهور آذربایجان رتبه بالایی از ناهمسویی دارد، سرمایه گذاری بلندمدت رژیم صهیونیستی در زیر ساخت‌های مخابراتی و کشاورزی در سال‌های اخیر، اقدامات تحریفی تاریخی در تحریک جامعه در خصوص تاریخ سازی و خلق جغرافیای خیالی منطقه در سطح مدارس و دانشگاه‌ها، حمایت از رفتارهای تجزیه طلبانه داخلی، کمک‌های تسلیحاتی و اطلاعاتی اسرائیل در بحران قره باغ، بهره گیری از نیروهای تکفیری در سازمان رزمی، دائر کردن

در بهره گیری از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک و دیپلماسی ایران با کشورهای همسایه، طیفی از دو استراتژی وجود دارد: انبساطی (Expansive) و انقباضی (Restrictive)، که در جریان جنگ تحمیلی اخیر رژیم اشغالگر صهیونیستی به ایران، قابل بررسی است. در هردو استراتژی، رویکردها باید جنبه توسعه و تحکیم روابط داشته باشد، اما در استراتژی انقباضی، ضرورت دارد به جنبه‌های تنبیهی و بازدارندگی در روابط نیز، توجه ویژه شود

موقعیت برتر جغرافیایی، ایران را قادر می سازد بین ۵ حوزه دریایی خلیج فارس، دریای عمان، دریای کاسپین، دریای سیاه و دریای مدیترانه، اتصال برقرار کند که کشورهای همسایه ایران نیز در این محدوده ژئواستراتژیک نقش فعالی دارند، پیش فرض ما این است که همسایگان ایران، برای همراهی تا تقابل کامل با جمهوری اسلامی ایران، طیفی از رفتارها را برمیگزینند که متناسب با منافع مشترک یا منافع تحمیلی به آنان قابل توجه است

هرگونه اختلال و ناهماهنگی در روابط و رفتارهای ناسازنده، زمینه حرکت همسایگان به سوی رفتارهای منفی با نظام ایران را در بردارد که عبارتند از، مواضع سیاسی منفعل (غیر قابل اطمینان)، اقدامات سیاسی مسئله ساز، ایجاد پایگاه نظامی - امنیتی

کشورهای همسایه و هم مرز ایران، بخشی از سرزمین خود را برای بهره برداری نظامی در اختیار کشورهای متخاصم، در رأس آنان ایالات متحده و اسرائیل قرار داده‌اند از جمله؛ کویت، قطر، امارت عربی متحده، بحرین، عربستان، عراق، آذربایجان، پاکستان، افغانستان، ترکیه، سوریه و اردن. این کشورها، برای ایجاد امنیت و همچنین برخورداری از فرصت‌های اقتصادی و فناوری‌های نوین کشورهای غربی و پیشگیری از گسترش قدرت‌های نوظهور منطقه‌ای مانند ایران، با توافق تحمیلی یا اختیاری موافقت نمودند تا این پایگاه‌ها در خاکشان ایجاد شود و در خصوص استقرار و توسعه آن‌ها به طور مستمر، میلیون‌ها دلار سرمایه گذاری کرده‌اند



بال های هویت بخشی و تمدن ساز

ایران اسلامی

مرتضی علویان

دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری

استان مازندران، هیأت علمی دانشگاه



جهان، در ربع آخر قرن بیستم، شاهد تحول عظیم گفتمانی بوده است که از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، آغاز گردیده و تاکنون بعد از گذشت ۴۶ سال، در حال در نور دیدن آن، در ابعاد گوناگون است. این تحول عظیم نخستین بار، تمامی نظریه های موجود جهان، پیرامون انقلاب ها را به چالش کشید و نسل جدیدی از نظریه ها را تولید کرد که به نسل چهارم نظریه ها، معروف شده است که در آن ها، عنصری کلیدی که در نظریه های و تئوری های قبلی از آن غفلت شده و یا عمدا کنار گذاشته شده است، به عرصه میدان نظری، قدم گذاشته است. کلید واژه هایی همچون معنویت، انگیزه های الهی، ایشار، عدالت، جان فشانی ها و... نمایان گردید و شاه کلید این تمدن، بهره های توحیدی و الهی بوده است که نتیجه آن پیروزی و موفقیت در تحقق یک انقلاب با عناوین فوق الذکر است که در آثار اندیشمندان نیز، ظهور و بروز نموده است. این تحول گفتمانی، زمینه های بازتولید تمدن جدید را پایه ریزی نموده است که دارای دو بال ایرانی و اسلامی است، تمدن نوین اسلامی- ایرانی با ظرفیت عظیم تاریخی و اعتقادی، طی چند دهه گذشته، عرصه رویارویی گفتمانی و همچنین میدانی را با دیگر آثار تمدنی فراهم نموده است این آثار در چهره های مادیرایانه با سویه هایی همچون سوسیالیسم، لیبرالیسم و ناسیونالیسم قابل مشاهده بوده است، در مواجهه با سوسیالیسم، اقدام بزرگ بنیان گذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) در پیام به گورپاچف، آخرین رئیس جمهور شوروی سابق، نمایان شد و در مواجهه لیبرالیسم، همچنان در حال گسترش و شکل گیری میدان مبارزه های مختلف بوده و هستیم، تا جایی که غرب لیبرالیسم در تلاش است که با گره زدن خود به پدیده های آخرالزمانی (آرماگدون) مقابله خود را با انقلاب اسلامی چهره ای مقدس نهاد و در توجیه جنگ های به راه اندازد. غرب با رهبری آمریکا، این تلاش را استمرار ببخشد و زمینه های استمرار حاکمیت مطلق خود را، فراهم آورد. آنچه در این میدان نبرد، باید یادآور شد، این است که نزاع میان غرب و انقلاب اسلامی، گفتمانی و به تبع آن

پایگاه های نظامی امنیتی برای رژیم اسرائیل، ایجاد حفره در کریدور بین المللی نوسترک با طرح احداث کریدور زنگزور، تأمین انرژی رژیم اسرائیل توسط خط لوله نفتی باکو-تفلیس-جیحان، اختلال در تردد زمینی ناوگان ترانزیت

ایران از بعد نظامی امنیتی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی باید طرح ویژه ای برای کشور آذربایجان داشته باشد تا زمینه های تحرکات و تحریکات فرهنگی- جغرافیایی و همچنین نظامی- امنیتی این کشور نوظهور را کم اثر و خنثی نماید، سرمایه گذاری بر روی فرصت های موجود و خلق منافع مشترک، خواهد توانست طرح های اسرائیل برای آسیب رسانی به ایران را از مسیر کشور نوظهور آذربایجان، کاهش داده و دفع نماید

همانگونه که در ابتدا بیان شد، استراتژی انقباضی با طعم تنبیهی و بازدارندگی برای کشورهای نظیر آذربایجان به گونه ای که منافع آن کشورها در قبال همکاری نظامی- امنیتی با دول متخاصم و مداخله گر، بر اساس اصول سه گانه (عزت، حکمت و مصلحت) و سیاست های کلی ابلاغی سیاست خارجی کاهش یابد، ضروری است.

بدیهی است لازمه اعمال تنبیه، بازی با منافع ارزشمند است تا در صورت بروز هرگونه رفتار نامناسب با دستکاری منافع، مهار اقدامات ناهمسوی خارجی در اختیار ایران باشد. در حال حاضر، مهم ترین اقدام ایران برای مهار رفتارهای نامناسب کشور نوظهور آذربایجان نا امن سازی کریدور زنگزور است، تا به این وسیله جریان انتقال انرژی برای رژیم صهیونیستی نیز با اختلال مواجه شود





هویت بخشی به آن ایران باستانی و تاریخی و ایران اعتقادی-شیعی در کنار هم زمینه گذار موفقیت آمیز از پیچ تاریخی را فراهم آورد و با به پرواز درآمدن به قله پیروزی و تمدنی دست خواهند یافت

گزاره هایی که باید در این مسیر، مورد توجه قرار گیرد، عبارتند از

۱- نقش میدان داری رژیم اشغالگر صهیونیستی، در صحنه عملی است، که به تجهیز یکی از مسئولین آلمانی، کار کثیف غرب را این دولت غاصب، اجرایی کرده است که البته با مجازات سخت مواجه شده و در آینده سخت تر و پشیمان کننده تر، ادامه خواهد یافت

۲- رژیم اشغالگر سرنوشت تلخ و محکوم به نیستی را برای خود رقم زده است که هیچکس از اصول انسانی، بشری را در طول عمر نکبت بار خود، فروگذار نکرده و به دیگر کشورهای منطقه و حتی جهان در حال تعمیم دادن، است

۳- نیروهای مسلح ایران اسلامی بازوان قوی و نیروی تأثیرگذار و پیش برنده و میدانی تمدن ایران- اسلامی هستند و پیوند آن با دو بال هویت بخشی حمایت همه جانبه را می طلبد

۴- مردم ایران اسلامی، پشتوانه اصلی و موتور محرکه و تمدنی را عهده دار هستند و یکی از ارکان اصلی نظام حکمرانی را تشکیل داده و هر چند غفلت هایی در گذشته رخ داده، می بایست در همه عرصه ها ترمیم و بهره گرفته است که مورد تأکید فراوان حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دام ظلّه) بوده است

۵- نگاه نخبگانی و نقش آفرینی نخبگان در تحقق تمدنی ایران اسلامی، از آغاز این نهضت تاکنون، همواره نقش محوری بوده و این جایگاه در تولید علم، باید محفوظ و مرجعیت آن در نظام حکمرانی تبلور یابد. همانگونه که در عرصه هسته ای و زمینه های دیگر، تحول، صورت گرفته است، تا جایی که این نقش برای دشمنان این تمدن، سخت بوده است، آنچنان که در سال های اخیر، همواره شاهد حذف فیزیکی و ترور اندیشمندان و نخبگان بوده ایم. تفکری در درون، آثار تمدنی را فریاد می زند، شخصیت هایی که با نگاه الهی به نظام حکمران در حوزه های گوناگون، تأکید داشته اند. در نتیجه، اگر بخواهیم در جمله ای کوتاه به یافته ای اشاره نماییم این است که سطح منازعه، نباید با نگاه تقلیل گرایانه محدود به موضوع هسته ای یا موشکی و... گردد، بلکه باید آن را در عرصه تمدنی به حساب آورد که آثار و لوازم خاص خود را می طلبد که همان تحول و بهره گیری از تجربیات گذشته تا تحقق تمدن نوین ایران اسلامی در آینده است.

جهان، در ربع آخر قرن بیستم، شاهد تحول عظیم گفتمانی بوده است که از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، آغاز گردیده و تاکنون بعد از گذشت ۴۶ سال، در حال در نور دیدن آن، در ابعاد گوناگون است. این تحول عظیم نخستین بار، تمامی نظریه های موجود جهان، پیرامون انقلاب ها را به چالش کشید و نسل جدیدی از نظریه ها را تولید کرد که به نسل چهارم نظریه ها، معروف شده است که در آن ها، عنصری کلیدی که در نظریه های و تئوری های قبلی از آن غفلت شده و یا عمدا کنار گذاشته شده است، به عرصه میدان نظری، قدم گذاشته است. کلید واژه هایی همچون معنویت، انگیزه های الهی، ایثار، عدالت، جان فشانی ها و... نمایان گردید و شاه کلید این تمدن، بهره های توحیدی و الهی بوده است که نتیجه آن پیروزی و موفقیت در تحقق یک انقلاب با عناوین فوق الذکر است که در آثار اندیشمندان نیز، ظهور و بروز نموده است. این تحول گفتمانی، زمینه های بازتولید تمدن جدید را پایه ریزی نموده است که دارای دو بال ایرانیّت و اسلامیت است، تمدن نوین اسلامی- ایرانی با ظرفیت عظیم تاریخی و اعتقادی، طی چند دهه گذشته، عرصه رویارویی گفتمانی و همچنین میدانی را با دیگر آثار تمدنی فراهم نموده است این آثار در چهره های مادیگرایانه با سویه هایی همچون سوسیالیسم، لیبرالیسم و ناسیونالیسم قابل مشاهده بوده است، در مواجهه با سوسیالیسم، اقدام بزرگ بنیان گذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) در پیام به گورپاچف، آخرین رئیس جمهور شوروی سابق، نمایان شد و در مواجهه لیبرالیسم، همچنان در حال گسترش و شکل گیری میدان مبارزه های مختلف بوده و هستیم، تا جایی که غرب لیبرالیسم در تلاش است که با گره زدن خود به پدیده های آخرالزمانی (آرماگدون) مقابله خود را با انقلاب اسلامی چهره ای مقدس نهاد و در توجیه جنگ های به راه اندازد. غرب با رهبری آمریکا، این تلاش را استمرار ببخشد و زمینه های استمرار حاکمیت مطلق خود را، فراهم آورد. آنچه در این میدان نبرد، باید یادآور شد، این است که نزاع میان غرب و انقلاب اسلامی، گفتمانی و به تبع آن تمدنی است و تنزل آن به دعاوهای میدانی همچون؛ هسته ای، موشکی و ... انحراف از اصل دعوا و نزاع است که مدیریت آن هوشمندی سطوح مختلف نخبگانی و حکمرانی را می طلبد که با تجاوز آشکار رژیم غاصب صهیونیستی در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ ش. و جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نمایان شد. در این پیچ تاریخی، که همیشه مورد اشاره مقام معظم رهبری (دام ظلّه) بوده، می بایست تمامی قوا در طی این مسیر و گذر از آن هم افزایی نمایند. در این برهه تاریخی، عناصر تأثیرگذار تمدنی که همان دو بال



چالش سه بُعدی اقتصاد ایران در پساجنگ

عباس علوی راد

عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی

و قانونگذاری استان یزد، هیأت علمی دانشگاه



بدون تردید جنگ و شرایط جنگی برای هر کشوری، بحران محسوب می شود. اغلب بحران ها روی سیکل سه مرحله ای شامل مقدمه بحران، مدیریت بحران و بهبود اوضاع قرار می گیرند. در عین حال، نقش و تأثیرگذاری متغیرهای اقتصادی در هر مرحله از سیکل سه مرحله ای بحران جنگ، انکار ناپذیر است. به همین جهت، جنگ ۱۲ روزه اخیر در کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. صرف نظر از تحلیل نقش متغیرهای اقتصادی در دو مرحله مقدمه و مدیریت بحران جنگ ۱۲ روزه اخیر، که خارج از حوصله این یادداشت است، نقش و تأثیرگذاری متغیرهای اقتصادی در مرحله سوم بحران جنگ، یعنی؛ بهبود اوضاع بسیار مهم و تعیین کننده است. بدون تردید، آتش بس در هر جنگی می تواند یک گام به سوی بهبود اوضاع در بحران جنگ، محسوب شود. بازسازی خرابی ها و جبران خسارت های جنگ، قابلیت تأثیرگذاری جدی بر اقتصاد ایران خواهد داشت. اقتصاد ایران، با فرض پایداری آتش بس جنگ ۱۲ روزه و در مرحله بهبود اوضاع بحران، با چالش سه بُعدی به نام تورم، مواجه است. طبق گزارش رسمی مرکز آمار ایران، نرخ تورم نقطه ای در پایان خرداد ۱۴۰۴ در محدوده ۴۰ درصد قرار گرفته است. تورم فعلی در پساجنگ در ابعاد سه گانه زیر، اقتصاد ایران را به طور جدی به چالش خواهد کشید.

- کاهش قدرت خرید خانوارها
- کاهش سرمایه گذاری مولد
- کاهش رشد اقتصادی

نکته بسیار مهم این است که میانگین نرخ تورم سالانه در ۷ سال منتهی به پایان سال ۱۴۰۳ ش. معادل ۴۳ درصد بوده است، به این معنا که در اقتصاد ایران، نرخ تورم ۴۰ درصدی فعلی در پساجنگ، پدیده نوظهوری نیست. با این همه، استمرار نرخ تورم در دامنه کنونی، مانع جدی در بهبود اوضاع در مرحله سوم بحران جنگ ۱۲ روزه، خواهد بود.





انديشده‌های حکمرانی و قانون گذاری



«وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَآئِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا»

ما در تورات به بنی اسرائیل خبر دادیم که قطعاً دوبار در زمین فساد می‌کنید و (در برابر طاعت خدا) به سرکشی و طغیان (و نسبت به مردم به برتری جویی و ستی) بزرگ دچار می‌شوید.

سوره اسراء آیه ۴



hokmrah



hokmrah



hokmrah



hokmrah